

الاصالح المهدی ع

جلد دوم

وظائف شکران

مؤلفان :

نظر علی کوشکی - محمد باقر سبحانی - ابوالحسن جباری

ابا صالح المهدی (عج)

جلد دوم

وظایف منتظران

مؤلفان:

نظر علی کوشکی - محمد باقر سبحانی

ابوالحسن جباری

انتشارات نوید شیراز

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کوشکی، نظر علی
اباصالح المهدی (عج) / مولفان نظر علی کوشکی، محمد باقر سبحانی،
ابوالحسن جباری. - شیراز: نوید شیراز، ۱۳۸۳ -
ج ۲

ISBN: 964-358-289-2 (ج. ۲)

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
فهرست نویسی بر اساس جلد دوم، ۱۳۸۳.
کتابنامه.

. -- ج. ۲.

مندرجات: ج. ۱.

وظایف منتظران.

۱. مهدویت -- انتظار. ۲. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. -

-- دعاها. ۳. دعاها.

الف. سبحانی، محمدباقر. ب. جباری، ابوالحسن، ۱۳۲۴. ج. عنوان.

۲۹۷ / ۴۶۲

BP۲۲۴ / ک ۹۴ الف ۲

م ۸۳-۲۴۶۶۰

کتابخانه ملی ایران



اباصالح المهدی (عج)

جلد دوم

مؤلفان: نظر علی کوشکی - محمدباقر سبحانی - ابوالحسن جباری

□ حروف چینی: پدیده □ گرافیک: واصف □ چاپ: ستاره □ شمارگان: ۵۰۰۰ جلد

□ ویراستار: حبیب الله حسینی میرآبادی □ طراح جلد: آدینه

□ حق چاپ محفوظ □ چاپ اول: ۱۳۸۳

ناشر: انتشارات نوید شیراز

دفتر شیراز - تلفن/نمابر ۲۲۲۶۶۶۲ - ۰۷۱۱ □ ص.پ: ۷۱۳۶۵/۶۶۶

دفتر تهران - تلفن/نمابر ۸۹۰۵۹۲۵ - ۰۲۱

پست الکترونیکی: E-Mail: navid_publication @ yahoo.com

شابک ۹۶۴-۳۵۸-۲۸۹-۲ ISBN 964-358-289-2

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۸	توقیع (نامه) حضرت مهدی به شیعیان
۱۲	مقدمه
۱۳	پیشگفتار
فصل اول: عوامل تعلیم و تربیت در اسلام	
۱۷	وراثت از دیدگاه اسلام
۱۸	محیط از دیدگاه اسلام
۱۸	الف) محیط خانه و خانواده
۱۸	ب) محیط رفاقت و معاشرت
۱۹	ج) محیط مدرسه
۱۹	د) محیط اجتماع
۲۰	اراده از نظر اسلام
۲۳	ماورای طبیعت (وحی)

۲۴	یک بحث اخلاقی از علامه طباطبایی «قدس سره»
۲۴	تکرار عمل از دو طریق ممکن است
۲۶	خلاصه‌ی بحث
۲۶	راه‌های پرورش اخلاق
۲۷	مأموریت پیامبران پاکسازی است

فصل دوم: اهمیت اعتقاد صحیح به امامت و خطر انحراف از آن

۳۲	هشدار و حسرت
۳۳	بازگشت به جاهلیت بعد از پیامبر اکرم (ص)
۳۴	غیبت تدریجی به علت رسوخِ مثلث شوم شیاطین در دنیا بعد از سال ۱۴۰
۳۶	عناوین چهارده گانه‌ی معصومین علیهم السلام در قرآن
۴۳	وزر و وبال روز قیامت به علت اطاعت نکردن از امام زمان (عج) است
	روایاتی که از ابتلا و آزمایش مردم با غیبت طولانی و ظهور حتمی و ناگهانی امام زمان (عج) خبر می‌دهند
۴۴	
۴۵	میزان رشد و شکوفایی علوم بعد از ظهور امام مهدی (عج)
۴۵	تیرهای آشکار آسمان

فصل سوم: انتظار فرج

۵۱	فلسفه‌ی انتظار فرج
۵۲	این است اثر سازنده‌ی قیام مهدی (عج)
۵۳	نتیجه‌ی انتظار فرج مهدی (عج)
۵۵	تا ظهور کمتر از یک قدم
۵۶	توجه به ائمه‌ی قبلی، توجه بی‌اعتنایی به امام زمان (عج)

فصل چهارم: کینه‌ی دیرینه‌ی شیطان از امام زمان (عج)

نمونه‌ی فعالیت‌های شیطان برای منحرف کردن توجه مردم از امام زمان (عج)	۶۰
ظلمت جهانی	۶۵
غیبت امام زمان چاره‌ی مکر شیطان	۶۶
نیازهای روحی و جسمی، دو زمینه‌ی مناسب در انسان برای تخریب‌گری شیاطین	۶۷
تهذیب نفس، چاره‌ی اصلی برای عمل به علم اعتقادات	۶۸
وحشت شیطان از چه کسانی است؟	۷۱

فصل پنجم: کلید در بسته‌ی غیبت، توبه از غفلت و نیز پرداختن به دعاست

دعا، رساننده‌ی وقت معلوم است	۷۴
قدم اول و رؤیای صادقه	۷۴
قدم دوم و تأییدی از حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه)	۷۶
مطابق با قرآن و روایات	۷۶
ارتباط با امام و معرفت او چاره‌ی درد غیبت است	۷۷
میزان تشخیص معروف و منکر، دستور امام است	۸۱

فصل ششم: حجت خدا حضور و غیبت

نماز امام	۸۶
باران رحمت	۸۸
نام محبوب	۸۹
کلامی با یاد او...	۹۱
نشاط صبح جمعه‌ها	۹۴
سوز بیان	۹۵
غریب و طرید	۹۷

فصل هفتم: دعای مخصوص مهدی (عج)

- ۹۹ ۱ - دعای عهد حضرت امام عصر (عج)
- ۱۰۳ شرح و توضیح دعای عهد
- ۱۰۴ ۲ - زیارت امام زمان بعد از نماز صبح
- ۱۰۶ توضیح زیارت صبحگاهی حضرت صاحب الامر (عج)
- ۱۰۶ ۳ - دعای فرج حضرت حجة (عج)
- ۱۰۷ شرح دعای الهی عظم البلاء و برح الخفا (فرج)
- ۱۰۹ شرح دعای اللهم ارزقنا توفیق الطاعة
- ۱۱۰ ۴ - زیارت روز جمعه
- ۱۱۲ شرح و توضیح زیارت روز جمعه
- ۱۱۳ ۵ - دعا در غیبت امام زمان (عج)
- ۱۲۳ شرح و توضیح مختصر دعا در غیبت امام زمان (عج)
- ۱۲۵ ۶ - زیارت امین الله
- ۱۲۷ شرح و توضیح زیارت امین الله
- ۱۲۹ ۷ - ذکر صلوات بر حضرت صاحب الزمان (عج)
- ۱۳۰ شرح و توضیح صلوات بر حضرت صاحب الامر (ع)
- ۱۳۱ ۸ - حرز امام زمان
- ۱۳۲ طریقه‌ی نوشتن نامه برای حضرت صاحب الزمان (عج)
- ۱۳۳ دعای خاتمه کتاب
- ۱۳۴ منابع و مأخذ کتاب

امام مهدی (عج):

۱ - «همانا در رعایت حال شما کوتاهی نمی‌کنیم و یاد شما را

از خاطر نمی‌بریم.» (بحار ج ۵۳ ص ۱۷۵)

۲ - «جست و جوی معارف غیر از راه ما خاندان پیامبر برابر

با انکار ما خواهد بود.» (دین و فطرت ج ۱ به نقل از استاد معظم

آیه ... میرزا مهدی اصفهانی)

۳ - «پس هر یک از شما باید به چیزی عمل کنید که مایه‌ی

نزدیکی به ماست.» (بحار ج ۵۳ ص ۱۷۶)

۴ - برای تعجیل فرج امام زمان بسیار دعا کنید چرا که همین

دعا (و ارتباط و پیوند) فرج شماست.

(کمال الدین ج ۲ ص ۴۵۸)

ای عزیز:

سخنی دارم از سر مهر با تو که اگر دوست داری از منتظران

باشی پس در زندگی خویش نظری کن که در آن حرام نباشد،

تجاوز به حقوق دیگران نباشد و در یک کلام گناه نباشد تا

انشاء الله مورد توجه حضرت ولی عصر (عج) قرار بگیریم

و رضایت آن عزیز مولایمان را فراهم کنیم.

توقیع (نامه) حضرت مهدی به شیعیان

آگاهی بر امور شیعیان

«نَحْنُ وَإِنْ كُنَّا ثَاوِينَ بِمَكَانِنَا النَّاسِ عَنْ مَسَاكِينِ الظَّالِمِينَ - حَسَبَ الَّذِي أَرَانَاهُ اللَّهُ تَعَالَى لَنَا مِنَ الصَّلَاحِ وَ لِشِيعَتِنَا الْمُؤْمِنِينَ فِي ذَلِكَ مَا دَامَتْ دَوْلَةُ الدُّنْيَا لِلْفَاسِقِينَ - فَإِنَّا نُحِيطُ عِلْمًا بِأَنْبَاءِكُمْ، وَ لَا يَغْرُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ، وَ مَعْرِفَتُنَا بِالذَّلِّ الَّذِي أَصَابَكُمْ مَذْجَحَ كَثِيرٍ مِنْكُمْ إِلَى مَا كَانَ السَّلْفُ الصَّالِحُ عَنْهُ شَايِعًا، وَ تَبَدُّوا الْعَهْدَ الْمَأْخُودَ مِنْهُمْ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ».

اگر چه هم اکنون در مکانی دور از جایگاه سمگران مسکن گزیده ایم - که خداوند صلاح ما و شیعیان با ایمان ما را مادامی که حکومت دنیا به دست تبهاران است در همین دروی گزیدن، به ما نمایانده است - ولی در عین حال بر اخبار و احوال شما آگاهیم و هیچ چیز از اوضاع شما بر ما پوشیده و مخفی نیست. از خواری و ذلتی که دچارش شده اید با خبریم، از آن زمان که بسیاری از شما به برخی کارهای ناشایست میل کردند که پیشینیان صالح شما از آن ها دوری می جستند، و عهد و میثاق خدایی را آن چنان پشت سر انداختند که گویا به آن پیمان آگاه نیستند.

حق امام زمان (عج)

«وَلَوْ لَا أَنَّ أَمْرَ اللَّهِ لَا يُغْلَبُ، وَ سِرَّهُ لَا يَظْهَرُ وَ لَا يُعْلَنُ، لَظَهَرَ لَكُمْ مِنْ حَقِّنَا مَا تَبْتَرُ مِنْهُ عُقُولُكُمْ، وَ يُزِيلُ شُكُوكَكُمْ وَ لِكِنَّهُ مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ، وَ لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ، فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ سَلِّمُوا لَنَا وَرُدُّوا الْأَمْرَ إِلَيْنَا فَعَلَيْنَا الْإِضْذَارُ كَمَا كَانَ الْإِيرَادُ، وَ لَا تُحَاوِلُوا كَشْفَ مَا غُطِّيَ عَنْكُمْ وَ لَا تَمِيلُوا عَنِ الْيَمِينِ وَ تَعْدِلُوا إِلَى الْيَسَارِ، وَ اجْعَلُوا قَصْدَكُمْ إِلَيْنَا بِالْمُؤَدَّةِ عَلَى السُّنَّةِ الْوَاضِحَةِ».

اگر این نبود که نباید امر خدا نادیده گرفته شود و سر الهی آشکار و ابراز گردد، حق ما آن گونه بر شما ظاهر می شد که عقل هایتان را بر باید و تردید هایتان را بر طرف کند؛ لیکن آنچه را که خداوند خواسته انجام می شود و برای هر سر آمدی، کتاب و نوشته ای است. پس از خدا بترسید و تسلیم ما شوید و کار را به ما واگذارید و بر ماست که شما را از سرچشمه، سیراب بیرون آوریم چنان که ما شما را به سرچشمه بردیم.

برای کشف آنچه از شما پوشیده داشته شده کوشش مکنید و از راه راست منحرف نشوید و به نادرستی نگرایید. و بر اساس سنت آشکار الهی با محبت و دوستی خود، راه و مقصدتان را به سوی ما قرار دهید.

دوری یار

جانم آمد بلب از دوری یارم چکنم؟
روز و شب از غم او زار و نزارم چکنم؟
قابض روح چو خواهد که بگیرد جانم
اگر آن یار نیاید بکنارم چکنم؟
اگر آن دلبر جانانه دوران از من
دستگیری نکند، آخر کارم چکنم؟
عمر بگذشت به مهجوری و غفلت هیات
گر نینم رخ تابان نگارم چکنم؟
ایکه با یک نظری صد گره را بگشائی
گره‌ای سخت فتاده است بکارم چکنم؟
نبرد ره بتو جز رهرو راه تو ولی
من که گم کرده ره اندر شب تارم چکنم؟
گفته‌ای صبر کن آخر که فرج نزدیک است
رخت بر بسته زدل صبر و قرارم چکنم؟
گر خداوند بعدش به حسابم برسد
چون شود بسته بمن راه فرارم چکنم؟
تو مگر شافع من روز قیامت باشی
ورنه با اینهمه سنگینی یارم چکنم؟
من بیمار بس درد تو و بر درد فراق
هم چنان «ملتجی» ایدوست دچارم چکنم؟

ای غایب از نظر...

تو ای پرورده نرگس، که از گلزار زهرائی
دل افروز و، دلارائی و، دلجوی و، دل آرائی
به بی همتائی یزدان، تو هستی بهترین برهان
که ای موجود بی همتا، نداری مثل و، یکتائی
ز سوئی عالم امکان، کمر بر خدمت بسته
به فرمان مطاع تو مهتبا، تا چه فرمائی
زیکسو روز و شب، هر لحظه در آماده باشی تو
سراپا، گوش بر فرمان حق، استاده برپائی
گرفتاران هجرانت، نشسته بر سر راهت
مگر، این عقده غمها، به وصل خویش بگشائی
رسیده جان به لب دیگر، جدائی دلبرا تا کی
برفت از کف قرار ما، چرا آخر نمی آئی؟
تو را آئینه قرآن، بخوبی می نمایاند
به پشت پرده غیبت، مشو پنهان، که پیدائی
جهان، از بند مشکها، به آسانی رها گردد
اگر ای رحمت یزدان. جمال خویش بنمائی
مکن امروز و فردا در ظهورت، ای که می دانی
پناه ما به امروزی، امید ما به فردائی
(حسان) حیران ازی رأفت، که بر ما بی کسان داری
که دیده چون تو دلسوزی؟، که دارد چون تو مولائی؟

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيدنا ونبينا محمد(ص) وآله الطاهرين
اما بعد، قال مولانا امير المؤمنين على بن ابيطالب عليه السلام: **اِنْتَظِرُوا الْفَرَجَ وَلَا تَيَاسُوا مِنْ**
رُوحِ اللّٰهِ فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ عِنْدَ اللّٰهِ اِنْتَظَارَ الْفَرَجِ بكشيد فرج را و از گشایش پروردگار
مأیوس نگردید بدرستی که بهترین اعمال نزد خداوند انتظار فرج است.

یکی از وظایف مهم مسلمانان در عصر غیبت معرفت نسبت به حجت خداوند و امام
غائب ارواحنا له الفداء می باشد و تحقق یافتن معرفت، ضامن سعادت دنیا و آخرت انسانها
خواهد بود، و اطاعت از خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام موجب پدید آمدن نظم
در جامعه بشری و امامت و پیشوایی آنان عامل جلوگیری از تفرقه و اختلاف می باشد. کتاب
حاضر به نام ابوالصالح المهدی(عج) جلد دوم پیرامون وظایف منتظران، که توسط فرهنگیان
خدمتگذار و ارادتمند به اهل البیت علیهم السلام جناب آقایان نظرعلی کوشکی و
محمدباقر سبحانی و ابوالحسن جبّاری تنظیم و تدوین شده جهت عامه مردم بویژه نسل
جوان مفید و سودمند می باشد و اولیاء بزرگوار و محترم نسل جوان، فرزندان خود را با
مطالعه کتب مذهبی آشنا و راغب سازند که فرزندان صالح از مصادیق باقیات صالحات
می باشند و پیامبر(ص) می فرمایند: «فرزند صالح پس اندازی برای پس از مرگ است» امید
است خداوند جامعه ما را، جامعه ای منتظر برای آن امام منتظر قرار داده و توفیقات
روزافزون مؤلفان محترم را در پرتو توجهات ولی عصر ارواحنا له الفداء از درگاه احدیت
خواستارم.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

علیرضا حدائق
عید سعید فطر ۱۴۲۵

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
وَ ذَكَرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ یُتَنَفَعُ الْمُؤْمِنِیْنَ

تذکر و اندرز ده که تذکر، مؤمنان را سود می‌بخشد. (۱)

دل‌های شما مؤمنان عزیز و گران‌قدر چون زمینی است که خاک عمیقی دارد و بذر به خوبی می‌تواند در آن رشد و پرورش یابد، شاخ و برگ آورد و تنومند شود. خوشا به حال شما مؤمنان راستین، منتظران واقعی حضرت حجة ابن الحسن العسکری روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء. آری دل‌های شما بزرگواران سخن حق و حکیمانه‌ی قرآن و معصومین صلوات الله علیهم اجمعین را درک می‌کند و به آن جامه‌ی عمل می‌پوشانید و به حق منتظر آن امام منتظر هستید. با اعمال صالح خود ایشان را خوشحال و لحظه‌ی ظهور آن بزرگوار را نزدیک‌تر می‌کنید. امید است که ایشان و مادر بزرگوارشان زهرا (ع) این اقدامات ما را هر چند ناچیز است قبول فرمایند و شفیع روز جزایمان باشند. ان شاء الله.

هر منتظری به گونه‌ای زندگی کند که صفات یاران حضرت مهدی (عج) در وجودش تجلی یابد و حضرت صاحب (عج) پس از ظهور او را به عنوان یار و یاور خود بپذیرد.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
الحمد لله رب العالمین و سلام علی خاتم المرسلین
و الائمة المعصومین (ع) و السلام علی معز الاولیاء و مدلل الأعداء

سلام بر عزت بخش اولیا و خوارکننده‌ی دشمنان خدا، سلام بر امام مهدی (عج) نجات‌بخش عالم بشریت و احیاگر حقوق بشر در طول تاریخ. درباره‌ی امام غایب از نظر (عج) کتاب‌ها و مقاله‌های بسیاری به قلم عاشقان و دوستان آن حضرت نگاشته شده است که هر یک از ویژگی‌های خاص خود برخوردار است. با مطالعه‌ی آن‌ها ابهامات، شبهات و سؤالاتی که در عصر غیبت برای مشتاقان آن حضرت (عج) پیش می‌آید، برطرف می‌شود. از آن جا که بعضی از این کتاب‌ها یا از حجم بالایی از نظر کمیت برخوردارند و یا تعداد آن‌ها کم است و در دسترس همگان نیست، ما بر آن شدیم تا به یاری خداوند تبارک و تعالی و توجهات حضرت ولی عصر (عج) برای پاسخ‌گویی به بعضی از شبهات جوانان عزیز و عاشقان آن حضرت این اثر را در دو مجلد تهیه و در اختیار ارادتمندان خاندان اهل بیت (علیهم‌السلام) قرار دهیم. در جلد اول به معرفی آن حضرت پرداخته و در جلد دوم به وظایف منتظران آن حضرت اشاره شده است. جلد دوم از شش فصل تشکیل شده است که وظایف منتظران را به ترتیب در تربیت خویش و خودسازی، دلایل منتظر بودن، اهمیت شناخت امام معصوم و اطاعت از ایشان، مواعی که

ممکن است در سر راه منتظر ایجاد شود و راه‌های مبارزه با آن به اختصار در فصول چهارم، پنجم و ششم آورده شده است. به امید آن که همه‌ی ما بتوانیم در هموار کردن راه برای تعجیل در فرج حضرت ولی الله اعظم امام زمان روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء قدم برداریم تا با ظهور بهجت‌زای آن حجت یگانه‌ی خدا شاهد گسترش عدالت در کره‌ی خاکی باشیم.

اکنون که توفیق الهی رفیق راه شد و کتابی دیگر به نام اباصالح المهدی (عج) جلد دوم که وظیفه‌ی منتظران ارزشمند و گران قدر شیعه در آن گردآوری شده و در روشنگری اذهان عمومی به ویژه نسل محترم جوان گامی کوچک و ناچیز برداشته شده، امید است رضای الهی، زهرای اطهر (س) و خود حضرت ولی عصر حجة ابن الحسن العسکری (عج) را در پی داشته باشد و توشه‌ی آخرت‌مان قرار گیرد.

به جاست از تمامی کسانی که در این امر مهم به هر طریقی ما را یاری فرموده‌اند، کارکنان انتشارات نوید شیراز به ویژه مدیریت محترم آن آقای علی نویدگویی، حروف‌چینی پدیده به سرپرستی سرکار خانم نسرین سیفی و همکار بزرگوار و ارجمندشان، و ویراستار جناب آقای حبیب الله حسینی میرآبادی و طراح جلد جناب آقای فرنیاکه در گردآوری و چاپ این مجموعه نهایت لطف و محبت را مبذول داشته‌اند از محضر ذات باری درخواست شود که خیر دنیا و آخرت به طور اکمل عنایت و علو درجات در دنیا و آخرت لطف فرماید.

شایان ذکر است چون سعی می‌شود این کتاب با نازل‌ترین قیمت در اختیار عزیزان خواننده قرار گیرد، تقاضا می‌شود آن را در منازل خود بایگانی نکنند و به اقوام و خویشان و دوستان لطف فرمایند تا شاید آن‌ها هم توشه‌ای بردارند.

والسلام علی من تبع الهدی

اللهم وفقنا لما تحب وترضی

مؤلفان: نظر علی کوشکی - محمدباقر سبحانی

ابوالحسن جباری

آذر ماه هشتاد و سه

پرسشی از محضر امام باقر(ع)

چرا در شب قدر فرشتگان و روح الامین بر امام زمان (عج) نازل می‌شوند؟
حضرت حجة ابن الحسن العسكري (عج) می‌فرمایند: «علم ما بر شما احاطه دارد و هیچ چیز از شما بر ما پوشیده نیست.»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَ مَا أَذْرِيكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ
شَهْرٍ تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ
الْفَجْرِ

۱- ما آن (قرآن) را در شب قدر نازل کردیم. ۲- و توجه می‌دانی شب قدر چیست. ۳- شب قدر بهتر از هزار ماه است. ۴- فرشتگان و «روح» در آن به اذن پروردگارشان برای (تقدیر) هر کار نازل می‌شوند. ۵- شبی است مملو از سلامت (و برکت و رحمت) تا طلوع صبح!

شخصی از امام باقر(ع) پرسید: اموری که در شب قدر فرشتگان و روح بر شما انقذ می‌کنند. من اطمینان کامل و یقین دارم که پیغمبر اکرم(ص) آنها را می‌دانست و نیز رسول خدا از دنیا نرفت مگر آن که تمام آن علوم را که دارا بود به امیرالمؤمنین علی(ع) تعلیم داد و آن حضرت تمام آنها را حفظ فرمود. از این رو، چه نیازی است که فرشتگان بر شما نازل شوند و فرمان حقایق را فرود آورند؟

آن حضرت پاسخ فرمودند: «چه کسی تو را به این خانه آورد؟ گفت: «قضا و قدر الهی مرا به حضور شما رسانید تا مسایل دین خود را از شما پیرسم و از روی فهم عمل کنم.» امام باقر(ع) فرمود: «پس آن چه را می‌گویم، بدان و حفظ کن شبی که پیامبر اکرم(ص) را به معراج بردند، از آن جا فرود نیامد مگر آن که خداوند تمام علوم گذشته، آینده و حوادث را به او تعلیم داد که تفسیر بسیاری از آن‌ها در شب قدر نازل می‌شود و تمام آن علوم را که پیامبر در شب معراج از پروردگار فرا گرفت به علی(ع) تعلیم فرمود و در شب قدر تفسیر آن‌ها بر آن حضرت نازل می‌شد و ما ائمه عموماً همین طور هستیم.» آن شخص عرض کرد: «مگر تفسیر آن علوم را پروردگار نفرموده بود.» امام(ع) بیان فرمودند: «آری، اما باید تفسیر آن چه مربوط به آن سال است، از جانب پروردگار در شب‌های قدر برای همان سال بر پیامبر(ص) و اوصیای بعد از آن حضرت نازل شود و از خداوند دستور بگیرند که این سال برای اموری که می‌دانسته‌اند چگونه رفتار و عمل کنند.» (دقت کنید)^(۱)

در کافی از حضرت صادق(ع) روایت شده که بعد از پیامبر، در شب‌های قدر فرشتگان بر امیرالمؤمنین علی(ع) و امامان بعد از او تا مهدی(عج) نازل می‌شوند و مقدرات نوع بشر را بیان می‌دارند.^(۲)

از آن جا که در شب قدر فرشتگان آنچه را که خداوند برای هر یک از افراد نوع بشر مقدر کرده به عرض امام زمان می‌رسانند و نیز در شب‌های جمعه حضرت از اعمال، رفتار و گفتار ما آگاه می‌شوند، نیکی‌ها و آن چه در صراط حق و مستقیم است ایشان را خوشحال می‌کند و دعا می‌کنند و بدی‌ها و آن چه در راه شیطان لعین است، ایشان را مضطرب و ناراحت می‌کند.

فصل اول

عوامل مؤثر در تربیت انسان

در این فصل ما برآنیم تا درباره‌ی علل و عوامل مهمی که در تربیت انسان تأثیرات مستقیم و یا غیرمستقیم دارند، به اختصار سخن بگوییم. بیشتر علمای تعلیم و تربیت به دو عامل مهم اشاره می‌کنند که در تربیت انسان نقش اساسی دارند؛ یکی عامل محیط و دیگری وراثت. اسلام علاوه بر این دو عامل، به دو عامل دیگر هم اشاره می‌کند که عبارتند از: اراده و عوامل ماورای طبیعت (وحی)

وراثت از دیدگاه اسلام

در این باره به دو حدیث اشاره می‌کنیم. رسول خدا (ص) در حدیثی چنین می‌فرماید: «بینید نطفه‌ی خودتان را در چه محلی مستقر می‌کنید، از قانون وراثت غافل مباشید، توجه کنید زمینه‌ی پاکی باشد تا فرزندان شما

وارث صفات ناپسند نشوند. (۱)»

امام علی (ع) در سخنی می‌فرمایند: «سجایای اخلاقی، دلیل پاکی وراثت و فضیلت ریشه‌ی خانوادگی است. (۲)»

با توجه به دو فرمایش فوق می‌بینیم اسلام عزیز از تأثیر مهم وراثت در تربیت انسان غافل نبوده است. پیشوایان دینی ما به این امر توجه کافی داشته و پیروان خود را در انتخاب همسر و تربیت خانوادگی به دقت و دوراندیشی و تدبیر دعوت کرده‌اند تا آن‌ها در تربیت نسل بعدی دچار مشکل نشوند.

محیط از دیدگاه اسلام

در این باره به بعضی از بیانات پیامبر اسلام (ص) و سخنان معصومین (علیهم‌السلام) اشاره می‌کنیم:

الف) محیط خانه و خانواده

اولین محیطی که در تربیت آدمی تأثیر دارد محیط خانه و خانواده است که در آن ابتدا والدین و سپس خواهر و برادر نقش مهمی ایفا می‌کنند. رسول خدا (ص) در حدیثی می‌فرمایند: «هر نوزادی با فطرت (اسلام و توحید) متولد می‌شود، آن‌گاه پدر و مادر او را به یهودیت و نصرانیت گرایش می‌دهند و از راه فطرت منحرف می‌کنند.» (۳)

ب) محیط رفاقت و معاشرت

برای همگان این امر بدیهی است که انسان چون موجودی اجتماعی، برای برآوردن احتیاجات مادی و روحی خود نیاز به معاشرت با دیگران دارد. از این رو همین

۱ - المستطرف، ج ۲، ص ۲۱۸. ۲ - غررالحکم، ص ۳۷۹.

۳ - مبانی تعلیم و تربیت اسلامی مراکز تربیت معلم، ص ۱۱۹.

نیاز، موضوع دوست‌یابی را به وجود می‌آورد.

دوست بعد از خانواده نقش دوم را در شکل دادن به شخصیت آدمی ایفا می‌کند. به همین دلیل باید در انتخاب دوست وقت لازم را صرف کرد. در این باره رسول اکرم (ص) می‌فرمایند: «هر انسانی از دین و روش دوست و همنشین خودش پیروی می‌کند.»^(۱)
در جای دیگر رسول خدا می‌فرمایند: «سعادت‌مندترین مردم کسی است که با مردمی بزرگوار مخالفت و آمیزش و معاشرت داشته باشد.»^(۲)

ج) محیط مدرسه

محیط و فضای مدرسه چون از افرادی مانند مدیر، معلم، کارکنان مدرسه و دانش‌آموزان تشکیل شده است و همه‌ی آن‌ها در جایگاه خویش نقش‌الگویی را به عهده دارند و چون کودکان و نوجوانان حساس‌ترین سال‌های عمر خود را در مدارس طی می‌کنند، در نتیجه تأثیر زیادی از این محیط می‌گیرند. اگر مروری داشته باشیم بر زندگی انسان‌های موفق و برجسته و به عکس‌نگاهی بیندازیم به انسان‌های بدبخت و ناموفق، می‌بینیم اکثریت آن‌ها دلیل موفقیت یا ناکامی‌های خود را دوستان یا همکلاسی‌های دوران تحصیل و یا معلمان خود می‌دانند.

د) محیط اجتماع

منظور از محیط اجتماع، محیطی است وسیع که جدای از خانه و خانواده و حتی مدرسه است. محیطی است گسترده که در جای خود در شکل‌دهی به شخصیت انسان‌ها اثر شایان توجهی دارد.

لذا اگر به دقت به سخنان معصومین علیهم‌السلام نگاه کنیم، این را به وضوح می‌بینیم که ایشان برای به وجود آمدن یک اجتماع سالم نهایت اهتمام را داشته‌اند. برای مثال به وجود

آمدن حکومت اسلامی در مدینه منوره به دست پیامبر اسلام (ص) و نقش هدایت و نظارت معصومین علیهم السلام بر امت پس از پیامبر (ص) یا حرکت‌ها و قیام‌ها برای ایجاد حکومت اسلامی و دفاع از حکومت اسلامی به رهبری ائمه‌ی معصومین علیهم السلام، همه مؤید این مطلب است.

اراده از نظر اسلام

اراده همان عزم و قصد و آهنگ به سوی هدف است و بیانگر وجود انتخاب و اختیار در انسان است که خداوند آن را در انسان به ودیعه نهاده است. در این باره خداوند در قرآن در سوره‌ی لقمان آیه‌ی ۱۷ می‌فرماید:

وَ اصْبِرْ عَلَىٰ مَا اَصَابَكَ اِنَّ ذٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْاُمُوْر

بر آن چه به تو می‌رسد استقامت کن که این از عزم و اراده‌ی در کارهاست.

انسان با نیروی عقل و خرد خویش و آزادی عمل می‌تواند راه سعادت را که همان حرکت در مسیر فطرت الهی است و در انسان به ودیعه نهاده شده است، پیماید و به سوی کمال پیش برود یا با پیروی از هواهای نفسانی و شیاطین جنّی و انسی راه شقاوت را پیش گیرد و با عقل و خرد مخالفت کند.

در این باره به فرمایشی از امام صادق (ع) اشاره می‌کنیم که می‌فرماید: «کسی که با مراقبت، قلب خود را از غفلت نگه دارد و نفسش را با نظارت از شهوت حفظ کند و عقل خود را با کسب آگاهی از جهل مصون دارد، در زمره‌ی بیداران است.»^(۱)

اِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيْلَ اِمَّا شَاكِرًا و اِمَّا كَفُوْرًا

ما راه را به او نشان دادیم. خواه شاکر باشد (و پذیرا شود) یا کفران کند.

این آیه به سه موضوع مهم و سرنوشت‌ساز در زندگی انسان اشاره می‌کند. موضوع «تکلیف»، موضوع «هدایت» و موضوع «آزادی، اراده و اختیار» که لازم و ملزوم و مکمل یکدیگرند.

در ضمن جمله‌ی «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَّ إِمَّا كَفُورًا»^(۱) خط بطلان بر مکتب جبر می‌کشد.

تعبیر «شاکراً» و «کفوراً» مناسب‌ترین تعبیری است که در این جا امکان دارد. چرا که در مقابل نعمت بزرگ الهی آن‌ها که پذیرا و تسلیم شوند و راه هدایت پیش گیرند، شکر این نعمت را به جا آورده و آن‌ها که مخالفت کنند، کفران کرده‌اند.

و از آن جا که از دست و زبان هیچ کس بر نمی‌آید که از عهده‌ی شکرش به در آید، درباره‌ی شکر تعبیر به شاکر (اسم فاعل) کرده در حالی که درباره‌ی کفران کفور (صیغه‌ی مبالغه) آورده است زیرا آن‌ها که این نعمت بزرگ را نادیده بگیرند، بالاترین کفران را کرده‌اند. چرا که خداوند انواع و سبایل هدایت را در اختیار آن‌ها گذارده و این نهایت کفران است که همه را نادیده بگیرند و راه خطا بروند.^(۲)

ضمناً باید توجه داشت کفور واژه‌ای است که هم درباره‌ی کفران نعمت و هم درباره‌ی کفر اعتقادی به کار رفته است.^(۳)

همچنین باید توجه داشت که خداوند در آیه‌ی ۲۵۶ سوره‌ی بقره می‌فرماید: «لَا أُكْرَهُ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرِّشْدُ مِنَ الْغَيِّ»

«در قبول دین اکراهی نیست (زیرا) راه درست از راه منحرف آشکار شده است.»

«رشد» از نظر لغت عبارت است از: «راه‌یابی و رسیدن به حقیقت در برابر «غی» که به معنی انحراف پیدا کردن از حقیقت و دور شدن از واقع است و از آن جا که دین و مذهب با روح و فکر مردم سر و کار دارد و اساس و شالوده‌ی آن بر اساس ایمان و یقین استوار است، خواه ناخواه راهی جز منطق و استدلال ندارد.

بر این اساس اصولاً اسلام و هر مذهب حق از دو جهت نمی‌تواند جنبه‌ی

۱ - آیه‌ی ۳ سوره‌ی انسان (دهر) ۲ - تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۳۳۷.

۳ - همان گونه که راغب در مفردات آورده است.

تحمیلی داشته باشد. ۱ - بعد از آن همه دلایل روشن و استدلال منطقی و معجزات آشکار نیازی به این نیست که متوسل به زور و تحمیل شوند چرا که فاقد منطق است و اسلام با منطق روشن و استدلال نیرومند از این ویژگی برکنار است.

۲ - اصولاً دین که از یک سلسله اعتقادات قلبی ریشه و مایه می‌گیرد ممکن نیست تحمیلی باشد. زور و شمشیر و قدرت نظامی در اعمال و حرکات جسمانی ما می‌تواند اثر بگذارد نه در افکار و اعتقادات ما.

حال برای روشن شدن موضوع اختیار مثالی می‌زنیم:

هنگامی که انسان گرسنه می‌شود، تعیین نوع غذا و زمان غذا خوردن به دست خود انسان است اما در موقع هضم غذا انسان نمی‌تواند هیچ اراده و اختیاری از خود اعمال کند.

حال اگر زاویه‌ای را در نظر بگیریم، در رأس زاویه «اراده» قرار می‌گیرد. یک ضلع آن عقل است که تأیید کننده دستورات خدا، قرآن، پیامبر و ائمه‌ی معصومین صلوات الله علیهم اجمعین است و ضلع دیگر را هوی و هوس و دل تشکیل می‌دهد که تأیید کننده دستورات شیاطین هستند. تا این جا اختیار با من انسان است که در راه عقل، اراده‌ی خود را به کار گیرم یا در راه هوی و هوس و دل. اما از این به بعد اگر از عقل پیروی کردم، راهی بهشت می‌شوم. زیرا ملائکه به هنگام قبض روح یا ورود به بهشت می‌گویند: «درود بر شما، وارد بهشت شوید برای اعمالی که انجام دادید.»^(۱)

و اگر خدای ناکرده ضلع هوی و هوس را پیروی کردیم و در وجودمان پایگاه برای شیطان باز گذاشتیم ملائکه می‌فرمایند: در آیه‌ی ۵۱ سوره‌ی انفال می‌فرمایند: «این در مقابل کارهایی است که از پیش فرستاده‌اید و خداوند به بندگانش هرگز ستم روا نمی‌دارد.»
با توجه به نکات فوق اگر اراده را در خط عقل به کار بردیم و به بهشت و نعمت‌های

الهی دست یافتیم یا خدای ناکرده اراده را در خط هوی و هوس به کار انداختیم و به جهنم و عذاب‌های آن گرفتار شدیم، خودمان مقصریم.
بنابراین انتخاب راه پیروی از عقل یا پیروی از شیطان بدست خودمانست.

ماورای طبیعت (وحی)

اگر لحظه‌ای به فلسفه‌ی رسالت انبیا و اولیای الهی بیندیشیم، این را در خواهیم یافت که خداوند تبارک و تعالی برای هدایت انسان‌ها به سوی کمال، آن‌ها را از نعمات عقل، اراده، انبیا، وحی، درک و فهم، علم و نعمات مادی برخوردار کرده است.

به کمک وحی و ارسال کتب راه و برنامه‌ی حرکت کمالی انسان را نشان داده است. قرآن می‌فرماید: هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَ مَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ^(۱) این کتاب بیان و حجتی برای عموم مردم و راهنما و پندی برای پرهیزکاران.

در جای دیگر خداوند می‌فرماید: اِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ اِمَّا شَاكِرًا و اِمَّا كَفُورًا^(۲) ما به حقیقت راه حق و باطل را به انسان نمودیم و به اتمام حجت بر او رسول فرستادیم، خواهد شکر این نعمت گوید و خواهد کفران کند.

در آیه‌ی ۵۷ سوره‌ی یونس چهار مرحله از مراحل تربیت و تکامل انسان را در سایه‌ی قرآن شرح می‌دهد:

مرحله‌ی اول: مرحله‌ی موعظه و اندرز است.

مرحله‌ی دوم: مرحله‌ی پاکیزه کردن روح انسان از انواع رذایل اخلاقی است.

مرحله‌ی سوم: مرحله‌ی هدایت است که پس از پاکیزگی صورت می‌گیرد.

مرحله‌ی چهارم: مرحله‌ای است که انسان لیاقت آن را پیدا کرده است تا مشمول رحمت و نعمت پروردگار شود و هر یک از این مراحل به دنبال دیگری قرار دارد و جالب این که تمام آن‌ها در پرتو قرآن قرار می‌گیرد. زیرا

قرآن است که انسان‌ها را انداز می‌دهد (می‌ترساند).
 قرآن است که زنگار گناه و صفات زشت را از قلب انسان پاک می‌کند.
 قرآن است که نور هدایت را به دل‌ها می‌تاباند.
 قرآن است که نعمت‌های الهی را بر فرد و جامعه نازل می‌گرداند.
 علی (ع) مفاهیم فوق را چنین بیان می‌فرمایند: «از قرآن برای بیماری‌های خود شفا بطلبید و از آن برای حل مشکلات خویش کمک بگیرید چرا که در قرآن شفای بزرگ‌ترین دردهاست که آن درد کفر و نفاق و گمراهی و ضلالت است»^(۱).

یک بحث اخلاقی از علامه طباطبائی «قدس سره»^(۲)

حضرت استاد در جلد دوم تفسیر المیزان با عنوان بحثی در اخلاق، راه‌های پرورش اخلاق و ملکات نفسانی را بیان کرده‌اند که در این جا به اختصار به آن اشاره می‌کنیم. تنها وسیله‌ای که می‌توان به کمک آن صفات باطنی را اصلاح و ملکات فاضله‌ی اخلاقی را تحصیل کرد و صفحه‌ی دل را از آلودگی‌ها و زشتی‌ها پاک نگاه داشت، تکرار اعمال پسندیده است تا این اعمال (صالح و نیکو) به سبب ممارست و تکرار در صفحه‌ی دل نقش پذیرد. مثلاً شخصی که می‌ترسد، برای این که بخواهد این صفت را از خود دور کند، باید اقدام به اعمالی کند که از آن‌ها می‌ترسد. در نتیجه تکرار این امر موجب می‌شود تا ترسش از بین برود و شجاعت جای آن را بگیرد.

تکرار عمل از دو طریق ممکن است

الف) راه اول: توجه به فواید دنیایی اعمال است، فوایدی که مردم آن را می‌ستایند. مثلاً عفت نفس داشتن، یعنی مهار خواهش‌های شهوانی امری است که بیشتر عقلای جامعه از آن استقبال می‌کنند یا قطع طمع از آنچه مردم دارند. این‌ها صفاتی پسندیده‌اند چون فواید

خوبی دارند، آدمی را در دنیا عزت می دهند و نزد عموم مردم محترم است. این طریقه همان طریقه معهودی است که علم اخلاق قدیم، اخلاق یونان و غیر آن بر این اساس بنا شده و قرآن کریم اخلاق را از این طریق استعمال نکرده و زیربنای آن را مدح و ذم مردم قرار نداده است.

ب) راه دوّم: توجه به فواید آخرتی است و این راه، راه قرآن است که ذکرش در قرآن بارها و بارها آمده مانند آیهی (ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم، و اموالهم، بان لهم الجنة، خدا از مؤمنین جانها و مالهاشان را می خرد، در مقابل این که بهشت به آنها عطا می کند.)

سورهی توبه آیهی ۱

در آیهی ۱۰ سورهی زُمر می فرماید: «همانا مزد صبرکنندگان تمام و کمال و بدون حساب داده خواهد شد.»

و آیات دیگر از سورههای دیگر مانند (۲۲ سورهی حدید) و (۱۱ سورهی تغابن)، اصلاح اخلاق را از راه نتایج شریف اخروی تعقیب می کند که کمالات واقعی است نه خیالی.

قرآن اساس اصلاحات اخلاقی را که از قضا و قدر و متصف شدن به اخلاق خدا و توجه به اسماء حسنی و صفات عالیهی الهی و امثال آن سرچشمه می گیرد، قرار می دهد. راه دیگری که تحت عنوان راه سوم در ذیل مطرح می شود، جدا از دو طریق فوق است و کامل تر از آنهاست.

ج) راه سوم: این راه، نه طریق حکمای اخلاق است و نه طریق انبیای پیشین، بلکه راهی است مختص اسلام و آن این است که انسان در این طریق از نظر روحی و علمی طوری تربیت می شود و چنان علوم و معارف در او ریشه می دواند که دیگر راهی برای پرداختن به رذائل اخلاقی باقی نمی ماند. به عبارت دیگر ریشهی رذایل اخلاقی سوزانده می شود. به عنوان مثال: کسی که دچار ریاست یعنی کاری را برای غیر خدا انجام می دهد، یکی از دو علت زیر را دارد؛ ۱ - یا می خواهد از این راه وجه کسب کند. ۲ - یا از قدرتی مافوق

می ترسد. وقتی انسان این را فهمید که همه عزت‌ها از آن خداست (سوره یونس ۶۵) و نیز تمام قدرت‌ها همگی از آن خداست (بقره ۱۶۵) و به این دو حقیقت ایمان راسخ پیدا کرد، دیگر راهی برای ریا و تظاهر باقی نمی ماند.

علاوه بر این کسی که اعتقاد دارد که بنده خداست و بازگشتش به سوی اوست و خداوند مالک همه چیز حتی جان و مال و فرزند و همسر و مقام و جاه و... اوست، از نظر چنین کسی تمام موجودات هم از نظر ذات و هم از نظر صفات و افعال از درجه‌ی استقلال ساقط‌اند. واضح است چنین کسی ممکن نیست غیر خدا را طالب باشد و خضوع یا خوف و رجایی به دیگری پیدا کند. از غیر خدا لذت برد و یا به غیر او تکیه کند و کار خود را به دیگری واگذارد.

این چنین انسانی جز حق نمی خواهد و جز خدا نمی جوید.

خلاصه‌ی بحث

راه‌های پرورش اخلاق

۱- راه اول، روش حکمای اخلاقی است که صرفاً به آثار اجتماعی و ظاهری صفات توجه دارند.

تذکرات لازم:

الف - باید به این سخن پیامبر توجه داشت که فرموده‌اند، در آخرالزمان معروف را منکر می‌دانند و منکر را معروف.^(۱)

ب - در صورت غنی شدن انسان از نظر معنوی جای هیچ یک از رذایل اخلاقی باقی نخواهد ماند.

۲- راه دوم، روش انبیاست که مبتنی بر عقاید معمولی دینی و ایمان به ثواب و جزا در مقابل تکلیف است.

۳- راه سوم، بر اساس توحید خالص و کامل است که از مختصات اسلام است.

مأموریت پیامبران پاکسازی است

در آیه‌ی ۱۸ سوره‌ی نازعات می‌فرماید: و به او بگو آیامی خواهی پاک و پاکیزه شوی تعبیر فوق اشاره‌ی لطیفی به این حقیقت است که رسالت انبیا برای پاکسازی انسان‌ها و بازگرداندن طهارت فطری نخستین به آن‌هاست.

در ضمن نمی‌گوید من تو را پاک می‌کنم. بلکه می‌گوید: پاکی را پذیرا شوی! و این نشان می‌دهد که پاک شدن باید به صورت خود جوش باشد نه از بیرون تحمیل شود.

قرآن مایه‌ی ذکر و بیداری برای جهانیان است.

در آیات ۲۷ و ۲۸ سوره‌ی تکویر می‌خوانیم: این قرآن چیزی جز تذکری برای

جهانیان نیست (۲۷) برای آن‌ها که می‌خواهند راه مستقیم در پیش گیرند. (۲۸)

قرآن همه را انداز می‌دهد، هشدار می‌دهد تا از خواب غفلت بیدار شوند ولی از آن جا

که برای هدایت و تربیت تنها «فاعلیت فاعل» کافی نیست بلکه «قابلیت قابل» نیز شرط است،

در آیه‌ی بعد می‌افزاید برای آن‌ها که می‌خواهند راه مستقیم را بپویند.

اصل فیض، هدایت عام است ولی استفاده‌ی از آن به شرط اراده و تصمیم انسان است.

این آیه از آیاتی است که نشان می‌دهد خدا انسان را آزاد آفریده و تصمیم برای پیمودن راه

حق و باطل با خود انسان است و راه اصلی راه هدایت و سعادت است و مابقی راه‌ها

انحرافی و گمراهی است. اگر افراط و تفریط‌ها، وسوسه‌های شیطانی و تبلیغات گمراه کننده

در راه نباشد، انسان با ندای فطرت در راه مستقیم گام می‌نهد و می‌داند که راه مستقیم

همیشه نزدیک‌ترین راه است. اما این آزادی اراده به شرطی که خدا بخواهد توفیق یارمان

خواهد بود چون در آیه‌ی ۲۹ سوره‌ی تکویر می‌فرماید: شما اراده نمی‌کنید مگر خداوندی

که پروردگار جهانیان است بخواهد که در حقیقت همان مسأله‌ی دقیق و ظریف «امر بین

الامرین» است. اراده و اختیار از طرف خداست و او خواسته است که شما چنین باشید.

ما نه آزاد صددرصد و نه مجبور صددرصد بلکه حد فاصل بین آن دو آفریده شده‌ایم.

هر چه انسان دارد، از عقل و هوش و توانایی جسمی و قدرت تصمیم‌گیری، همه از جانب

خداست و همین واقعیت است که انسان را از یک سو دائماً به خالق نیازمند می‌کند و از

سوی دیگر به خاطر آزادی و اختیارش به او تعهد و مسئولیت می دهد.
 و به تعبیر رب العالمین، مشیت الهی نیز در مسیر تربیت و تکامل انسان و همه ی جهانیان
 است. او هرگز نمی خواهد کسی گمراه شود و یا گناه کند و از جوار قرب خدا دور افتد. او به
 مقتضای ربوبیتش همه ی کسانی را که بخواهند در مسیر تکامل گام بردارند، یاری می کند.
 خداوندا! می دانیم پیمودن راه حق جز با توفیق تو میسر نمی شود. ما را در این راه
 موفق دار.

پروردگارا! ما آرزو کرده ایم در راه هدایت گام برداریم. تو نیز اراده فرما که دست ما را
 در این راه بگیری.

بارالها! صحنه ی محشر و دادگاه تو بسیار هولناک و نامه ی اعمال ما از حسنات خالی
 است. ما را در پناه عفو و فضلت جای ده نه در برابر میزان عدالت.

فصل دوم

اهمیت اعتقاد صحیح به امامت و خطر انحراف از آن

قبل از هر چیز باید متذکر شویم که خداوند سبحان در قرآن کریم بارها و بارها هشدار داده که شیاطین دشمن انسان‌اند، خواه شیاطین جنی یا انسی باشند.

نبی اکرم (ص) می‌فرمایند: «هر مؤمنی دارای دو گوش است؛ گوش‌هایی که فرشته در آن می‌دمد و گوش‌هایی که وسواس خناس می‌دمد. خداوند مؤمن را با فرشته تأیید می‌کند و این است معنی و آئده بروح منه.»

و امام صادق فرمودند: «زمانی که آیه‌ی ۱۳۵ سوره‌ی آل عمران بر پیامبر نازل شد مبنی بر این که «نیکان آن‌ها هستند که هرگاه عمل ناشایسته‌ای از ایشان سرزند و ظلمی به نفس خویش کنند خدا را به یاد آورند و از گناه خود به درگاه خدا توبه و استغفار کنند که می‌دانند جز خدا هیچکس نمی‌تواند گناه خلق را بیامرزد و آن‌ها هستند که اصرار در کار زشت نکنند چون به زشتی معصیت آگاهند.»

شیطان یاران خود را جمع کرد و ابراز ناراحتی کرد. یارانش گفتند: چه شده؟ گفت: این آیه آمده است. چه باید کرد؟ هرکس چیزی گفت. وسواس خناس گفت: من مشکل را حل می‌کنم. ابلیس پرسید: از چه راه؟ گفت: فرزندان آدم را با وعده‌ها و آرزوها به گناه آلوده

می‌کنم و هنگامی که به گناه آلوده شدند، یاد خدا و بازگشت به سوی او را از یادشان می‌برم. ابلیس گفت: راه همین است و این مأموریت را تا پایان دنیا بر عهده‌ی او گذاشت! و علاوه بر آن، شیطان قسم یاد کرد که آدم و فرزندان او را فریب خواهم داد مگر انسان‌های مخلص را.

اعتقاد صحیح به امامت و رهبری جامعه‌ی مسلمین، برای رسیدن به زندگی سالم آن قدر اهمیت دارد که اگر انسان از آن منحرف شود، به هر اندازه که از این منبع علم دور شود، به همان اندازه جاهل می‌شود و در هر کاری که با فکر ناقص خود یا القای شیاطین جنّی و انسی عمل کند، چون آن کار از مسیر و منبع واقعی که امام است ریشه نگرفته و از محدوده فکر ناتوان بشری فراتر نمی‌رود، باعث انحراف در صراط مستقیم دین می‌شود. خداوند برای ایجاد روحیه‌ی پیروی از کسی که تبلور صراط مستقیم دین است و کسی جز امام نیست،^(۱) دستور داده روزی حداقل ده بار در نمازهایمان از او هدایت در صراط مستقیم را طلب کنیم و در سوره‌ی حمد بگوییم *اهدنا الصراط المستقیم* و برای جلوگیری از انحراف از این مسیر و عواملی که ممکن است باعث این انحراف شوند، به ما هشدار داده است و از قول شیطان که نخواست مطیع خداوند باشد، بعد از این که با خداوند مجادله کرد، چنین نقل می‌کند که به خداوند گفت، برای این که مردم در صراط مستقیم دینت قرار نگیرند، حتماً بر سر راهشان خواهم نشست.^(۲) یعنی نخواهم گذاشت مردم تابع آن امامی شوند که تو برایشان برگزیده‌ای و با پیروی از او به علم و معرفت کامل می‌رسند و از جهالت رهایی می‌یابند و سعی خواهم کرد برای این که جهالت و نادانی را گسترش دهم، آن‌ها را در امر امامت و رهبری به تشوّت فکری و انحراف بکشانم. از این رو به دلایلی که گفته خواهد شد، می‌بینیم تا حدّی موفق شده و اکنون نقطه‌ی مشترک همه‌ی فرقه‌های مسلمان این است که در امر امامت با هم اختلاف دارند.

۱ - تفسیر برهان، جلد ۱، صفحه‌ی ۴۷، حدیث ۴

۲ - سوره‌ی مبارکه‌ی اعراف، آیه‌ی ۱۶

اگر همه‌ی مسلمین همان گونه که به پیامبر واحدی به عنوان آخرین پیامبر معتقدند، به ائمه‌ی واحدی هم که خداوند تعیین فرموده معتقد بودند، این همه فرقه‌های متعددی که معلوم است بنا به تناقضات و اختلافاتی که با هم دارند نمی‌توانند همه بر حقّ هم باشند، به وجود نمی‌آید. (۱) خدای تعالی برای این که از همین اختلافات پیشگیری کند، همان گونه که اختیار تعیین پیامبر را به عهده گرفته و به کسی حقّ انتخاب و بعثت انبیا و رسل را نداده است، اختیار تعیین امام را هم که همپای نبوت و دنباله‌ی آن است، خود به عهده گرفته و به دلیل اهمیت موضوع، این امر را در قرآن جاویدش اعلام کرده است تا به کسانی که اهل تدبّر در قرآن هستند، حقیقت را بفهماند و تا می‌شود از انحراف در این امر مهم جلوگیری کند. (۲)

خدای تعالی بزرگ‌ترین معجزه‌ی آخرین پیامبرش را کتاب آسمانی قرار داد و در آن، ماجراهای پیامبران گذشته و نقصی را که مردم در اطاعت و پیروی از آنها داشته‌اند، به ما گوشزد کند تا این توصیه‌ی بسیار مهم بماند و امتّ آخرین پیامبر بداند که اگر بخواهد روی سعادت را ببیند، باید از اعمال امتّ‌های گذشته عبرت بگیرد و کاری نکند که کوچک‌ترین انحرافی از دستورات نماینده‌ی الهی زمان خود داشته باشد. از این رو باید گفت نقل این قصص و ماجراها برای این است که انسان از حرکت در صراط مستقیم دین منحرف نشود. چرا که اگر از این مسیر الهی به اندازه‌ی مختصری دور شود، هرچه به پیش رود، فاصله‌ای از راه بیشتر و درجه‌ی انحرافش عمیق‌تر می‌شود.

به همین دلیل پیامبر گرامی اسلام (ص) نقطه‌ی اتحاد و اتفاق مسلمین را بعد از خود، پیروی از امامت اعلام فرمودند و انحراف از اعتقاد صحیح به امامت را بدترین نوع انحراف برشمردند. چرا که باعث گروه‌گروه شدن مسلمین و بازگشت به جهالت و نادانی و قرار

۱ - تفسیر برهان، جلد ۴، صفحه‌ی ۴۲۰، ذیل آیات ۱ تا ۳ سوره‌ی نبأ

۲ - تفسیر برهان، جلد ۳، صفحه‌ی ۲۳۴، ذیل آیه‌ی ۶۸ سوره‌ی قصص «و ربّک یخلق ما یشاء و

یختار ما کان لهم الخیره سبحان الله و تعالی عما یشرکون»

گرفتن در تاریکی معاصی و گمراهی می شود. (۱)

پس آن چه مردم هر دوره باید بسیار به آن توجه کنند، این است که از مسیر اعتقاد صحیح و پیروی دقیق از نماینده‌ی الهی زمان خود ذرّه‌ای منحرف نشوند و تلاش کنند در همه جهات دنیوی و اخروی، خود را با امام آن زمان انطباق دهند. تا به انحرافات و سختی‌های امت‌های گذشته دچار نشوند و بتوانند در این مدت عمر بهترین نوع عملی را که خداوند از آن‌ها توقع دارد، انجام دهند.*

هشدار و حسرت

پیامبر (ص) چند روز قبل از وفاتشان به حضرت علی (ع) دستور دادند که در میان مردم اعلام کند:

لعنت خداوند بر کسی که مزد اجیر را ندهد.

لعنت خداوند بر کسی که ولایت غیر موالیانش را بپذیرد.

لعنت خداوند بر کسی که پدر و مادرش را دشنام دهد.

پس از اعلام این مطالب در میان مردم، عمر با جماعتی نزد پیامبر آمد و از معنا و تفسیر آن پرسیدند. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: خداوند در قرآن می‌فرماید به مردم بگو اجری جز محبت به ذوی القربای خود از شما نمی‌خواهم. پس **خداوند لعنت** کند کسی را که به مادر این باره ظلم کند. و «درباره‌ی مطلب دوم» خداوند می‌فرماید: پیامبر به مومنین از خودشان در فرمان دادن و تشخیص نیازهایشان سزاوارتر است. پس هر کس من مولای او هستم، علی مولای اوست و **لعنت خداوند** بر کسی که ولایت غیر علی را بپذیرد و «درباره‌ی مطلب سوم» خدا و شما را شاهد می‌گیرم که من و علی دو پدر مؤمنین «امت اسلام» هستیم پس هر کس هر یک از ما را دشنام دهد **خداوند او را لعنت کند.** (۲)

۱ - بحارالانوار، جلد ۵۱، صفحه‌ی ۱۶۰

* - آیه‌ی ۲ سوره‌ی ملک «الذی خلق الموت و الحیوة لیلوکم ایکم احسن عملا»

۲ - بحارالانوار، جلد ۲۲، صفحه‌ی ۴۸۹، حدیث ۳۵ به نقل از سیدبن طاووس از محمدبن جریر طبری

بازگشت به جاهلیت بعد از پیامبر اکرم (ص)

امیرالمؤمنین (ع) بعد از فوت پیامبر و آغاز این انحراف بزرگی که در امر امامت مسلمین پیش آمد، هرچه تلاش کردند که جلو این کج روی را بگیرند و مردم را به وظیفه‌ای که در قبال امام دارند آگاه کنند، موفق نشدند.

آن حضرت در خطابه‌ای به مردم به خاطر این که ایشان را از منصبی که خلافت بلافصل پیابر بود کنار گذاشتند و بعد از گذشت ۲۵ سال و مرگ خلیفه‌ی سوم به آن حضرت رو آوردند و با ایشان بیعت کردند، فرمودند: همان بدبختی‌ها و بلاهایی که مردم در زمان جاهلیت به علت نداشتن امام و رهبر الهی می‌دیدند و باعث شد خداوند پیامبر را مبعوث کند، اکنون که امر امامت را در جایگاه خود قرار ندادید، دوباره به شمار و کرده است. یعنی در این مدت ۲۵ سال میزان انحراف از صراط مستقیم به اندازه‌ی همان انحراف قبل از بعثت پیامبر شده است و شما در معرض توفانی عظیم و موقعیتی سخت قرار گرفته‌اید که احتمال غرق و نابودی‌تان زیاد است. (۱)

تهدید به رو آوردن سختی‌ها و دادن امید به فرج در سال ۷۰ و ۱۴۰ هـ. ق برای جلوگیری از تأثیر این جهالت و توجه به امام زمان

آن حضرت اثرات زیان‌بار این انحراف را که دامن‌گیر خود مردم خواهد شد، بارها به آن‌ها گوشزد فرمودند تا شاید متوجه شوند* و تا ایشان به عنوان اولین امام زنده هستند، آن چه از دست رفته بود جبران شود ولی نه تنها مردم از این غفلت دست برنداشتند، بلکه ایشان را هدف تهاجم و ضربه‌ی تیغ کینه‌ی نفاق و شیطنت خود قرار دادند. این اولین امامی بود که به جای تبعیت شدن این چنین بی‌مهری می‌دید. آن امام همام در روزهای

۱ - نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۶، صفحه‌ی ۶۶

* - برای نمونه، آن حضرت در این خطبه‌ها از ابتلا و سختی‌های آینده خبر داده‌اند. خطبه‌ی ۹۷ و

پایانی عمرشان که در بستر آرمیده بودند، روزی به یکی از اصحابشان ضمن دادن هشدار دوباره به رو کردن سختی‌ها به مردم، زمانی را برای پایان یافتن این بلاها ذکر فرمودند و آن سال ۷۰ هجری بود تا شاید با اطاعت کامل مردم از امام بعد از ایشان، زمینه برای رفع همه‌ی انحرافات در آن سال فراهم شود و آن چه باید بعد از فوت پیامبر در زندگی مردم ایجاد می‌شد، با تأخیر ۶۰ ساله محقق شود.^(۱) ولی افسوس و صد افسوس، گویی که مردم به دنبال سختی‌ها و بلاها می‌گشتند تا آن‌ها را بر خود پذیرند. یعنی با وجود این هشدار به جای این که در آن سال‌ها بیشتر متوجه امام زمان خود شوند و او را در توفان حوادثی که خود ایجاد کرده بودند، تنها نگذارند و منتظر فرج و گشایش در کار خود باشند، به ظالمین اهل بیت علیهم‌السلام کمک کردند و باعث به شهادت رسیدن حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام نیز شدند. از این رو در زمان امام باقر علیه‌السلام ابو حمزه‌ی ثمالی به خدمت آن حضرت آمد و عرض کرد: حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام گفته بودند که در سال ۷۰ برایتان گشایش خواهد بود. چرا این کار نشد؟ امام باقر علیه‌السلام فرمودند: «اگر مردم متوجه امام زمان خود می‌شدند» قرار بود در آن سال کار به مسیر اصلی «یعنی امامت امام» برگردد ولی با تنها ماندن حضرت سیدالشهدا و شهادتشان در کربلا، این امر تا سال ۱۴۰ به تأخیر افتاد و تا آن سال مردم در حفظ اسرار و تعهدی که به امام زمان خود داشتند آن قدر بی‌توجهی کردند که این موعد هم به تأخیر افتاد و نزد ما وقت مشخص دیگری برای این امر مهم نیست.^(۲)

غیبت تدریجی به علت رسوخِ مثلثِ شومِ شیاطین در دنیا بعد از سال ۱۴۰

این انحراف از صراط مستقیم که از زمان امیرالمؤمنین علیه‌السلام شروع شده بود، تا سال ۱۴۰ هجری امکان بازگشتش وجود داشت. ولی به علت ادامه‌ی بی‌توجهی مردم، این

۱ - بحارالانوار، جلد ۴۲، صفحه‌ی ۲۲۳، حدیث ۳۲

۲ - بحارالانوار، جلد ۴، صفحه‌ی ۱۱۴، حدیث ۳۹

اصلاح صورت نگرفت و چون از آن به بعد طریقه‌ی از بین رفتن این انحراف باید به صورت دیگری انجام گیرد، وقت مشخصی برایش اعلام نشد. آری باید گفت تا آن سال و از آن به بعد دامنه‌ی کجروی‌ها آن چنان وسیع شد و ریشه‌های فساد فکری و عقیدتی و اجتماعی به دست سردمداران خلفای اموی و عباسی و همدستان شیطان سیرت آن‌ها در مغز اجتماع اسلام محکم گردید که حدی نداشت. خلفای عباسی با تعلیماتی که از شیاطین جنی و انسی گرفته بودند، کتاب‌های فلسفی یونان را ترجمه و در مقابل مطالب اعتقادی ارائه شده از طرف معصومین علیهم‌السلام قرار دادند.

آن‌ها با پرورش مذاهب انحرافی و ساختگی در مقابل دستورات و احکامی که از طرف ائمه ابراز شده بود و بزرگ جلوه دادن اقطاب (جمع قطب: شیخ و مهتر قوم، کسی که مدار کارها در مدار او باشد) و مسلک‌های سر تا پا نفسانیت صوفیه (فرقه‌ای از مسلمانان که طریقه و مسلک آنان دوری از خواهش‌های نفس و دوری از غیر خداست) به عنوان مظاهر سیر و سلوک معنوی و اخلاقی، ابعاد سه‌گانه‌ی علم حقیقی یعنی اعتقادات و احکام و اخلاقیات را آن طور که خواستند و صد در صد مخالف صراط مستقیم بود، به مردم ارائه دادند و این عطش فطری مردم را خواستند با این اباطیل ارضا کنند. در حالی که معصومین علیهم‌السلام از طرف خدای تعالی برای رشد بشریت و رساندنشان از طریق همین سه علم به کمال لایق انسانیت مأمور شده بودند.

لذا از این زمان به بعد با تحت‌الشعاع قرار گرفتن ائمه و گرم شدن بازار این شیاطین جنی و انسی، آن‌ها زندگی شبیه به غیبت را شروع کردند و این وضع بعد از وفات امام حسن عسکری (ع) به اوج خود رسید و غیبت واقعی عملاً شروع شد. آری با به وجود آمدن این موقعیت، ایجاد فرج و گشایش و طریقه‌ی از بین رفتن این انحراف عظیم که دامن‌گیر عالم شده است، فقط از یک راه میسر است و آن همان صورتی است که در کلام پیامبر و همه‌ی معصومین علیهم‌السلام پیش‌بینی شده بود و آن ظهور آخرین حجّت خدا و ایجاد قسط و عدل جهانی است. همه‌ی معصومین به صورت‌های گوناگونی که بیان خواهد شد، این ویژگی عظیم را از آن‌ها دانسته‌اند. امیدواریم با اعتقاد صحیح درباره‌ی حضرت ولی عصر

ارواحنا فداه و فهمیدن درجه‌ی عمیق انحرافی که از آن زمان تاکنون در این مسیر ایجاد شده است، خود را با این میزان تطبیق دهیم و با ایجاد آمادگی در خود و سایرین زمینه‌ی ظهور موفورالسرورش را آماده کنیم.

ان شاء الله

عناوین چهارده‌گانه‌ی معصومین علیهم‌السلام در قرآن

آن چه خدای تعالی در ابتدا اراده فرمود آن را خلق کند، همان است که به دلیل ابعاد گسترده و عظمت فوق‌العاده‌اش در قرآن، به نام‌های گوناگون از آن تعبیر کرده است. عناوین و القابی که خدای تعالی در قرآن برای معصومین علیهم‌السلام بیان فرموده، بسیار بیشتر از ۱۴ موردی است که ما بنا به تبرک تعداد آن‌ها انتخاب و در این جا آورده‌ایم. در این کتاب این ۱۴ عنوان را مختصراً توضیح داده‌ایم. در حالی که برای هر یک از عناوین بدون اغراق می‌شود حداقل یک کتاب نوشت:

۱- نور ۲- عقل ۳- امانت ۴- علم و اهل‌الذکر ۵- کتاب مبین ۶- قلم ۷- کلمة‌الله ۸- آب حیات ۹- خورشید ۱۰- اسماء‌الحسنی ۱۱- لوح محفوظ ۱۲- وسیله‌ی آزمایش ۱۳- شجره‌ی طیبه ۱۴- اولوالامر

۱- نور گاه به دلیل این که باعث بیداری و حرکت از ظلمتِ جهل به سوی نورِ علم و هدایت می‌شود، آن را **نور** نامید. (۱)

۲- عقل گاه به دلیل این که با فرمانبرداری از دستورات او و فرار گرفتن تحت ولایتش، انسان کاملاً در بند و عقالی خدای تعالی می‌شود، او را **عقل** نام‌گذاری فرمود. (۲)

۱- نگاه کنید به کلمه‌ی نور در هر جای قرآن با تفسیر معصومین علیهم‌السلام در کتب تفسیری از جمله آیه‌ی ۵ سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۱۵۷ سوره‌ی اعراف و آیه‌ی نور و آیه‌ی ۶۹ سوره‌ی زمر و آیه‌ی ۸ سوره‌ی صف و آیه‌ی ۱۷۴ سوره‌ی نساء
 ۲- برای نمونه نگاه کنید به کتاب عقل و جهل از اصول کافی خصوصاً در تفسیر آیه‌ی ۲۰ سوره‌ی زمر و آیه‌ی ۱۶۰ سوره‌ی بقره در اصول کافی، جلد ۱، صفحه‌ی ۱۴، حدیث ۱۲

- ۳ - امانت گاه آن را **امانت** نامید چون هر چه را که می خواست به همه ی عوالم و موجودات عنایت بفرماید، در وجود او به امانت نهاد. (۱)
- ۴ - علم و اهل الذکر گاه به جهانیان دستور رفتن نزد آن ها و پرسیدن آنچه نمی دانند داده و آن ها را کسانی معرفی می کند که ذره ای جهل به ماسوی الله در وجودشان نیست. (۲) یعنی وجودشان مساوی با علم و دانش است (۳) و به این دلیل باید قدر و منزلتشان را بدانیم. چرا که برای همه ی جهانیان برکات و خیرات و علم و دانایی به ارمغان آورده اند. یعنی چون آن ها منبع همه ی دانش ها و خیرات هستند و آن را به جهانیان عرضه کرده و تعلیم داده اند، آن چه از خیرات و علوم نزد همه ی دانشمندان است، در واقع از ناحیه ی آنهاست و هر کس به آن عمل کند، در واقع به علم و دانش و دستور آن ها عمل کرده است. (۴)
- ۵ - کتاب مبین گاه به خاطر این که همه ی حقایق و رموزی که برای ماسوی الله لازم بوده در وجود آن ها گذاشته شده است، آن ها را **کتاب مبین** (۵) نامیده است. چرا که در وجود مبارکشان بیان همه چیز هست و برای اهل ایمان و تقوا وسیله ی هدایت و کمالند (۶) نام برده است.
- ۶ - قلم گاه از این نظر که حقایق عالم در وجود آنهاست و بالاخره باید آن ها سرنوشت جهانیان را رقم زنند و عاقبت کار با راهنمایی و مدیریت آن ها تعیین می شود، آن ها را **قلم** نامیده است. (۷)

۱ - آیه ی ۷۲ سوره ی مبارکه ی احزاب با تفسیر روایی

۲ - آیه ی ۴۳ سوره ی مبارکه ی نحل با تفسیر روایی

۳ - قسمتی از زیارت آل یاسین که خطاب به حضرت ولی عصر ارواحنا فداه است، این است: ...والعلم المصوب - مفاتیح الجنان

۴ - روایات بسیاری در این زمینه هست. از جمله بحارالانوار، جلد ۲، صفحه ی ۱۷۹، باب ۲۴

۵ - آیه ی ۵۹ سوره ی مبارکه ی انعام با تفسیر روایی

۶ - آیه ی ۲ سوره ی مبارکه ی بقره با تفسیر روایی

۷ - آیه ی ۱ سوره ی قلم با تفسیر روایی

۷ - کلمه الله گاه به این دلیل که در خلقت موجودات اولین مخلوق پروردگار بوده و نزدیکترین موجود از نظر صفات به اویند و همانگونه که کلام بهترین وسیله برای فهماندن مقصود به طرف مقابل است و از اشاره و نوشتن و... کاملتر و سریعتر است و معصومین هم کاملترین وسیله برای فهماندن و نشان دادن صفات خداوند بر مخلوقاتش هستند، آنها را **کلمه** نامید تا همگان را برای فهم حقایق بسوی آنها تشویق کند. (۱)

۸ - آب حیات گاه به این دلیل که بفهماند تشنگی معنوی جهانیان به حقایق فقط با وجود این بزرگان سیراب می شود و رشد همه ی مخلوقات تنها به برکت این هاست، ایشان را **آب حیات** نامید که زندگی همه چیز وابسته به آن است. (۲)

۹ - خورشید گاه به دلیل روشنی بخش به قلبی که با صفات رذیله تاریک شده و تنها با کمک این نور می شود از ظلمت نفسانیت و شیطنت نجات یافت و تزکیه شد، آنها را **خورشید** نامیده است. (۳)

۱۰ - اسماء حسنی گاه لله الاسماء الحسنی به دلیل این که راه نجات و رستگاری را در این دنیا به ما بیاموزد، آنها را بهترین نامهای خودش نامیده است چرا که باید رموز موفقیت را از آنان آموخت و در بارگاه الهی موفق شد. (۴)

۱۱ - لوح محفوظ گاه چون آنها تالی و همپای قرآن اند و همه ی حقایق در لوح وجودشان ثبت و ضبط است، آنها را لوح محفوظ نامید تا در فهم رموز قرآن به تحیر و

۱ - نگاه کنید به لفظ «کلمه» در قرآن با تفسیر معصومین. از جمله آیه ی ۱۲۴ سوره ی بقره با تفسیر روایی برهان، جلد ۱ صفحه ی ۱۴۷ و آیه ی ۷ سوره ی انفال با تفسیر العیاشی جلد ۲ صفحه ی ۵۰ - کر روایات معصومین علیهم السلام نیز زیاد است. از جمله در دعای بعد از زیارت آل یاسین خطاب به حضرت کلمتک الثامة گفته شده است.

۲ - آیه ی ۳۰ سوره ی انبیاء و جعلنا من الماء کل شیء حی و آیه ی ۳۰ سوره ی ملک با تفسیر معصومین علیهم السلام

۳ - آیه ی ۱ سوره ی والشمس با تفسیر معصومین علیهم السلام.

۴ - آیه ی شریفه ی ۱۸۰ سوره ی مبارکه ی اعراف با تفسیر روایی.

سرگردانی نیفتیم و جز به درگاه آن‌ها سر تعظیم فرود نیاوریم. (۱)

۱۲ - خدای تعالی معصومین علیهم السلام را **وسیله‌ی آزمایش** و رشد برای جهانیان قرار داد. (۲) یعنی آن‌ها را میزانی برای تشخیص خوبی و بدی همه‌ی مخلوقات تعیین کرد. هر کس بخواهد به مقام قرب الهی برسد، فقط از طریق معصومین می‌تواند به آن نائل شود و اگر بخواهیم در این دنیا به این موقعیت برسیم جز اطاعت و پیروی از دستورات آن‌ها راهی نداریم و این در واقع عمل به همان عهد و پیمانی است که در عالم ذر، (۳) قبل از ورود به این دنیا با خدا بسته‌ایم. نشانه‌ی واضح این عهد این است که در این دنیا هم در جرگه‌ی معتقدین به ولایت معصومین علیهم السلام قرار گرفته‌ایم. یعنی معترف به این هستیم که تحت ولایت و معتقد به امامتشان هستیم. خدای تعالی در قرآن بارها عمل به این عهد و نشکستن پیمان را به ما تذکر داده و از ما خواسته چون از طریق آن‌ها آزمایش می‌شویم، اعمالمان را با آن‌ها منطبق کنیم و به ما هشدار داده تا از کسانی نباشیم که در این امتحان بلغزیم و از راهی که خدا فرموده منحرف شویم و خود را به سختی عذاب دچار کنیم. (۴) عمل به این عهد و پیمان باعث نجات و پیمان‌شکنی آن موجب سقوط خودمان است. (۵) روزی که خدای تعالی اراده فرمود مخلوقی بیافریند در ابتدا روح آن‌ها را آفرید و بعد از خلقت ارواح بقیه‌ی مخلوقات، ایشان از طرف او مأموریت یافتند تا مانند معلمین آن عالم، حقایق و رموزی را که برای رشد هر یک از آن‌ها لازم است به خلاق عرضه کنند و به این

۱ - آیه‌ی ۲۱ و ۲۲ سوره‌ی مبارکه‌ی بروج با تفسیر روایی.

۲ - آیه‌ی ۹۲ سوره‌ی نحل با تفسیر روایی

۳ - در «کتاب هدایت» و «تقلید در تشیع» عالم ذر معرفی شده است.

۴ - درباره‌ی مواد تعهداتی که با خدا بسته‌ایم و وظیفه‌ای که برای عمل به آن‌ها داریم آیات متعدد و روایات زیادی وجود دارد. برای نمونه ذیل آیات ۹۱ تا ۹۴ سوره‌ی مبارکه‌ی نحل در تفسیر برهان جلد ۲ صفحه‌ی ۳۸۲ و ۳۸۳ چند روایت با مضمون مطالب بالا وجود دارد - طالبین به مطالعه بیشتر درباره‌ی مواد تعهدات عالم ذر به کتاب در محضر استاد جلد ۲ صفحه‌ی ۵۸ به بعد مراجعه کنند.

۵ - والباب المبتلی به الناس من اتیکم نجی و من لم یاتکم هلک... زیارت جامعه‌ی کبیره - مفاتیح الجنان

ترتیب ایشان واسطه‌ی فیض و رشد و کمال همه‌ی مخلوقات شدند. در آن جا ارواحی که از روی اختیار تعلیمات این بزرگان را خوب فرا گرفته بودند، به اندازه‌ی مقداری که از آن درس‌ها تعلیم دیده بودند، به همان اندازه ارزش یافتند و بعد از پیمانی که در عالم ذر با خدا بستند و به این دنیا وارد شدند، نسبت به ارزششان به مقام ملائکه‌ی مقرب^(۱) و انبیا ارتقا یافتند.^(۲) خدای تعالی عده‌ای از آن‌ها را که ظرفیت ایمانی‌شان زیاد بود و توانستند به طور کامل همه‌ی مواد علمی ارائه شده در عالم قبل را در عالم ذر متعهد شوند، در مقام انبیا اولوالعزم قرار داد^(۳) در حالی که بعضی از آن‌ها مثل حضرت آدم که در اعتقاد کامل به حضرت مهدی صلوات الله علیه نقصی داشت به این مقام نرسید^(۴) و در مقابل، حضرت ابراهیم علیه السلام که در این باره، خیلی مستحکم بود، علاوه بر اولوالعزمی به دلیل بندگی فوق‌العاده‌اش در این باره، به مقام امامت زمان خود^(۵) که بعد از نبوت و رسالت و خلقت بود، برگزیده شد.^(۶)

این همان معنای باب المبتلی به الناس است که هرکس بخواهد ارزشمند شود، تنها از طریق معصومین علیهم السلام امکان پذیر است. خدای تعالی آن‌ها را واسطه‌ای قرار داد تا استعداد مخلوقاتش را با تعالیم ایشان شکوفا کنند و هر یک را به مقامی که او از خلقتشان در نظر گرفته، برسانند.^(۷) از این رو خدای تعالی از زمان خلقت بدنی حضرت آدم به بعد، برای

۱ - عالم ذر مربوط به ملائکه نیست و آن‌ها قبل از خلقت بدنی حضرت آدم به این مقام رسیده بودند.

۲ - بحارالانوار، جلد ۲۶، صفحه‌ی ۲۸۱، حدیث ۲۷

۳ - در جلد ۲۶ بحارالانوار از صفحه‌ی ۲۶۷ تا صفحه‌ی ۳۱۹ مرحوم مجلسی ۸۸ روایت از فضائلی را که معصومین علیهم السلام بر انبیا دارند، تحت عنوان باب تفضیلهم علی الانبیا جمع آوری کرده است از جمله روایت ۲۲ صفحه‌ی ۲۷۹ که معنی بالا از این روایت ذکر شده است.

۴ - بحارالانوار، جلد ۲۶، صفحه‌ی ۲۷۹، حدیث ۲۲

۵ - بحارالانوار، جلد ۲۶، صفحه‌ی ۲۷۹، حدیث ۲۲

۶ - تفسیر برهان، جلد ۱، صفحه‌ی ۱۴۹، حدیث ۳

۷ - بحارالانوار، جلد ۲۷، صفحه‌ی ۴۶، حدیث ۷

رشد انسان‌ها شاگردان مبرز و شایسته‌ی ایشان یعنی پیامبران بزرگ را که در عالم ارواح خوب به حرفشان گوش فرا داده بودند، برای تعلیم مردم هر زمان فرستاد که زمینه‌ی ورود معصومین (علیهم‌السلام) را آماده کنند تا وقتی نوبت ورود ایشان رسید، این بزرگان بتوانند کاری که هیچ یک از این شاگردان قرار نبود انجام دهند و آن برقراری حکومت واحد جهانی است، به انجام برسانند.

۱۳ - خداوند در آیه‌ی ۲۴ سوره‌ی ابراهیم (ع) می‌فرماید: «آیا ندیدی خداوند چگونه کلمه‌ی طیّبه (و گفتار پاکیزه) را به درخت پاکیزه‌ای (شجره‌ی طیّبه) تشبیه کرده که ریشه‌ی آن (در زمین) ثابت و شاخه‌ی آن در آسمان است؟!»

یادآوری: ۱ - اصل و ریشه آن ثابت و مستحکم است به طوری که توفان‌ها و تندبادها نمی‌تواند آن را از جا بر کند و توانایی آن را دارد که شاخه‌های سر به آسمان کشیده‌اش را در فضا در پرتو نور آفتاب و در برابر هوای آزاد معلق نگاه دارد و حفظ کند چرا که شاخه هر چه سر کشیده‌تر باشد، باید به ریشه‌ی قوی‌تری متکی باشد (اصلها ثابت)

۲ - شاخه‌های این شجره‌ی طیّبه در یک محیط پست و محدود نیست، بلکه بلند آسمان جایگاه اوست. این شاخه سینه‌ی هوا را شکافته و در آن قرار گرفته است. آری «شاخه‌هایش در آسمان است» (و فرعها فی السماء)

روایات در این باره بسیار زیاد است از جمله: در کتاب کافی از امام صادق (ع) در تفسیر جمله‌ی (شجره طیّبه) می‌فرمایند: «پیامبر (ص) ریشه‌ی این درخت است و امیرمؤمنان علی علیه‌السلام شاخه‌ی آن و امامان که از ذریّه‌ی آن‌ها هستند، شاخه‌های کوچکتر، و علم امامان میوه‌ی این درخت است و پیروان با ایمان آن‌ها برگ‌های این درخت‌اند.» سپس امام فرمود آیا چیز دیگری باقی می‌ماند؟ راوی می‌گوید گفتم نه به خدا سوگند! فرمود: «به خدا قسم هنگامی که یک فرد با ایمان متولد می‌شود برگی در آن درخت ظاهر می‌گردد و هنگامی که مؤمن

راستین می‌میرد برگی از آن درخت می‌ریزد»^(۱)

در روایت دیگری همین مضمون نقل شده و در ذیل آن می‌خوانیم که راوی پرسید: جمله‌ی «تَرْقِيْ اُكُلَهَا كُلَّ حِيْنَ بِاِذْنِ رَبِّهَا» مفهومی چیست؟ امام فرمود: «اشاره به علم و دانش امامان است که در هر سال از هر منطقه به شما می‌رسد»^(۲) و در روایات دیگری می‌خوانیم که شجره‌ی طیبه پیامبر(ص) و علی و فاطمه و فرزندان آنها صلوات الله عليهم اجمعین هستند.^(۳)

در بعضی روایات نقل شده که شجره‌ی طیبه درخت نخل و شجره‌ی خبیثه بوته‌ی حنظل است^{(۴) (۵)}

۱۴ - گاه به این دلیل اولوالامر نامیده شده‌اند که: جهانیان آنها را بشناسند، از روی معرفت و محبت مطیع فرمانشان باشند و ایمان بیاورند که آنها قدرت اجرایی کامل دارند و به این دلیل به همه عالمیان می‌توانند امر و نهی کنند، آنها را در ردیف خدا و پیامبر صاحبان امر الهی نامیده است.^(۶)

خلاصه خداوند لقب‌ها و عناوین با عظمتی را برای این موجودات برجسته که همانا جز خاندان عصمت و طهارت عليهم السلام نیستند و قبل از خلقت همه‌ی موجودات آفریده شده بودند^(۷) برگزید تا با این خصوصیات مشخص و نشانی‌های واضح معرفت ما را به آنها بیشتر کند و ما را از غفلت از وجود مقدس آنها برهاند.

۱ - نورالثقلین، ج ۲، صفحه‌ی ۵۳۵ و تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۳۴۰.

۲ - همان مدرک، ص ۵۳۵-۵۳۸. ۳ - همان مدرک ۵۳۸.

۴ - تفسیر درالمنثور طبق نقل المیزان در ذیل آیه‌ی مورد بحث.

۵ - حنظل میوه‌ای است به شکل هندوانه، کوچک‌تر از نارنج، بسیار تلخ، رنگش زرد و تخم‌هایش سیاه. گیاه آن نیز شبیه بوته‌ی هندوانه در جاهای خشک می‌روید. (فرهنگ عمید)

۶ - آیه‌ی شریفه‌ی ۵۹ سوره‌ی نساء با تفسیر روایی

۷ - کمال‌الدین و تمام النعمه - شیخ صدوق جلد ۲، صفحه‌ی ۳۳۵، حدیث ۷

وزر و وبال روز قیامت به علت اطاعت نکردن از امام زمان (ع) است

خدای تعالی در آیات متعددی در قرآن وضعیت مردم و اقوام مختلفی را که در مقابل تبلیغ پیامبران از آن‌ها تبعیت نکردند، برایمان بازگو می‌کند تا به اهمیت توجه به نماینده‌ی الهی پی ببریم و به ما بفهماند اگر انسان از توجه حقیقی به خداوند که از طریق نمایندگانش به او گوشزد می‌شود سرباز زند، دچار سردرگمی، بدبختی و گناهانی می‌شود که به سنگینی اعمال بدش در روز قیامت منجر خواهد شد^(۱). از این رو باید گفت اصلاً وزر و وبال روز قیامت و بدبختی انسان‌ها به علت یک چیز است و آن مخالفت با اوامر و نواهی نماینده‌ی الهی هر زمان. به خصوص از زمان پیامبر گرامی اسلام که به خواست الهی قرار بود برنامه‌ی اصلی زندگی بشریت پی‌ریزی و آماده شود، اگر مردم بر ولایت و محبت امیرالمؤمنین و دیگر ائمه علیهم السلام اجتماع می‌کردند و راهی غیر از ولایت نمی‌رفتند، یعنی آن‌ها را که امام هر زمان بودند در همه‌ی جهات زندگی بر خود امام قرار می‌دادند و از دستوراتشان پیروی می‌کردند، می‌توانستند راه درست زندگی را از این منبع علوم الهی و سرچشمه‌ی زلال دریافت دارند و در نتیجه کمتر دچار خطا و اشتباه شوند و به گناه نیفتند و روز قیامت هم سبک بال و راحت وارد محشر و بهشت شوند.^(۲) پس آن چه مردم هر زمان باید بسیار توجه کنند این است که از مسیر نماینده‌ی الهی زمان خود ذره‌ای منحرف نشوند و تلاش کنند در همه‌ی جهات دنیوی و اخروی خود را با امام هر زمان منطبق کنند. چون روز قیامت از انسان بر اساس ولایتی که از هر کس و هر چیز در دنیا داشته پرسش می‌شود. اگر ولایت امام زمانش را داشته، اهل نجات است و اگر در دنیا تابع نفسانیت و شهوات خود بوده و آن‌ها امامش بوده‌اند، با همان‌ها محشور خواهد شد و نجات نخواهد یافت.^(۳)

۱- آیات ۹۹ و ۱۰۰ سوره‌ی مبارکه‌ی طه

۲- بحارالانوار، جلد ۳۹، صفحه‌ی ۲۴۸، حدیث ۱۰

۳- تفسیر قمی، صفحه‌ی ۳۸۵ در تفسیر آیه‌ی ۷۱ سوره‌ی اسراء

روایاتی که از ابتلا و آزمایش مردم با غیبت طولانی و ظهور

حتمی و ناگهانی امام زمان (عج) خبر می‌دهند

نظر معصومین علیهم السلام درباره‌ی وجود مقدّس حضرت مهدی (صلوات الله علیه) این است که ایشان باعث نجات مؤمنین ثابت قدم و هلاکت سست عنصران و منافقان است و غیبت و ظهور ایشان در واقع وسیله‌ی رشد و تقویت برای مؤمنین و تضعیف و کنار زدن منافقین و کفار است و به تعبیری دیگر ایشان وسیله‌ی یک امتحان بزرگ الهی درباره‌ی بندگان خدا هستند.

پیامبر گرامی اسلام (ص) درباره‌ی این که در غیبت ایشان عده‌ای به خاطر نبودن ظاهری ایشان در میان مردم گمراه می‌شوند، می‌فرمایند (بوسیله‌ی ایشان غیبت و سرگردانی رخ خواهد داد که عده‌ای «سست عنصر» گمراه شده و بعد از آن همانند ظاهر شدن شهاب‌های آسمانی که یک باره و ناگهانی در آسمان ظاهر می‌شوند، ظهور خواهد نمود).^(۱)

امام صادق (ع) نیز در روایتی مطالبی به این معنا می‌فرمایند: ظهور نخواهد شد مگر وقتی غربال شوید، ظهور نخواهد شد تا کاملاً بررسی شوید، ظهور نخواهد شد مگر وقتی خوب و بدتان از یکدیگر جدا شوید، ظهور نخواهد شد مگر پس از ناامیدی «سست عنصران»، ظهور نخواهد شد مگر وقتی که اهل ولایت با ثابت ماندنشان به سعادت «ولایت نورانی و حقیقی» و آن کس که اهل نفاق است به شقاوت «و بدبختی تیرگی و گمراهی» برسد.^(۲)

این دسته از روایات نشان‌دهنده‌ی دو مطلب مهم است:

- ۱ - غیبت امام عصر (عج) بعد از بی‌توجهی‌هایی که مردم با تحریک شیاطین به ساخت مقدس ائمه داشتند بجا و با وجود اختیار انسان راهی است در مقابل مکر و ترفند شیطان.
- ۲ - همان‌طور که در ابتدای کتاب گفته شد، معصومین علیهم السلام از ابتدا وسیله‌ی

۱ - کمال الدین صفحه ۲۸۶

۲ - اصول کافی، جلد ۲، صفحه‌ی ۱۹۶، حدیث ۶

آزمایش و ابتلای مخلوقات برای رسیدن به رشد بوده‌اند. یعنی آن‌ها **باب المبتلی به الناس** هستند و خدای تعالی غیبت امام عصر (عج) را وسیله‌ی رشد کسانی قرار داده است که در ایمانشان صادق‌اند و نیز با این غیبت، ظاهر بینان و سست عنصران را دور می‌کند.

میزان رشد و شکوفایی علوم بعد از ظهور امام مهدی (عج)

حقیقت این است که همه‌ی علوم‌ی که معصومین علیهم‌السلام توانستند در زمان زندگی ۲۵۰ ساله‌ی خود با توجه به پذیرش مردم و فرصتی که داشتند، بیان کنند، در مقایسه با آن چه بعد از ظهور بیان خواهد شد، نسبت دو حرف از ۲۷ حرف است. یعنی اگر همه‌ی علوم‌ی که خداوند برای رشد بشر در نظر گرفته و انسان‌ها می‌توانند آن را فراگیرند در مثل ۲۷ حرف باشد، قبل از ظهور بشریت فقط به دو حرف آن دست می‌یابد و بقیه‌ی آن علوم در زمان ظهور حضرت ولی عصر ارواحنا فداه و با راهنمایی‌های حکیمانه‌ی ایشان شکافته خواهد شد. (۱)

تیرهای آشکار آسمان

او برای ادامه‌ی زندگی نکبت بارش همیشه با همکاران و نوچه‌هایش سعی در نفوذ به اطراف آسمان دارد تا هر چه زودتر از خبر لحظه‌ی ظهور که فرشتگان می‌دانند یا بین آن‌ها گفت و گو می‌شود، و آن‌ها برای نحوه‌ی تنظیم موقعیت فکری مردم برنامه‌ریزی می‌کنند، باخبر شود و با خبردار شدن زودتر از موقعیتی که در پیش است، قبل از اعلام به مردم، برای نوع جدیدی از فعالیت‌هایش که امیدوار است در همان موقعیت اثر کند، فرصت بیشتری داشته باشد. شهاب سنگ‌های آسمانی که در شب برای ما قابل رؤیت است، تیرهایی

است که فرشتگان می‌اندازند تا مانع نفوذ او و اعوانش به اطراف آسمان‌ها شوند و خداوند در قرآن به همین موضوع صریحاً اشاره فرموده است. از آن جمله می‌فرماید: به درستی که ما آسمان دنیا را با ستارگان زینت دادیم و [کراتی را که بنا به مصالحی از مدار قبلی‌شان خارج و منهدم شده‌اند]، به صورت تیرهایی برای دور کردن شیاطین [از ورودشان به آسمان] قرار دادیم^(۱) در جای دیگر می‌فرماید به درستی ما آسمان دنیا را با ستارگانی زینت دادیم و محدوده‌ی آسمان را از ورود هر شیطان تجاوز کننده حفظ کردیم و با این که آن‌ها از هر طرف می‌خواهند در آن نفوذ کنند، برای این که نتوانند اخبار را بشنوند، از هر طرف رانده می‌شوند و هر یک از آن‌ها که برای استراق سمع به آسمان نفوذ کند، شهاب سنگی او را از آن جا دور کند.^(۲)

او این همه فعالیت مداومش را برای منحرف کردن ذهن مردم از تمرکز به وجود مقدس امام زمان (عج) و در نهایت تأخیر ظهور انجام می‌دهد. او تاکنون بارها با همین نوع فعالیت‌ها این کار را کرده است.

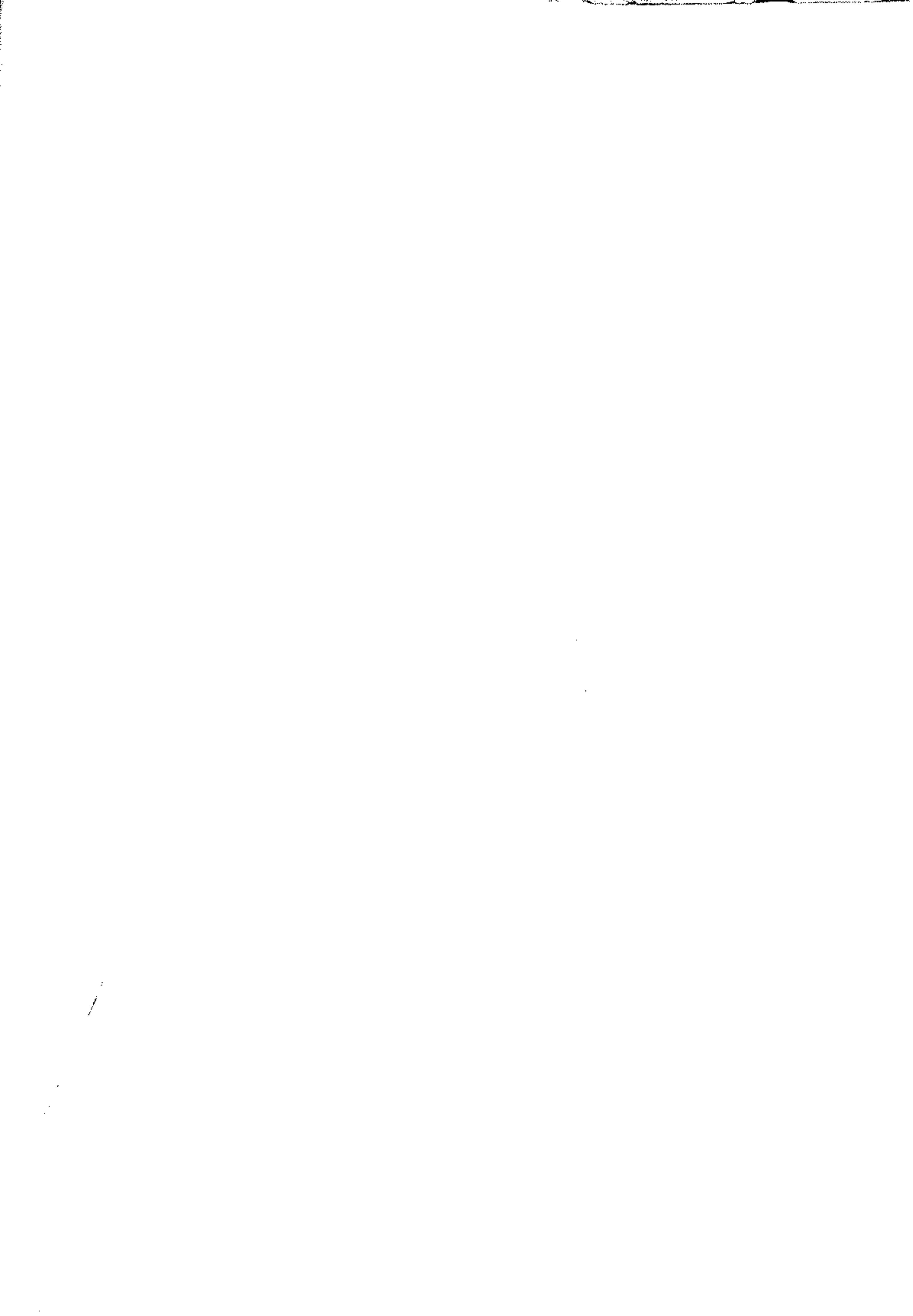
در توضیح بیشتر باید بگوییم چون خواست خداوند بر غیبت امام نبود، وقتی مردم هوای نفس خود را «با تحریکات شیاطین» بر همه چیز ترجیح دادند و امام را از امامت ظاهری بر دنیا کنار زدند، با این که خدای تعالی می‌خواست به صورت‌هایی مردم را از این غفلت برهاند و روش‌های بیداری و معرفت به امام زمان (عج) را نیز تنظیم کرد تا اولیایش اجرا کنند، شیاطین با به کارگیری انواع و اقسام حيله و ترفند، یا وسوسه علیه نحوه‌ی توجه دادن مردم به امام زمان عده‌ای را علیه آن‌ها و روش‌های تنظیم شده تحریک کرد تا همه‌ی برنامه‌ها نتواند

۱ - آیه‌ی ۵ سوره‌ی ملک: و لقد زینّا السماء الدنيا بمصابیح و جعلناها رجوماً للشیاطین.

۲ - آیه‌ی ۶ و ۷ سوره‌ی صافات: انا زینّا السماء الدنيا بزینة الکواکب و حفظاً من کل شیطانٍ مارد لایسمعون الی الملاء الاعلی و یُقذّفون من کل جانبٍ دحوراً و لهم عذاب و اصب إلا من خطف الخطفة فاتبعه شهابٌ ثاقب.

موفقیتی سریع حاصل کنند. خلاصه این فعالیت شیاطین با وجود بی‌همتایی و بی‌توجهی مردم باعث شد هر چه انبیا و اوصیا و ملائکه و اولیا کوشش کنند، نتوانند به هدف نهایی برسند. چرا که تأثیر این کوشش مشروط به انتخاب و اختیار و اراده‌ی انسان‌هاست و آن‌ها هم با تحریک شیاطین هدفشان را در زندگی، انتخاب امام زمانشان آن‌طور که خواست خداست قرار نداده‌اند. (۱)

۱ - مطالب بالا از روایات متعدد خصوصاً روایاتی که ذیل آیات ۸ و ۹ سوره‌ی جنّ در تفسیر برهان، جلد ۴، صفحه‌ی ۳۹۱ است برداشت شده است.



فصل سوم

انتظار فرج

در آیه ی ۳۲ سوره ی توبه آمده است: آن‌ها می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند ولی خدا جز این نمی‌خواهد که نور خود را کامل کند، هرچند کافران کراحت داشته باشند. (۱)

مفهوم این آیه، پیروزی همه جانبه ی اسلام بر همه ی ادیان جهان است و معنی این سخن آن است که سرانجام اسلام همه ی جهان را فرا خواهد گرفت و بر همه ی جهان پیروز خواهد شد.

امام باقر(ع) در تفسیر این آیه فرمودند: «وعدۀ ای که در این آیه است، به هنگام ظهور مهدی(عج) از آل محمد(ص) صورت می‌پذیرد. در آن روز، هیچ‌کس در روی زمین نخواهد بود مگر این که به حقانیت محمد(ص) اقرار می‌کند». پیامبر(ص) در این باره

(۱) در آیات دیگر قرآن برای نمونه: نور ۵۵- ۳۵ مائده ۵۳- ۱۷ قصص ۵- توبه ۳۳- حج ۴۱- ۴۰- نساء ۱۵۷- انبیاء ۱۰۵ بقره ۲- ۳- ۱۴۳- ۲۵۰- ابراهیم ۵- زمر ۷۰- اسراء ۸۱- ص ۸۸- معارج ۲۶- آل عمران ۷۷- نمل ۶۳- شوری ۲۱- ۲۹- هود ۱۱- شعراء ۳- والعصر ۱- ۲- ۳- فصلت ۵۳.

فرمودند: بر روی زمین هیچ خانه‌ای باقی نمی‌ماند - نه خانه‌ای که از سنگ و گل ساخته شده و نه خیمه‌هایی که از مو و کرک بافته شده‌اند، - مگر این که خداوند نام اسلام را در آن وارد می‌کند. امام صادق (ع) فرمودند: «به خدا سوگند هنوز محتوای این آیه تحقق نیافته و تنها زمانی تحقق می‌پذیرد که قائم (عج) خروج کند و به هنگامی که او خروج کند، در تمام جهان کسی که خدا را انکار کند باقی نخواهد ماند. کسی از امام صادق (ع) پرسید: چه می‌گویید درباره‌ی کسی که دارای ولایت پیشوایان است و انتظار ظهور حکومت حق را می‌کشد و در این حال از دنیا می‌رود؟» فرمودند: همانند کسی است که:

- ۱ - با رهبر این انقلاب در خیمه‌ی او (و ستاد ارتش او) بوده باشد.
- ۲ - مانند کسی است که با پیامبر اسلام در مبارزاتش همراه بوده است.
- ۳ - مانند کسی است که در راه خدا شمشیر می‌زند.
- ۴ - مانند کسی است که در خدمت رسول خدا با شمشیر بر مغز دشمن بکوبد.
- ۵ - مانند کسی است که در زیر پرچم قائم بوده باشد.
- ۶ - مانند کسی است که پیش روی پیامبر جهاد کند.
- ۷ - مانند کسی است که با پیامبر شهید شود.

خلاصه‌ی این تشبیهات، روشن‌گر این واقعیات است که نوعی رابطه و نشان میان مسأله‌ی انتظار از یک طرف و جهاد و مبارزه با دشمن در آخرین شکل خود از سوی دیگر وجود دارد.

پیامبر فرمودند: أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. بالاترین اعمال امت من انتظار فرج از ناحیه‌ی خداوند است.

یا در حدیث دیگر فرمودند: أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ بِالْأَتْرَنِ عِبَادَتَهَا إِنْتِظَارُ فَرَجٍ أَسْت. این دو حدیث اعم از اینکه انتظار فرج را به معنی وسیع کلمه بدانیم یا به مفهوم خاص یعنی انتظار ظهور مصلح بزرگ جهانی باشد، اهمیت انتظار را در بحث ما روشن می‌کند. انتظار یعنی چه؟ معمولاً به حالت کسی می‌گویند که از وضع موجود ناراحت باشد و برای ایجاد وضع بهتری تلاش کند، مثلاً بیماری که انتظار بهبودی می‌کشد، از بیماری ناراحت

است و به پزشک مراجعه دارو مصرف می کند تا بهبود یابد.

و انتظار حکومت حق و عدالت مهدی (عج) مرکب از دو عنصر «نفی» و عنصر «اثبات» است که نفی، همان بیگانگی با وضع موجود و اثبات، خواستن وضع بهتری است که اگر این دو جنبه در روح انسان، ریشه دار به وجود آید، سرچشمه‌ی دو رشته عمل است که عبارتند از:

الف - ترک هرگونه همکاری و هماهنگی با عوامل ظلم و فساد و حتی درگیری و مبارزه با آنها.

ب - خودسازی و خودیاری و جلب آمادگی‌های روحی، جسمی، مادی و معنوی برای شکل گرفتن آن حکومت واحد جهانی و مردمی.

«پس انتظار یعنی آماده باش کامل»

من اگر ظالمم، چگونه ممکن است در انتظار کسی باشم که طعمه‌ی شمشیرش خون ستمگران است؟

من اگر آلوده و ناپاکم، چگونه می توانم منتظر انقلابی باشم که شعله‌ی اولش دامن آلودگان را می گیرد؟ بنابراین، انتظار فرج فلسفه‌هایی دارد که عبارتند از:

فلسفه‌ی انتظار فرج

فلسفه‌ی اول، خودسازی فردی است: با به کار بستن عمیق‌ترین برنامه‌های اخلاقی، فکری و اجتماعی همراه است. آیا هیچ کس می تواند بگوید چنین انتظاری سازنده نیست؟
فلسفه‌ی دوم، خودیاری‌های اجتماعی: منتظران راستین علاوه بر اصلاح خود به اصلاح دیگران نیز می پردازند، زیرا انتظار یک برنامه‌ی فردی نیست.

فلسفه‌ی سوم، منتظران راستین در فساد محیط حل نمی شوند: یعنی هرچند که اکثریت جامعه فساد و تباهی را دنبال کنند، آنها هرگز از پاکسازی خود و دیگران دست بر نمی دارند و ناامید نمی شوند زیرا یأس یکی از گناهان شمرده شده است.

و خلاصه خداوند در آیه‌ی ۵۵ سوره‌ی نور می فرماید: «خداوند به آنها که ایمان دارند

و عمل صالح انجام می‌دهند و عده داده است که حکومت روی زمین را در اختیارشان بگذارد.

و در روایاتی که از معصومین علیهم السلام رسیده، منظور از این آیه هُوَ الْقَائِمُ وَ أَصْحَابُهُ مهدی (عج) و یاران او هستند. در این آیه مهدی و یارانش مصداق آنها که ایمان و عمل صالحی دارند، معرفی شده‌اند.

پس باید آگاهی و ایمان خود را افزایش دهیم و هم در اصلاح اعمال خویش بکوشیم تا جزء متقین باشیم و حضرت مهدی (عج) ما را به عنوان رهروی صدیق قبول فرماید و بدانیم که **إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقِيكُمْ** همانا گرامی‌ترین شما در نزد خداوند، باتقواترین شماست و مسلماً و بدون هیچ شک و تردید در نظر حضرت حجة‌ابن‌الحسن العسکری (عج) نیز چنین خواهد بود. به امید آن که اگر در آن روز بودیم، جزء یاران صدیق ایشان باشیم. امید است که خداوند لطف فرماید و برنامه‌ی رجعت را شامل ماگرداند. ان شاء الله.

خداوند در آیه‌ی ۵۵ سوره‌ی نور می‌فرماید: خداوند به آنها که ایمان دارند و عمل صالح انجام می‌دهند، و عده داده است که حکومت روی زمین را در اختیارشان قرار دهد. در این آیه مهدی (عج) و یارانش به عنوان کسانی که ایمان و عمل صالح دارند معرفی شده‌اند بنابراین تحقق این انقلاب جهانی بدون ایمان مستحکم و بدون اعمال صالح که راه را برای اصلاح جهان بگشاید، امکان‌پذیر نیست. آنها که در انتظار چنین برنامه‌ای هستند، باید آگاهی و ایمان خود را بیشتر کنند و در اصلاح اعمال خویش بکوشند. تنها این افرادند که می‌توانند نوید همگامی در حکومت او به خود بدهند.

این است اثر سازنده‌ی قیام مهدی (عج)

در آیات ۴۲ نازعات و ۳۴ لقمان و ۲۰ محمد (ص) و ۱۶ شوری خداوند از قول کفار می‌فرماید که از تاریخ قیامت سؤال می‌کنند. مثلاً در آیه‌ی ۱۸ شوری می‌فرماید: تو چه دانی؟ شاید ساعت نزدیک است. آنان که ایمان ندارند، بر آن عجله‌کنند و آنان که ایمان آوردند، از آن هراسانند در حالی که می‌دانند آن حق است. آگاه باشید آنان که در قیامت

شک دارند هر آینه در گمراهی عمیقی هستند.

مفضل می‌گوید عرض کردم: در چه شک دارند؟ امام صادق (ع) فرمودند: قائم کسی متولد شده و چه کسی او را دیده و حالا کجاست و چه زمانی ظهور می‌کند؟ این‌ها همه عجله در امر خدا و شک در قضای الهی و دخالت در قدرت اوست. این‌ها کسانی‌اند که در دنیا زیان می‌برند و در آخرت از کافراند.

نتیجه‌ی انتظار فرج مهدی (عج)

انتظار فرج، امید و آرزویی برای ظهور یکتا ناجی بشریت حضرت حجة بن الحسن العسکری امام زمان (عج) است و این خود برای اهل ایمان اعتقاد کاملی است. زیرا از هر جهت یأس و ناامیدی و بیهوده‌گرایی را از آنان دور می‌کند. چون آن وجود مقدس در حقیقت رحمت است و انتظار فرج برای رسیدن به آن رحمت، امری است که بسیار تأکید شده است. زیرا این انتظار بیانگر آن است که آن بزرگوار بیاید و حکومت حقّه‌ی الهیه را در سراسر جهان تشکیل دهد.

کسی که انتظار ظهور مصلح جهانی را می‌کشد، باید خود را آماده کند تا برای حضور به خدمت آن بزرگوار شایستگی داشته باشد. یعنی در رفتار و کردار خود مواظبت می‌کند که هیچ‌گاه خطایی از او سر نزند. هر چه می‌تواند در تزکیه‌ی نفس خود می‌کوشد و اخلاق خود را نیکو می‌گرداند و کارهای شایسته می‌کند.

چون هم صحبتی با مهدی (عج) و شرفیابی به حضور آن حضرت قابلیت

می‌خواهد که تا آراستگی پیدا نشود، این امر میسر نخواهد شد.

در هر حال باید این توجه را حاصل کرد که انتظار ظهور دولت حق و آرزوی زندگی کردن در دولت کریمه‌ی الهیه، گذشته از فضایل بی‌شماری که دارد، خود عبادتی مستقل و از افضل عبادات است.

بنابراین انتظار فرج همان انتظار حکومت حقّه‌ی الهیه است که تمام افراد جهان از شر ظلم و جور آسوده شوند، در سایه‌ی عدل و انصاف با آرامش خاطر زندگی کنند و به ذکر و عبادت خدا مشغول شوند.

برای این که به اهمیت انتظار پی بریم، قریب صد خبر در فضیلت انتظار فرج و ظهور امام زمان در منابع خبری ذکر شده است. از جمله:

در تفسیر جامع آورده است، عیاشی از محمد بن فضیل روایت کرده است که گفت: از حضرت رضا علیه السلام انتظار فرج را پرسیدم. فرمود: یکی از گشایش‌هاست. چه نیکو است صبر کردن و انتظار فرج کشیدن. مگر نشنیده‌ای که خداوند می‌فرماید: **وَ اِذْ تَقْبُؤْا اِنِّیْ مَعَكُمْ رَقِیْبٌ** چشم به راه باشید که من با شما چشم در راهم (۱) (۲).

و همچنین در ذیل آیه‌ی **فَاَنْتَظِرُوْا اِنِّیْ مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِیْنَ** انتظار داشته باشید که منم با شما نیز انتظار برنده‌ام (۳) عیاشی از قول امام رضا (ع) می‌گوید: چقدر خوب است صبر و بردباری کردن و انتظار فرج کشیدن.

و این دو آیه در مقایسه از قول امامان معصوم (ع) درباره‌ی ظهور امام زمان علیه السلام است. صاحب کتاب «مناقب» می‌گوید: منظور از انتظار فرج، انتظار ظهور مهدی علیه السلام است. شیخ صدوق در اکمال الدین فرماید: از امام جواد پرسیدند، چرا امام زمان را منتظر می‌گویند؟ فرمودند چون شیعیان با اخلاص انتظار او را می‌کشند و دشمنان او را انکار می‌کنند.

امام سجاد به ابو خالد کابلی فرمود: شیعیانی که در زمان غیبت امام دوازدهم انتظار او را می‌کشند، بهترینند از اهل هر زمانی، زیرا معرفت ایشان درباره‌ی امام در حال غیبت، مانند حال ایشان حضور است و ایشان در درجه‌ی مجاهدین زمان پیامبر و داعیان به راه حق‌اند.

فَاَنْتَظِرُوْا اِنِّیْ مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِیْنَ

شما در انتظار بمانید، من هم با شما انتظار می‌کشم.

میزان مطالبی که انبیا و معصومین درباره‌ی امامی که ما اکنون در زمان غیبتشان به سر

(۲) تفسیر جامع، ج ۳، ص ۲۹۳.

(۱) سوره‌ی هود، آیه‌ی ۹۳.

(۳) اعراف ۷۱.

می‌بریم، فرموده‌اند، دربارهٔ هیچ یک از خودشان فرموده‌اند. چون کاری که قرار است آن حضرت انجام دهند، کامل کننده‌ی زحمات همه‌ی آنهاست و اگر انجام نشود، بعثت آنها و زحماتی که متحمل شده‌اند، به هدر می‌رود. در واقع بعثت انبیا و معصومین علیهم‌السلام اصلاً برای اجرای حکم الهی در میان مردم و برای به سعادت رسیدن انسان بوده و هر یک از آن بزرگواران سعی می‌کرده‌اند مردم را با تعلیمات نورانی الهی آشنا و آنها را عامل به آن کنند تا این اوامر و نواهی گسترش یابد و جهان شمول شود و مردم با اختیار خود از تحت فرمان شیطان‌های جنّی و انسی به در آیند و راه سعادت را که بندگی خدا از طریق هدایت‌های امام است، در پیش گیرند. امیدواریم آن چه ذکر شد، عامل مؤثر در توجّه بیشتر ما به ساحت مقدّس امام زمان (عج) شود.

تا ظهور کمتر از یک قدم

اگر مردم بعد از امام حسن عسکری (ع) متوجّه امام زمان (عج) می‌شدند و آمادگی کامل داشتند، غیبت پیش نمی‌آمد و اگر بعد از غیبتی که پیش آمد آن طور که دستور ائمه‌ی قبل بود هر لحظه چشم به راه و آماده و مشتاق ظهور حضرتش می‌بودند، هیچ یک از آن سختی‌ها و فتنه‌هایی که بعضی از آنها بارها روی داد، صورت نمی‌پذیرفت و فرج آن حضرت می‌رسید. پس باید گفت با توجّه به انتظار خداوند برای ظهور، در صورت آماده بودن واقعی مردم، تنها مانع قدیمی فرج یعنی مانعی که از آغاز امامت حضرت حجة بن الحسن (عج) تا کنون پابرجا مانده، آماده نبودن مردم و درخواست نکردن قلبی و واقعی عموم شیعیان و بی‌توجهی به غیبت امام زمانشان بوده است. و اگر همین غبار غفلت از روی محبّت قلبی شیعیان امام عصر (عج) برداشته شود و یکپارچه و یکدل ظهور حضرتش را از خداوند بخواهند، همان‌گونه که خدا و معصومین علیهم‌السلام فرموده‌اند، بدون شک این فاصله‌ی کمتر از یک قدم از بین می‌رود.

اگر مردم واقعاً و حقیقتاً منتظر امام باشند و اعمال و رفتار و گفتار خویش را فقط برای خدا خالص کنند، با وجود این مردم خالص و پاک، زمینهٔ ظهور فراهم‌تر می‌شود. در ضمن

اگر برخی می‌اندیشند که امام با سیصد و سیزده نفر ظهور می‌کند و بس. سخت در اشتباه‌اند. چون همان‌گونه که در صفحات قبل اشاره شد، با گروه‌های ده هزار نفری قیام شروع می‌شود و بعد به جمعیت ملیونی افزایش می‌یابد و این ۳۱۳ نفر هسته‌ی مرکزی را تشکیل خواهند داد (دقت کنید). پس باید اعمال، رفتار و گفتارمان خدا پسندانه و امام زمان پسند باشد تا امام زمان (عج) ما را حداقل در سپاه خود جای دهد. ان شاء الله.

توجه به ائمه قبله توجیه بی‌اعتنایی به امام زمان (عج)

روزی یکی از افرادی که تحت تأثیر تبلیغات دشمنان اهل بیت قرار گرفته بود، وقتی یکی از روحانیونی را که مقید بود در هر مجلس از فضایل و الطاف و ظهور حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا فداه سخن بگوید دیده بود، به او اعتراض کرد و گفت ما ائمه‌ی دیگر هم داریم. این قدر از امام زمان (ع) حرف نزن. او در جواب گفته بود ما فقط یک امام زمان داریم که ائمه‌ی قبله با این که زمان زندگی او نرسیده بود بسیار درباره‌اش سخن گفته‌اند و از آن موقع سفارش او را به شیعیان زمانش کرده‌اند تا از او غفلت نکنند. ائمه‌ی اطهار آن قدر که درباره‌ی امام زمان به ما سفارش کرده‌اند، درباره‌ی هر یک از خودشان آن قدر فرموده‌اند. مختصری از آنچه را معصومین درباره‌ی امام زمان فرموده‌اند، مرحوم شیخ صدوق در کتاب کمال الدین و اتمام النعمه برگزیده که ما شمه‌ای از آن را در این کتاب آوردیم. ما چطور می‌توانیم ادعا کنیم امام حسینی هستیم در حالی که خود آن حضرت می‌فرماید اگر من زمانش را درک می‌کردم، ایام عمرم را خدمت‌گزار او می‌شدم.^(۱) اگر مردم در دوره‌های گذشته به امام زمان خودشان معرفت می‌داشتند و به وظیفه‌ی خودشان در مقابل آن‌ها عمل می‌کردند، وضع به این جاکشیده نمی‌شد. اکنون هم شیاطین می‌خواهند با منحرف کردن مردم از توجه به تأخیر ظهور، آن حکم قطعی و غیرقابل تبدیل و تغییر الهی را هر چه بیشتر به عقب بیندازند و تاکنون هم موفق بوده‌اند.

۱ - از امام صادق نیز همین مطلب نقل شده است که لو ادرکته لخدمته ایام حیواتی، بحار الانوار، جلد

عده‌ای از مردم در مناسبت‌های عزاداری در دل یا ظاهر اظهار می‌کنند که ای کاش ما آن موقع بودیم و شما را یاری می‌کردیم اما متأسفانه اکنون که حضور دارند و امامی با همان عظمت در میان ما هستند و انتظار این را دارند که ما در خود آمادگی کامل پیدا کنیم تا ظهور کنیم، حتی از صحبت درباره‌شان و دعا مضایقه می‌کنند و صحبت و اظهار محبت به ائمه‌ی قبل‌ی را - که در جای خود لازم است - بهانه قرار می‌دهند تا از امام این زمان که همه در ظهورشان تأخیر شده و باید هر لحظه منتظر و به یادشان بود، کمتر سخنی و یادی به میان آید.

خانه‌ای را در نظر بگیرید که مثلاً بچه‌ی کوچک آن خانواده چند روز منتظر این است که پدر برایش چیزی بخرد که از نظر پدرش لزوم چندانی ندارد. این انتظار خیلی مهم نیست ولی در همان خانه اگر ببینید پدر و مادر و بزرگترها همه اعلام کرده‌اند که منتظر وقوع کاری یا چیزی هستند و این انتظارشان را بارها اعلام کرده‌اند، شما اگر در همسایگی این خانواده باشید این انتظار یقیناً برایتان قابل توجه می‌شود. خدای تعالی با همه‌ی عظمتش علاوه بر نزول آیات متعددی که به صورت وعده‌ی ظهور امام زمان (عج) است در چند جای قرآن خود را در ردیف منتظرین ظهورشان معرفی می‌فرماید تا ما را به اهمیت ایشان و کاری که قرار است انجام دهند متوجه کند و خود حضرت هم بیش از هزار سال پیش در نامه‌ای به شیخ مفید آمادگی خویش را برای آمدن این چنین بیان فرموده‌اند که اگر شیعیان در یاری ایشان همدل می‌شدند و انتظارشان را می‌کشیدند و کارهایی که خوشایند حضرتش نیست انجام نمی‌دادند، حتی لحظه‌ای سعادت دیدارمان از ایشان به تأخیر نمی‌افتاد. آیا وقت آن نیست که انتظار خداوند، انبیا، معصومین و سخنان خود حضرت ما را از غفلت برهاند؟ چگونه توقع داریم وقتی ما از معصومین چیزی می‌خواهیم و حاجتی داریم، آن‌ها سریع به ما جواب دهند ولی در مقابل این یقین که خدا، انبیا، معصومین و خود حضرت می‌خواهند که جزو منتظرین و مبلغین آن حضرت باشیم، پاسخی نمی‌دهیم؟!

فصل چهارم

کینه‌ی دیرینه‌ی شیطان از امام زمان (عج)

شیطان از قدیمی‌ترین دشمنان نمایندگان الهی بوده و هست. دشمنی او با معصومین علیهم‌السلام بسیار بیشتر است. چرا که قبل از خلقت حضرت آدم مکرها و ترفندها آماده کرده بود تا بتواند در موقعیتی مناسب، زمینه را برای ابراز خباثتش به دست آورد، اما با خلقت حضرت آدم و فرمان خداوند مبنی بر این که به او سجده کند (چون بنا بود معصومین از نسل او به دنیا بیایند) همه این ترفندها از بین رفت. کینه و دشمنی او به آنها و به ویژه به امام زمان (عج) وقتی زیادتر شد که خداوند در مقابل خواست او بعد از سرپیچی‌اش که مهلت ابدی برای زندگی تا آخر عمر دنیا را می‌خواست، به او تا روزی مهلت داد که به دست همین معصوم (عج) بخواهد حکم قطعی حکومت دین بر جهان را عملی کند و شیطان می‌دانست که در دوران زندگی همین معصومین عمرش به پایان خواهد رسید. لذا از ابتدای بعثت پیامبر اکرم (ص) و بخصوص از آغاز امامت معصومین علیهم‌السلام چون ممکن بود آن لحظه‌ی پایان زندگی او فرارسد، فعالیتش چندین برابر شد. این دشمنی اکنون که تنها یک نفر از معصومین باقی مانده، فوق‌العاده است چون دایره‌ی مرگ بر زندگی نکبت‌بارش تنگ‌تر شده و می‌داند دیر یا زود طبق آن حکم الهی به زندگی

پر از خبائثش پایان داده و راهی جهنم خواهد شد. از این رو هر چه در توان دارد برای جلوگیری از توجّه مردم به امام زمان و به عقب انداختن آن روز (روز ظهور) به کار گرفته است.

او می‌داند آن روزی که در علم همه‌ی انبیا و معصومین علیهم‌السلام درباره‌ی ایجاد حکومت جهانی بوده و آن را وعده داده‌اند، در پیش است. به خصوص که به دست تنها معصوم باقی مانده این کار حتماً به انجام خواهد رسید. او می‌داند اکنون مثل زمان زندگی بقیّه ائمه نیست که با ترفندی بتواند زمان اجرای این حکم را به تأخیر بیندازد. او می‌داند اوّل کسی که باید در روز ظهور از میان برداشته شود، خود اوست. شیطان دوران سلطنتش را بر افراد ضعیف‌الایمان و سست‌عنصر که از او بتی ساخته و برگرد وجود نحسش می‌چرخند رو به پایان می‌بیند، لذا دشمنی‌اش علیه امام و نماینده‌ی الهی این زمان از همه‌ی دوران‌های گذشته بیشتر و فعالیتش گسترده‌تر است. هر چه به پیش رود، دایره‌ی زندگی بر او تنگ‌تر می‌شود و چون هر لحظه ممکن است ظهور صورت گیرد، همیشه در حال فعالیت برای به تأخیر انداختن حتی یک روز دیگر است.

نمونه‌ی فعالیت‌های منحرف‌کننده‌ی شیطان

از توجّه مردم به امام زمان (عج)

دانستیم که تقدیر الهی بر حاکمیت انبیا و اوصیا بر مردم است تا آن‌ها با پیروی از بهترین روش زندگی به سعادت و رشد و کمال برسند. ولی شیطان همیشه توانسته از بُعد اختیار انسان استفاده کند و او را به جهتی بکشاند که به نفع بشر نیست و معلوم است که پیروی انسان از او و این سرکشی‌اش در برابر نمایندگان الهی در نهایت به ضرر خودش هم تمام شده است. (۱) و (۲)

۱ - آیه‌ی ۲۳ سوره‌ی مبارکه‌ی یونس

۲ - تفسیر نمونه، ج ۲۵، ذیل آیه‌ی ۳ سوره‌ی دهر (یا انسان)

علاوه بر آن خداوند در آیه‌ی سوم سوره‌ی انسان می‌فرماید: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» یعنی: ما راه را به او نشان دادیم خواه شاکر باشد (و بپذیرد) یا کفران کند که در مجموع این آیه به سه مسأله‌ی مهم و سرنوشت‌ساز در زندگی انسان اشاره می‌کند:

الف - مسأله‌ی تکلیف ۲ - مسأله‌ی هدایت ۳ - مسأله‌ی آزادی اراده و اختیار

و در آیه‌ی هفت سوره‌ی ابراهیم می‌فرماید: «اگر شکرگزاری کنید [نعمت خود را] بر شما خواهیم افزود و اگر کفران کنید مجازاتم شدید است.»

جالب توجه این که درباره‌ی شکر می‌گوید «لَا زِيْدَنَّكُمْ» مسلماً نعمتم را بر شما افزون می‌کنم) اما در باره‌ی کفران نعمت نمی‌گوید شما را عذاب می‌کنم بلکه می‌فرماید: «عذاب من سخت است.» و این تفاوت تعبیر دلیل بر نهایت لطف پروردگار است. (توجه کنید)

یعنی با این روش شیاطین و ضعف انسان‌ها، انبیا و اوصیای ایشان موفق به اجرای آن چه خدا برای بشر تقدیر کرده بود، نشدند.^(۱) به این صورت که هر چه آن‌ها مطالب و دستورات سعادت‌بخش را به بشر می‌گفتند، شیاطین جنّی و انسی در مقابل آن انواع ترفندها را برای خنثی کردن این تعلیمات به کار می‌گرفتند.^(۲) داستان هر یک از انبیا در قرآن حکایت از همین موضوع دارد و خداوند برای این که مردم را به ساحت مقدّس امام هر زمان متوجه کند تا زودتر حکم غیرقابل تغییر الهی یعنی سراسری شدن حکومت دین بر جهان محقق شود، نقصی را که مردم در مقابل نمایندگان الهی زمانشان داشتند، برای ما بازگو می‌کند تا درس عبرتی باشد و به این وسیله وظیفه‌ی خودمان را در مقابل آن‌ها بشناسیم.

در باره‌ی پیامبر گرامی اسلام (ص) چون ایشان آخرین فرستاده‌ی الهی بودند که باید همه‌ی فرامین و دستورات دین خدا را به صورت کامل برای بشریت می‌آوردند و زمینه را برای اجرای حکم الهی آماده می‌کردند، هرچه به زمان تولّد ایشان نزدیک می‌شد، خداوند

۱ - آیه‌ی ۳۰ سوره‌ی مبارکه‌ی یاسین

۲ - آیه‌ی ۱۱۲ سوره‌ی مبارکه‌ی انعام با توجه به تفسیر برهان، جلد ۱، صفحه‌ی ۵۴۹

دایرهٔ فعالیت شیطان را تنگ‌تر می‌کرد. به طوری که در روایات است که او قبل از میلاد حضرت عیسی (ع) قادر بود به اطراف آسمان‌های هفت‌گانه بالا برود و فعالیت‌های شیطانی خود را از جمله استراق سمع اخبار جدیدی که توسط ملائکه حمل می‌شد، انجام دهد ولی بعد از تولد ایشان محدوده‌ی فعالیتش تنگ‌تر شد به طوری که از آسمان چهارم به بالاتر قادر به نفوذ نبود و بعد از میلاد حضرت رسول گرامی اسلام (ص) ورود او را به آسمان‌های چهارگانه نیز مانع شدند. یعنی از آن به بعد فعالیت او به کره‌ی زمین محدود شد. (۱)

خدای تعالی زمینه‌ی اجرای حکم قطعی و غیرقابل تغییر خود را با تولد پیامبر خاتم آماده کرد و برای این که از شیطنت شیطان بکاهد، او و دیگر اعوانش را در محدوده‌ی کره‌ی زمین محصور کرد ولی در عین حال آن‌ها از همان وقت، برای استراق سمع و مطلع شدن از آغاز بعثت ایشان که در واقع شروعی برای تحقق امر بزرگ الهی بود به اطراف همین کره رفت و آمد می‌کردند که البته با آن‌ها مقابله نیز می‌شد. (۲) انبیای گذشته بارها آمدن آخرین پیامبر خداوند را بشارت داده و زمینه را برای ورود ایشان به این دنیا آماده کرده بودند. خدای تعالی هم مقارن تولد ایشان معجزاتی در عرصه‌ی گیتی نشان داد تا عظمت ایشان و کاری را که به دست این آخرین پیامبر قرار است انجام پذیرد، به جهانیان بفهماند. (۳) بعد از تولد پیامبر اکرم (ص) و تبلیغات بعد از بعثت ایشان و ناامیدی شیطان در جهت جلوگیری از این فعالیت‌ها چون قرار بود امر مهم ایجاد حکومت سراسری به دست امامان و هادیان الهی صورت پذیرد، این بار شیطان در صدد مقابله برآمد تا از اعلام ولایت امیرالمؤمنین (ع) که از طرف خداوند به این مقام منصوب شده بودند، جلوگیری کند. او برای این کار از قبل زمینه‌ی بعضی ترندها را آماده کرده بود. یعنی در طول عمر شریف پیامبر

۱ - مطالب بالا از تفسیر آیه‌ی ۱۸ سوره‌ی حجر «الا من استرق السمع فاتبعه شهابٌ مبین» در برهان، جلد

۲، صفحه‌ی ۳۲۵، حدیث ۱ و بحارالانوار، جلد ۱۵، صفحه‌ی ۲۵۷، حدیث ۹ «صفحه‌ی ۳۲۸ تا

۳۳۱ برداشت و خلاصه‌نویسی شده است.» ۲ - بحارالانوار، جلد ۶۳، حدیث ۲۰

۳ - بحارالانوار، جلد ۱۵، باب ۲ - البشائر لمولده و نبوته من الانبیاء و الاوصیاء صلوات الله علیهم از

افراد منافقی بودند که وجودشان پر از صفات رذیله بود و شیطان امیدوار بود با این افراد بتواند به هدفش برسد از این رو این افراد را مأمور اطراف پیامبر کرده بود و آنها از نظر ظاهری خود را آن چنان به ایشان نزدیک کرده بودند که برای عده‌ای ظاهربین این توهم پیش آمده بود که کسی به پیامبر از آنها نزدیک تر نیست و هر چند پیامبر به مناسبت‌های مختلف از حضرت علی(ع) تعریف و تمجید می‌کردند، آنها در مقابل، اعمالی مرتکب می‌شدند که از حقد و کینه‌ی وجودی‌شان سرچشمه می‌گرفت. بالاخره پیامبر اکرم(ص) در آخرین سفر حج خود با دستور پروردگار^(۱) ولایت امیرالمؤمنین(ع) را در حضور بیش از صد هزار نفر رسماً اعلام فرمود.^(۲) لحظات حساس اعلام ولایت امیرالمؤمنین(ع) به معنای شنیده شدن صدای پای مرگ برای شیاطین بود. به خصوص ابلیس آن قدر از این اعلام ناراحت بود که در تمام طول عمر طولانی‌اش به این اندازه مشوش نشده بود. لذا در روایات است که برای چاره‌جویی از چگونگی مبارزه با وضعی که پیش آمده و فرار از آستانه‌ی مرگ با فریاد بسیار بلندی همه اعوان و طرفدارانش را جمع کرد و از آنها چاره‌جویی خواست. در آن جلسه قرار بر این شد که به هر طریق ممکن اسلام را از مسیر ولایت امیرالمؤمنین(ع) منحرف کنند و به صورت‌های مختلف نگذارند آن چه پیامبر از نصب حضرت علی(ع) به ولایت در نظر داشت، عملی شود تا بلکه از اجرای حکم قطعی پروردگار یعنی آماده شدن دنیا برای حکومت الهی و سراسری و در نهایت مرگ شیاطین جلوگیری کنند. پیامبر گرامی اسلام(ص) در خطبه‌ی غدیر بعد از همه‌ی تأکیدات درباره‌ی امیرالمؤمنین(ع) که صراط مستقیم دین است، اطاعت و قبول ولایتشان را یادآوری فرمودند و همچنین خطر دشمنانی را که ممکن بود هدف اغوای شیاطین قرار بگیرند و مردم را از این

۱ - آیه‌ی ۶۷ سوره‌ی مبارکه‌ی مائده با تفسیر معصومین علیهم‌السلام: یا ایها الرسول بلغ ما أنزل الیک من ربک.

۲ - قال رسول الله (ص): من کنت مولاه فعلی مولاه - مسند احمد بن حنبل، جزء اول، صفحات ۸۴، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۵۲، ۳۳۰ - جزء چهارم، صفحات ۲۸۱، ۳۴۷، ۳۵۰، ۳۵۸، ۳۶۱، ۳۶۶، ۳۷۰ و

صراط و راه راست منحرف کنند، نیز صراحتاً گوشزد کردند. حضرت در گوشه‌ای از سخنانشان چنین فرمودند: (ای مردم، من همان صراط مستقیمی هستم که به شما فرمان داده شده از آن اطاعت کنید و پس از من [حضرت] علی (ع) است بدانید که دشمنان [حضرت] علی (ع) اهل تفرقه و بازگشت به جاهلیت و در واقع برادران و همکاران شیاطین هستند که با وساوس او با یکدیگر در ارتباط اند و کارشان فریب دادن افراد است.^(۱)) بعد از رحلت پیامبر گرامی اسلام (ص) شیطان از ضعف ایمان عده‌ای بیشترین سوء استفاده را کرد و به بهانه‌ی جلوگیری از انحراف در دین، مردم را به دور کسانی که از قبل زمینه‌اش را آماده کرده بود کشانید. هوای نفس دشمنان اهل بیت در روزهای آخر عمر شریف پیامبر با وسوسه‌ی شیاطین آن چنان تحریک شده بود که با وجود فرمان صریحی که به خروج از مدینه و لزوم همراهی با سپاه اسامه بن زید از طرف پیامبر صادر شده بود، تخلف کردند و برای اجرای نقشه‌ای که سال‌ها منتظر اجرائش بودند، در کنار بستر پیامبر به انتظار فوت ایشان ایستادند. بعد از رحلت پیامبر وقتی عده‌ای از این افراد دور هم جمع شدند و زمینه‌ی بیعت را برای خود فراهم آوردند، اولین کسی که به سرعت به خود جنبید و موقعیت را برای منحرف کردن مردم از ولایت امیرالمؤمنین (ع) آماده دید، شیطان (ابلیس) بود. لذا هنگامی که او در مسجد بر منبر بالا رفت، به شکل پیرمردی باوقار و شخصیت به پیش آمد و اولین فرد بیعت کننده با او بود^(۲) و بعد از آن برای انحرافی که در مسیر ولایت امیرالمؤمنین (ع) ایجاد کرد، توانست نفس راحتی بکشد.^(۳)

از این به بعد مهمترین مأموریت او این بود که مردم را به ادامه‌ی همین مقدار انحراف تحریک کند. چرا که می‌دانست هر چه جلوتر بروند، فاصله آن‌ها از صراط مستقیم دین

۱ - خطبه‌ی غدیر.

۲ - بحارالانوار، جلد ۲۸، صفحه‌ی ۲۶۱، حدیث ۴۵ به نقل از کتاب سلیم بن قیس و احتجاج طبرسی.

۳ - بحارالانوار، جلد ۲۸، صفحه‌ی ۲۵۶، حدیث ۴۰ به نقل از فروع کافی، جلد ۸، صفحه‌ی ۳۴۴.

شبهه این حدیث در جلد ۳۷، صفحه‌ی ۱۶۴، حدیث ۴۱ و جلد ۶۳، صفحه‌ی ۲۵۶، حدیث ۱۲۵ نیز هست.

بیشتر و امکان بازگشتشان کمتر می شود. از این رو، در طول زندگی ۲۵۰ ساله ائمه اطهار علیهم السلام سعی بسیار کرد که مردم را از این سرچشمه‌ی حقایق و علوم دور کند و به جای آن به هر طریق ممکن نزد افرادی بفرستد که با فکر خود و از روی نفاست و القآت شیاطین چیزی را حقیقت پنداشته‌اند تا از این طریق درجه‌ی جهالت و حماقت و در نتیجه دوری مردم از خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام بیشتر شود. به همین دلیل از همان صدر اسلام فرقه‌های متعددی پیدا شدند که هر یک درباره‌ی اعتقاداتی که در قرآن به صورت کلی بیان شده بود و قرار بود تفسیرش را اساتید و مفسرین الهی (ائمه‌ی معصومین علیهم السلام) بیان کنند تفصیلاتی ابراز می‌داشتند. که از افکار منحرفشان سرچشمه گرفته بود، این فرقه‌های مختلف و مذاهب متعدّد وجه مشترکشان این بود که هیچ یک مطالب و اعتقاداتشان را از خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام که باب علم پیامبرند^(۱)، دریافت نمی‌کردند. آن‌ها این مطالب انحرافی را با کمک شیاطین چنان در اذهان مردم جا انداختند که کم‌کم جایی برای این باور باقی نماند که برای پی بردن به همه‌ی حقایقی که قرآن سر بسته اعلام کرده باید نزد اهل بیت عصمت و طهارت علیه السلام رفت. شیاطین جَنّی و انسی با این کارشان عملاً فضیلت و ارزش فوق‌العاده‌ی معصومین علیهم السلام را منکر شدند.^(۲)

ظلمت جهانی

وقتی به ظاهر زندگی ائمه‌ی اطهار (ع) می‌نگریم، می‌بینیم هر چه از صدر اسلام فاصله می‌گیریم، مردم از اهل بیت که سفارش شده و وصی نبی مکرم اسلام بوده‌اند، فاصله‌ی بیشتری گرفته‌اند. به گونه‌ای که آن اسلامی که در زمان پیامبر اکرم (ص) در مدّت کوتاهی

۱ - سنن ترمزی - کتاب مناقب باب ۲۰.

۲ - حضرت ولی عصر ارواحنا فداه به آقا میرزا مهدی اصفهانی فهماندند: طلب المعارف من غیر طریقنا اهل البیت مساوی لانکارنا.

توانست در شبه جزیره‌ی عربستان فراگیر شود و زمینه‌ی فتح شرق و غرب را نیز فراهم آورد، بعد از رحلت ایشان، نه تنها آن گونه که معصومین می‌خواستند نشد، بلکه همین دینی که زمان پیامبر منادی وحدت بود، به تفرقه مبدل شد و مردم به بیش از هفتاد فرقه‌ی مذهبی تقسیم شدند.

شیطان با ترفندهایی که به کمک همه‌ی اعوان و انصار جنّی و انسی‌اش به کار بست، چنان اختیار انسان‌های جاهل را به دست گرفت که آن چه خدا برای انسان‌ها تقدیر کرده بود، محقق نشد. در حالی که انسان می‌توانست به آن چه از طرف شیطان به او القا می‌شود بی‌اعتنایی کند و بهترین نوع زندگی معنوی را که پروردگار برایش خواسته بود، یعنی پذیرفتن ولایت امیرالمؤمنین و دیگر معصومین علیهم‌السلام انتخاب کند. او می‌توانست راه ساده‌ی رسیدن به حقایق را با رفتن به در خانه اهل بیت به دست آورد و خود را به ظلمت غیبت و تاریکی جهل نیندازد.

انسان می‌توانست این نور الهی را که برای هدایت انسانیت در پیامبر اکرم قرار گرفته بود و سپس در امیرالمؤمنین و نسل او تا آخرینشان یعنی مهدی (عج)، قدر بداند و خود اقدام به خاموش کردن آن نکند.

شیطان به منحرف کردن مردم از صراط مستقیم اکتفا نکرد، بلکه با تحریک نفسانیت جاه‌طلبان و افرادی که به جای معصومین نشانده بود و تقویت وسوسه‌ی امکان‌قیام و از بین رفتن قدرت، وجود مقدّس یک یک آن‌ها را مسموم کرد و به شهادت رساند. چرا که وجود آن‌ها هر چند در جایی که خداوند خواسته قرار نگیرند، برای او خطرناک بود. لذا شیطان قصد داشت درخت طیبه‌ی رسالت را از ریشه درآورد و نابود کند.

غیبت امام زمان چاره‌ی مکر شیطان

شیطان و انصار و اعوان انسی‌اش هر چه مکر و حيله برای این هدف به فکر ناقصشان رسید انجام دادند ولی غافل از آن بودند که آن نور الهی هر چند در مقطعی از نظر ظاهری خاموش شود، ولی بالاخره دنیا را روشن خواهد کرد و آن‌ها نمی‌توانند خورشید ولایت را

با ترفندهای سستی که در مثل همانند خاموش کردن نور خورشید با باد دهان است، از بین ببرند. (۱) آری بعد از به شهادت رسیدن حضرت امام حسن عسکری (ع) خدای تعالی آخرین حجّتش را از دسترس مردم دور نگه داشت و با این کار خطری که شیطان و اعوانش را تهدید می‌کرد، با زمان زندگی ظاهری ائمه فرقی نکرد و حتی به یک معنا بیشتر شد. چرا که ائمه‌ی قبلی در میان مردم زندگی می‌کردند و او می‌توانست با تحریکاتی مردم را از درب خانه آن‌ها به طرف اقطاب صوفیه و مسلک‌های ساختگی و غیراسلامی بکشانند و در نهایت وجود مقدّس آن‌ها را به کمک دست‌های انسی‌اش از بین ببرد ولی در زمان غیبت، مردم نمی‌توانند با اراده‌ی خود به خدمت امام بروند و امکان به قتل رساندن امام نیست و کار به جایی رسیده که هر لحظه ممکن است حکم قطعی و غیرقابل تغییر پروردگار یعنی ظهور اجرا شود. بخصوص اگر مردم توقع و انتظار آمدنش را در خود ایجاد کنند یعنی بفهمند که نباید هدف اغوا و تحریکات شیاطین جنّی و انسی قرار گیرند.

نیازهای روحی و جسمی، دو زمینه‌ی مناسب در انسان برای تخریب‌گری شیاطین

در این جا چون می‌خواهیم راه مقابله با مهم‌ترین عامل منحرف‌کننده از توجّه به امام زمان (عج) یعنی شیطان را بگوییم، لازم است مختصری درباره‌ی زمینه و چگونگی فعالیت‌های او توضیح دهیم.

زمینه‌ی فعالیت‌های شیاطین برای تأثیر و سوسه‌هایشان در انسان، در محدوده‌ی خواست‌های بدنی و روحی است. انسان تا وقتی در این دنیا زندگی می‌کند، نیرویی از ناحیه‌ی روح در وجودش برای یافتن حقایق فعالیت می‌کند که آن را فکر می‌گویند. فکر با فعالیتش نیازهای فطری روح (اعتقادات، آداب و رسوم و...) و جسم (خوردن و خوابیدن و نیاز جنسی) را تشخیص می‌دهد و آن چه را تشخیص داد با اراده‌اش عملی می‌کند. یعنی هر چه را فکر تشخیص دهد و برای عقیده یا عمل انتخاب کند، انسان آن را با اراده و خواست

به کار می‌گیرد. حال اگر در مقابل فکر عقاید و آداب و رسوم غیر صحیح ارائه شود یا انسان از درست‌ترین آن‌ها مطلع نشود و فکر در جست و جوی نیازهایش امور غلط و خلاف واقع را انتخاب کند، عملش بر اساس آن چه تشخیص داده شکل می‌گیرد و در زندگی راه را آن طور که خداوند برایش خواسته و معصومین علیهم السلام اعلام فرموده‌اند نمی‌رود. همه‌ی افرادی که در مذاهب و ادیان مختلف هستند و اعتقاداتی جز عقاید ارائه شده از طرف ائمه‌ی اطهار علیهم السلام دارند، جزو این گروه‌اند. در مقابل، افرادی که از ابتدای کودکی در مقابل فکر جست‌وجوگرشان اعتقادات و آداب و رسوم حقه ارائه شده و آن‌ها را فراگرفته‌اند، می‌توانند با همین اعتقادات صحیح راه نجات و رستگاری را در این دنیا بیمایند. یعنی همین علم به راه و روش سعادت اگر شرط بعدی‌اش هم آماده شود، به عمل صالحی که خداوند از انسان خواسته منتهی می‌شود.

تهذیب نفس، چاره‌ی اصلی برای عمل به علم اعتقادات

در توضیح بیشتر باید بگوییم همانطور که بدن و جسم ما در زندگی دنیایی هرگاه ضعیف شود، هدف تأثیر و تهاجم میکروب‌ها قرار می‌گیرد، دچار بیماری می‌شود و لازم است برای ادامه‌ی حیات و رشد طبیعی مداوا و حتی در مقابل امراض مختلف واکسینه شود، روح هم در رویارویی با امور، زیورآلات و لهو و لعب دنیا اگر در پناهگاه‌های تعیین شده‌ی الهی قرار نگرفته باشد و در نتیجه هدف تیر زهر آگین شیاطین واقع شود، دچار امراضی خواهد شد که خداوند در قرآن^(۱) و معصومین در روایات^(۲) به آن اشاره فرموده‌اند. و لازم است انسان برای جلوگیری از ریشه‌دار شدن این امراض و از بین بردن آن‌ها قدمی بردارد تا روحش آن قدر تقویت شود که در مقابل هیچ کدام از عوامل منحرف کننده‌ی نفسانی و

۱- بیش از ۵۰ مورد در قرآن صریحاً به انحرافی که عده‌ای به علت امراض روحی دارند اشاره شده است. به ریشه‌ی عمیق و مرض در معجم المفهرس قرآن بنگرید.

۲- برای نمونه مرحوم کلینی در اصول کافی، جلد ۱، صفحه‌ی ۲۳ از امام صادق (ع) روایتی نقل می‌کند که حضرت ۷۵ صفت جهل را ذکر می‌فرمایند.

شیطانی تحت تأثیر قرار نگیرد و بتواند آن چه از اعتقادات صحیح را فرا گرفته در عمل هم به صورت کامل به کار گیرد. اسم همین کار **تهذیب نفس** است که خدای تعالی بارها در قرآن به مناسبت‌های مختلف ضرورت آن را بیان فرموده و معصومین نیز به طرق گوناگون همه را به آن تشویق کرده‌اند.

خدای تعالی علاوه بر این که در قرآن علت اصلی بعثت پیامبر اکرم (ص) را تزکیه‌ی نفوس معرفی می‌کند، در خیلی از موارد ضرورت و وجوب آن را بیان می‌فرماید. مثلاً در سوره‌ی والشمس وجوب آن را پس از یازده قسم بزرگ مستقلاً تأکید کرده است. تأکید خدای تعالی بر ضرورت تزکیه‌ی نفس برای ما مسلمین جای تأمل و دقت است تا متوجه شویم و بدانیم که هر چند اعتقادات صحیح هم داشته باشیم، اگر صفات رذیله در وجودمان باشد همانند موانعی بر سر راه اعتقادات قرار می‌گیرند و مانع اعمالی می‌شوند که لازم است بر اساس آن اعتقادات انجام دهیم.

وقتی روح به عللی دچار ضعف و مرض شد، شیطان هم آن را زمینه‌ی خوبی برای تحریکات خود می‌یابد و القائنات مسمومش را به آن وارد می‌کند. در این صورت عمل او تابع امراض و صفات رذیله می‌شود نه علمی که خود هم به آن معترف است. در حالی که اگر روح سالم باشد، اعمالش تابع آن اعتقادات صحیحی است که از ابتدا فرا گرفته است و به دلیل سلامت و قدرت روح هیچ کدام از تحریکات شیاطین جنی و انسی در او اثر نمی‌کند و مانع حرکتش به سوی اجرای فرامین الهی نمی‌شود. از این رو انسان باید روحش را از آلودگی‌ها پاک کند تا بتواند علمش را به مرحله‌ی عمل هم بیاورد. پس باید معتقد شد آن چه باعث انحراف مسلمین شده و دامنه‌ی این انحراف به شاه‌رگ حیاتی زندگی بشریت و آب حیات معنوی روح انسان‌ها یعنی امام زمان (عج) هم کشیده شده، تنها شیطان نیست و در واقع او به علت ضعف فوق‌العاده‌ی انسان‌ها و وجود صفات رذیله و امراض روحی توانسته بر آن‌ها مسلط شود و زهر آگین‌ترین سمومش را در فضای کره‌ی زمین پراکند و این کار را برای ادامه‌ی حیات خود دنبال می‌کند. از این رو **مهم‌ترین کار شیطان در این دوران این است که با ریشه‌دار کردن صفات رذیله و به ضعف کشاندن روحیات از طریق اشاعه‌ی فحشا و منکرات و عداوت و کینه و دلبستگی‌های دنیوی و...**

مردم را از توجّه به خودسازی و تهذیب نفس باز دارد. او می‌داند که اگر حداقل همین شیعیانی که اعتقادات صحیحی دارند، مانع عمل به اعتقادات یعنی امراض روحی را از برابرشان بردارند و روح خود را در پناهگاه ائمه اطهار علیهم السلام ترکیه کنند، می‌توانند بر اساس اعتقاداتشان عمل کنند و در مقابل وساوس و کید او که بسیار ضعیف است،^(۱) مقاومت کنند. و در آن صورت است که با روی آوردن مردم به شاهرگ حیاتی زندگی بشریت یعنی امام، مرگ شیطان فرا می‌رسد. حقیقت انسان روح اوست که اگر به صفات رذیله آلوده شود، در واقع از انسانیت خارج می‌شود و روحش به صورت آن صفات در می‌آید. حضرت امام سجاده (ع) در پاسخ به زهری^(۲) که هزاران نفر از حجاج را در عرفات دیده و از تعدادشان تعجب کرده بود، فرمودند: چه بسیارند ضجّه کنندگان ولی چه کم‌اند حج‌کنندگان. او منظور امام را در نیافت و از ایشان توضیح خواست. آن حضرت با دست مبارکش به صورت او کشیدند. او مسلمانی را مشاهده کرد که به علت اعتقادات غیر صحیح یا صفات رذیله ملکوتشان به شکل خوک و میمون درآمده بود. او صحرای عرفات را به استثنای تعداد کمی پر از این حیوانات دید و وقتی علت را از حضرت پرسید آن حضرت مطالبی به این معنا و مضمون فرمودند که اگر انسان نفسش را «با تهذیب نفس» مهیا و مطیع اجرای فرامین ما کند، باعث می‌شود بتواند مناسک حج را انجام دهد در حالی که اگر با اعتقادات غیر صحیح یا روح پر از صفات رذیله ظاهراً اعمال را انجام دهد ولی روحش (حقیقتش) مطابق با آن اعمال نباشد، ملکوتش به همین شکل است.^(۳) با این توضیحات معلوم شد آن چه باعث تأثیر فعالیت‌های شیاطین و مانع عمل صحیح انسان به اعتقاداتی که علم پیدا کرده، می‌شود، صفات رذیله و ضعف‌های روحی است و اگر مسلمینی که زمینه‌ی علمی و اعتقادی درستی برای عمل دارند، روح پاک و قلب سلیمی هم داشته باشند، معلوم است که با روح سالم می‌توانند آن چه را اعتقاد دارند، در عمل اختیار کنند و گوش به القائات انحرافی شیطان ندهند و در این صورت جایی برای اطاعت شیطان باقی نمی‌ماند. پس ادامه‌ی حکومت شیاطین تا وقتی است که مردم به علت

۱ - آیه‌ی ۶۷، سوره‌ی نساء

۲ - از اصحاب حضرت امام سجاده (ع) است.

۳ - بحارالانوار، جلد ۹۹، صفحه‌ی ۲۵۸

صفات رذیله راه‌های انحرافی آن‌ها را در فحشا و منکرات ادامه دهند و نتوانند حقیقتاً تابع امام زمان (عج) باشند که نماینده‌ی الهی در کمره‌ی زمین برای براندازی هرگونه انحراف و ظلم و ستم است.

وحشت شیطان از چه کسانی است؟

پس از فوت پیامبر، شیطان از طریق منحرف کردن مردم در انتخاب جانشین ایشان زمینه‌ی بهره‌وری همه‌ی مردم دنیا را از داشتن اعتقادات صحیح از بین برد و کاری کرد که عموم مردم دنیا از دسترسی به عقاید حقه‌ی اسلامی محروم شدند و معلوم است که این افراد وقتی وسیله‌ی اولیه و مهم اعتقادات صحیح را نداشته باشند، قدم اساسی بعدی را که ترکیه‌ی نفس است، بر نمی‌دارند. لذا شیطان خیالش از مردمی که دارای عقاید باطله‌ی ادیان و مذاهب دیگر هستند، راحت است. او توانست نفسانیت سردمداران ادیان دیگر را در هنگام ظهور اسلام تحریک کند و آن‌ها را در همان مدار قبلی نگه دارد. بخصوص که در همان دوران می‌بایست تبلیغات صحیحی نیز از طرف افرادی که خود را خلیفه‌ی پیامبر می‌دانستند، صورت بگیرد که این کار به انجام نرسید. شیطان می‌دانست آن‌ها بعد از این کار، بخصوص که دینشان نیز تحریف شده بود، نمی‌توانند اعتقادات درست را پیدا کنند تا چه رسد به این که به پاک‌سازی روح پردازند و در مقابل تحریکات او قدرت پیدا کنند.

ترس و وحشت فوق‌العاده‌ی شیطان از شیعیانی است که دارای عقاید حقه و درست هستند. او می‌داند آن‌ها ممکن است دست از نفسانیت خود بردارند و با قدرت یافتن روحشان از رهگذر ترکیه‌ی نفس در مقابل او قد علم کنند و هرگونه تحریکات نفسانی و شیطانی او را واقعی نهند و با آن زمینه‌ی درستی که در عقاید دارند، به نماینده و خلیفه‌ی حقیقی خداوند گرایش پیدا کنند. نماینده‌ای که قرن‌هاست شیطان با همین ترفندها او را هدف بی‌مهری قرار داده است او تا توانسته حتی شیعیانی را که در هر دوره‌ای خواسته‌اند به تبلیغ امام زمان (عج) پردازند یا مردم را به تقید در اخلاقیات و دنباله‌روی از صراط مستقیم دین دعوت کنند، در نظر عوام و افراد کم‌اطلاع، سطحی و کارشان را غیر علمی و بی‌فایده قلمداد کند تا با دور کردن آن‌ها از این افراد، مانع رفع صفات رذیله و

ترک گناه شوند و در نتیجه شیطان به هدفش که همانا تداوم غفلت مردم از امام و در نتیجه طولانی تر شدن غیبت برسد و همچنان از زندگی نکبت بارش بهره ببرد. متأسفانه این عموم شیعیان بوده‌اند که بدون توجه به این ترفند و مکرهای او، به علت ضعفی که در روحشان داشته‌اند به جای تنظیم افکار خود و تعقل، در مقابل این تحریکات بی‌اساس اغوا شده‌اند. پس آن چه تاکنون درباره‌ی نماینده‌ی خداوند در همه‌ی دوره‌ها به ویژه در دوران غیبت کبری عملی شده نه به خاطر قدرت فوق‌العاده‌ی شیطان است بلکه به علت ضعف روحی و نفسانیت مردمی است که به دستور الهی مبنی بر ترکیه‌ی نفس گوش نداده‌اند و بر اثر ضعف روحی، خود را به آسانی در معرض وساوس مسموم ابلیس قرار داده‌اند. پس خود مردم به علت کوتاهی که در خودسازی داشته و دارند باعث ادامه‌ی فعالیت شیاطین و بی‌توجهی به امام زمان (عج) و در نتیجه طولانی شدن غیبت شده‌اند. یعنی این نفس‌های مریض اگر سالم شوند محال است با اعتقاداتی که دارند ولایت غیرخدا را در عمل بپذیرند و سر بر آستان جز او بسپارند. در تفسیر آیه‌ی ۱۱ سوره‌ی رعد^(۱) «خداوند سرنوشت قومی را تغییر نمی‌دهد تا این که خودشان را عوض کنند و تغییر دهند» آمده است تغییری که باید مردم بدهند این است که نفس خود را برای اعمال خوب ترکیه کنند، چون هیچ بدی به آن‌ها نمی‌رسد مگر زمانی که خودشان به علت «امراض روحی» با ارتکاب معاصی خود را دچار آن می‌کنند «و اگر آن [نفس] را برای انجام اعمال خوب درست کنند، سختی‌ها بر آنان پایان می‌پذیرد.»^(۲)

شیطان روز قیامت در مقابل ادعای دروغین عده‌ای که در جواب خداوند، درباره‌ی علت معاصی می‌گویند شیطان ما را فریب داد، می‌گوید من فقط شما را دعوت کردم شما می‌خواستید این دعوت را اجابت نکنید. شما امروز مرا ملامت نکنید بلکه نفس‌های «مریض» خود را ملامت کنید که باعث پیروی شما از من و تقویت دستور من در شما شد.^(۳)

۱ - ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم...

۲ - تفسیر برهان، جلد ۲، صفحه‌ی ۲۸۴ پایان حدیث ۶.

۳ - سوره‌ی مبارکه‌ی ابراهیم آیه‌ی ۲۲.

فصل پنجم

کلید بسته‌ی غیبت، توبه از غفلت و نیز پرداختن به دعاست

صاحب کتاب مکیال المکارم از قول مرحوم آیه الله میرزا محمد باقر اصفهانی رحمه الله علیه نقل می‌کنند:

شبی در رؤیای صادق‌های دیدم حضرت امام حسن مجتبی (ع) به من فرمودند: روی منبرها به مردم بگویید و به آنها دستور اکید دهید که به درگاه خداوند توبه کنند و برای فرج حضرت حجّت (عج) و تعجیل در آن دعا کنند. این دعا مانند نماز میت نیست که واجب کفایی باشد و وقتی عده‌ای برای ادایش به پا خاستند، از بقیه ساقط شود بلکه همانند نماز یومیه‌ای است که بر فرد فرد مکلفین واجب است. (۱)

آیا اگر پدر یک خانواده برای برگشتن به خانه ساعاتی دیر کند، اهلش به جست‌وجوی او بر نمی‌خیزند؟

آیا اگر در هوای گرم تابستان تشنه‌ی آب سردی باشیم، به دنبالش نمی‌گردیم؟

آیا اگر به بیماری دچار شویم به دنبال درمان و پیدا کردن طبیب به هر دری نمی‌زنیم؟

ما را چه شده که به اندازه‌ی نیاز به پدری که به خانه نیامده خود را نیازمند امامان نمی‌بینیم؟

چه سمّی نوشیده‌ایم که نیاز به آب حیات و گوارای غایب را احساس نمی‌کنیم؟
شیاطین چه ماده‌ی تخدیری قوی به غیرت ما زده‌اند که با این همه بیماری‌های روحی که در دنیای بی‌امام زمان وجود دارد، دلمان به درد نیامده است؟
و احساس نیاز به درمان دنیا نمی‌کنیم؟

دعا، رساننده‌ی وقت معلوم است

خداوند با بشارت‌هایی که به حضرت ابراهیم داد، نقطه‌ی پایانی برای نجات بنی اسرائیل از زیر بار ظلم به دست ناجی آن‌ها «حضرت موسی (ع)» در نظر گرفته بود زمانی که پایان آن ۴۰۰ سال طول می‌کشید ولی راه دعا و تضرّع را هم به آن‌ها آموخت تا اگر از اعمال زشتی که داشته‌اند و بی‌توجهی‌هایی که به حجت‌های الهی داشته‌اند به درگاه خداوند توبه کنند، ظهور این مصلح به جلو بیفتد. آن‌ها این راه را آموختند. گاه شب‌ها به بیابان‌ها می‌رفتند و گریه و زاری می‌کردند. مجالس دعا تشکیل می‌دادند و به دلیل همین دعاها و تضرّع‌ها خداوند از ۱۷۰ سال باقی مانده‌ی آن چشم پوشید و حضرت موسی را برای نجات آن‌ها رسانید. امت پیامبر اسلام نیز اگر از بی‌توجهی‌های خود به امام زمان‌شان توبه کنند و به درگاه خداوند التجا برند، امر ظهور زودتر واقع خواهد شد.^(۱)

قدم اوّل و رؤیای صادقه

یکی از دوستان ارادتمند امام زمان (عج) سال‌هاست که این عنوان شناخته شده و حتی خانه‌ی مسکونی‌اش را دو نیمه کرده و نیمی از آن را مهدیه نام‌گذاری کرده است. جلساتی که در

این مهدیه برگزار می‌شود بسیار خوب بوده و به گفته‌ی عدّه‌ای تأثیرات معنوی خوبی هم در مردم گذاشته است. یکی از دوستان که خودش در یکی از این جلسات شرکت کرده بود، می‌گفت در ابتدا مردّد بودم که به این مهدیه بروم یا نه؟ بالاخره در یکی از این جلسات آن شرکت کردم و چون به دستور خدا و امام صادق (ع) عمل کرده بودم، احساس بسیار خوبی داشتم و اگر خوابی را که در تأیید رفتن به چنین جلسه‌ای دیدم نیز نمی‌دیدم، در عقیده‌ام تأثیر نمی‌گذاشت ولی چون مطابق با روایات و مشوّق شیعیان برای تشکیل چنین جلساتی است، آن را نقل می‌کنم:

شبی بعد از شرکت در جلسه در عالم رؤیا دیدم که در راهی در حال حرکت به سوی مقصدی هستم که آن را بسیار دور می‌پنداشتم. راهی خاکی و پر از سنگلاخ و پستی و بلندی بود. نمی‌دانم چطور شد که یکباره متوجّه راهی شدم که در طرف راست همان جاده‌ی پرفراز و نشیب بود. بدون معطلی پا به آن مسیر گذاشتم. این راه با چند پله به مقصد می‌رسید. در همان حالی که روی پله آخری بودم صدایی شنیدم که می‌گفت:

«اگر برای رسیدن به آن چه نزد ماست و شما باید مثلاً ۱۰۰ جزء داشته باشید، اگر به اندازه‌ی پنج جزء آن را دارا باشید ولی از روی نیاز به درگاه خداوند دعا کنید، از راهی که ما هدایتتان می‌کنیم، به همه‌ی آن ۱۰۰ جزء می‌رسید.»

وقتی بیدار شدم، فهمیدم که می‌خواسته‌اند تردیدم را در رفتن به این جلسه برطرف کنند و به من بفهمانند که تشکیل چنین جلساتی بسیار مورد تأیید خدا و امام زمان (عج) است و اگر مردم چنین جلساتی را برای تقاضای فرج و ظهور تشکیل دهند، خود را از سختی‌هایی که مثل سنگلاخ‌های راه زندگی است و به آن عادت کرده‌اند، نجات می‌دهند و راه رسیدن به صلح و آرامش را کوتاه و میان بُر کرده‌اند.

این خواب را وقتی از قول او برای یکی از روحانیون دیگر نقل کردم، ایشان گفت قول می‌دهم در مسجدی که نماز می‌خوانم این کار را انجام دهم و به مردم توصیه کنم همانند جلساتی که در ماه محرّم و صفر یا رمضان و ایّام فاطمیّه برای عزاداری می‌گیرند، لااقل در

ماه شعبان هم جلساتی تحت عنوان **جلسه‌ی دعا برای تعجیل در فرج امام زمان (عج)** برگزار کنند و مردم را بیش از گذشته به امام زمان (عج) توجه دهند.

قدم دوم و تأییدی از حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) مطابق با قرآن و روایات

در دهه‌ی اول محرم سال ۱۴۲۰ قرار بود در یکی از مجالس عزاداری در مشهد مقدس که در یکی از خیابان‌های مرکزی مشهد برگزار می‌شد، سخنرانی کنم. در این فکر بودم که در چه زمینه‌ای صحبت کنم تا علاوه بر عزاداری حضرت سید الشهداء (ع) در خدمت‌گزاری به حضرت ولی عصر ارواحنا فداه هم مؤثر باشد یعنی بشود این نتیجه را گرفت که باید کار مردم آن زمان برایمان عبرت باشد و در یاری امام این زمان یکپارچه شویم و بدانیم مصیبت عزای امام حسین (ع) هنوز تمام نشده بلکه با عزای غیبت امام عصر ارواحنا فداه ادامه یافته و بیشتر شده است. یکی از همین شب‌ها، همسر فردی که من در منزلشان منبر می‌رفتم در رویای صادقه‌ای دیده بودند که در منزلشان روضه است و وقتی ایشان وارد منزل شده و به طرف محوطه‌ی روضه رفته بود، حضرت ولی عصر ارواحنا فداه را دیده بود که در مجلس نشسته‌اند. ایشان گفت من هم در جایی نشستم که از بقیه به حضرت نزدیک‌تر بود... دیدم حضرت رو به من کردند و فرمودند **به آقای گنجی توصیه کنید به دوستان بگویند باید ما را آن گونه دوست بدارند که فرزند مادرش را. آن هم وقتی که سینه‌اش خشک شده و از روی نیاز و علاقه‌ی شدید آن قدر می‌مکد تا سینه‌ی مادر به شیر آید، باید محبت دوستان به ما این گونه باشد و اظهار محبت تنها کافی نیست.** وقتی روز بعد این مطلب را برایم نقل کردند، من ابتدا متوجه منظور حضرت نشدم و وقتی به خانه آمدم در فکر بودم که چه نتیجه‌ی کاملی می‌شود از این توصیه‌ی حضرت گرفت. لحظاتی استراحت کردم. وقتی بلند شدم متوجه مطلبی شدم و آن این قسمت از دعای ندبه بود که **(فقد طال الصدی)** یعنی به راستی که تشنگی سخت بسیار طولانی شد و طوری این مطلب در ذهنم آمد که نمی‌توانستم خود را از آن منصرف کنم. آن وقت مطابقت رؤیای

صادقانه را با بسیاری از روایات و بعضی آیات قرآن درباره‌ی حالتی که باید مردم به امام زمان (عج) داشته باشند، بهتر متوجه شدم و این جمله‌ی دعای ندبه که **متی ننتفع من عذب مائک فقد طال الصدی** یعنی ای امام عصر چه موقع وقت آن می‌رسد که ما از آب گوارای وجود شما در ظهور بهره‌مند شویم؟ چون بعد از غایب شدن شما به علت طولانی شدن غیبت، تشنگی بر ما سخت شده است، برایم معنای دیگری پیدا کرد و در آن چند شب درباره‌ی این موضوع صحبت کردم.

امیدواریم این احساس نیاز در ما به وجود آید و برای سیراب شدن دنیا از شیر علوم اهل بیت قدم کوتاه اعلام آمادگی و تضرع را به درگاه خداوند به صورت یکپارچه و همگانی برداریم.

ارتباط با امام و معرفت او چاره‌ی درد غیبت است

هر یک از دستورالعمل‌های اعتقادی، اخلاقی و احکام را که معصومین علیهم‌السلام بیان کرده‌اند، برای رشد بخشی از وجود انسان است. در واقع دستورات معصومین علیهم‌السلام دقیقاً با نیازهای موجود در فطرت و بدن انسان منطبق است و اگر وجود انسان با القا و وسوسه‌ی شیاطین بر خلاف فطرت عادت نکرده و تغییر نیافته باشد، عمل به این دستورات آسان و باب طبع انسان است ولی کسانی که خود را تحت تأثیر وسوسه‌های مخرب شیاطین قرار داده باشند و روحشان به آن تخدیرها عادت کرده باشد، این اصول ارائه شده از طرف اهل بیت برایشان نامأنوس و غیرعادی است و نمی‌توانند خود را با آنها که برای رشد و کمال‌شان ضروری است، منطبق کنند و به همان چیزی که خود آن را درست پنداشته‌اند، دلخوش‌اند.

خدای تعالی در قرآن اعمال کسانی را که به جای جست و جوی از آب حقایق (معارف بلند خاندان عصمت و طهارت) (ع) که مطابق با فطرت انسان‌هاست) در پی امور فریبنده‌ای هستند که روح تشنه‌ی انسان را سیراب نمی‌کند، به

سرابی تشبیه کرده است که فرد تشنه‌ی آب را در بیابان به اشتباه می‌اندازد. (۱)

بعضی از این افراد درجه‌ی انحراف‌شان بیشتر از این شده است. با این که می‌دانند به آب حیات دست نیافته‌اند (نتوانسته‌اند در زندگی با اطاعت کامل از معصومین (ع) و استفاده‌ی بجا از دستورات‌شان به معنویت و رشد برسند) به علت عادت به امور بی‌اساس و واهی، حاضر نیستند یا نمی‌توانند از این امور دست بکشند. درست مثل معتادانی که به رغم اعتراف به بدی مواد مخدر و خوبی سلامت باز هم به طرفش می‌روند و از آن دست نمی‌کشند. پس اشتباه در تشخیص نیازهای انسانی و انحراف در برآورده کردن این نیازها که از جهل انسان ناشی می‌شود، باعث تغییر مسیر انسانیت انسان می‌شود. شیاطین نیز از این جهالت بیشترین بهره را می‌برند و انسان را به انواع راه‌های انحرافی که او را از صراط مستقیم دورتر کند می‌کشانند.

خدای تعالی در قرآن ارتباط با امام زمان (ع) را در بعضی آیات به صورت‌های مختلف و به ویژه در آیه‌ی آخر سوره‌ی مبارکه‌ی آل عمران بیان فرموده است. آن جا که می‌فرماید:

یا ایها الذین آمنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله لعلکم تفلحون

ای کسانی که ایمان آورده‌اید (در برابر مشکلات و هوس‌ها) استقامت کنید و در برابر دشمنان (نیز) استقامت کنید. از مرزهای خود مراقبت بعمل آورید و پرهیزید، شاید رستگار شوید.

حضرت امام باقر (ع) در تفسیر این آیه می‌فرمایند:

یعنی با امام منتظر خود، ارتباط برقرار کنید. (۲)

در دوران غیبت کبرای امام زمان (عج) که به علت غفلت مردم دنیا از حقایق و فراموشی از ارتباط با امام عصر باعث بی‌توجهی به حق این عزیز شده است، چون این قطع ارتباط با ریشه‌ی درخت هستی (امام زمان)، محروم شدن از حیات واقعی را برای مردم در پی داشته،

لازم است هر یک از شیعیان به این دستور قرآن و معصومین عمل کنند و لااقل برای نجات از گرفتاری‌ها و ناهنجاری‌های دنیای بی‌امام زمان، خود را با این تهنه‌ی عظیم هستی پیوند دهند.

قدم اولیّه‌ی ارتباط با امام زمان این است که ایشان را در همه‌ی شؤون زندگی از اعتقادات، اخلاقیات، احکام، آداب و رسوم الگویی خود قرار دهیم و در همه‌ی این زمینه‌ها با ایشان که **صراط مستقیم** دین هستند منطبق شویم و سعی کنیم سرسوزنی از دستورات ایشان تخلف نکنیم. این همان درخواستی است که لااقل روزی ده بار از خداوند می‌خواهیم که **اهدنا الصراط المستقیم**. اگر چنین کنیم، از مراتب بعدی این ارتباط که بهره‌مند شدن از حقایق و معارف و نیل به درجات کمال انسانی و ارتباط دائمی روحی با حضرت است نیز بهره‌مند خواهیم شد.

شیاطین در همه‌ی دوره‌ها سعی کرده‌اند از ضعف‌های روحی و اعتقادی مردم سوء استفاده کنند و با ایجاد و ریشه‌دار کردن صفات رذیله در انسان‌ها، مانع ارتباط بین برگ (شیعیان) و درخت (امام) شوند. ارتباطی که تغذیه و معرفت را در پی دارد.^(۱) آن‌ها می‌دانستند که اگر مردم به مقام امام کمترین معرفت را پیدا کنند، یعنی برای برآوردن نیازهای روحی و جسمی مطابق دستور امام عمل کنند، لازمه‌اش این است که هیچ کس و هیچ چیز را بر امام ترجیح ندهند. از این رو، مهم‌ترین فعالیت‌های آن‌ها از بین بردن زمینه‌ای بوده است که با آن امکان کسب معرفت امام به این معنی که گفته شد، وجود دارد. این زمینه برای شیعیانی که از اعتقادات صحیح برخوردارند همان روح سالمی است که اگر با ریشه‌دار شدن صفات رذیله از بین برود، آن اعتقادات عملاً کاربرد کامل خود را از دست می‌دهند یعنی افرادی از شیعیان که صفات رذیله در روحشان ریشه‌دار می‌شود، با وجود علم به اعتقادات و اعتراف به بدی‌ها نمی‌توانند یا نمی‌خواهند خود را صد در صد مطابق با دستور امام زمان که **مصدق صراط مستقیم‌اند** قرار دهند مگر این که ابتدا این مانع را از روح

خود پاک کنند. پس قدم اول برای ایجاد زمینه‌ی معرفت امام در انسان، پاکسازی روح از صفات رذیله است.

در همه‌ی دوره‌های زندگی ائمه آن چه باعث مظلومیت امام و محروم ماندنشان از حق الهی خلافت شد، بی‌معرفتی مردم بود. البته در هر زمانی گروه‌هایی از خواص بوده‌اند که با علم به این موضوع در پی متخلّق شدن به اخلاق کریمه‌ی اهل بیت برآمده‌اند. و صفات حیوانی و شیطانی را از خود دور و از طریق ارتباط با امام، زمینه‌ی روحی‌شان را آماده‌ی دریافت حقایق از دریای پر ارزش معرفت و معنویت امام کرده‌اند.

انسان اگر در جهت معرفت امام گام برندارد به خود ظلم کرده و خودش را در تاریکی جهالت و سرگردانی صفات رذیله و نفسانیت در تیررس شیاطین قرار داده است. در حالی که اگر به خاطر ارتباط با امام معرفت واقعی به ایشان داشته باشد، در تند بادهایی که شیاطین جنّی و انسی علیه امام زمان (عج) ایجاد می‌کنند، کوچک‌ترین شک و شبهه‌ای برایش ایجاد نمی‌شود. چون قلبش از پرده‌های رذایل خالی است و نور وجود مقدّس امام می‌تواند مستقیم به قلبش بتابد و چنین فردی در شناخت حقّ از باطل به شک و تردید نمی‌افتد.

همان‌گونه که امام حسن عسکری (ع) فرمودند در این غیبت تنها کسانی از انحراف و ضلالت نجات می‌یابند که با «ترکیه‌ی نفس» خود را به طور واقعی و دایمی در مدار ولایت نگه داشته باشند و به خاطر نیازی که به وجود مقدّسش احساس می‌کنند، جزو متضرّعین به درگاه خدا برای تعجیل در فرجش باشند. (۱)

حضرت امام صادق (ع) در جواب ابی‌بصیر که پرسیده بود چه موقع فرج آل محمد (ص) می‌رسد؟ فرمودند **مگر تو جزو افرادی هستی که در محدوده‌ی تنگ دنیا مانده‌اند؟** (به علت سرگرم شدن به لهو و لعب، از حرکت در مسیر تهذیب نفس که باعث ماندن دایمی در مدار ولایت می‌شود غافل شده‌اند) **هرکس معرفت به این امر پیدا کند** (بداند قبولی امتحانش در دنیا بسته به این است که خود را از آلوده شدن به صفات رذیله که

به مرگ روحی یعنی جدا شدن از شجره‌ی طیّبه می‌انجامد حفظ کند تا از طریق ارتباط با حقیقت هستی یعنی امام از وجود مبارک او بهره‌مند گردد) **به خاطر همین انتظاری که می‌کنند،** (منتظر است تا حقایق عالم فقط از طریق امام که نماینده‌ی خداست به او و جهانیان برسد) **برای او فرجی حاصل می‌شود.** (این نیازش مثل تغذیه‌ی برگ‌گی که متصل به درخت و منتظر و محتاج آب است، برطرف می‌شود).
خداوندا، ما را جزو این منتظران قرار بده. آمین

میزان تشخیص معروف و منکر، دستور امام است

در این جا به ابتدای کلام در این باره برمی‌گردیم که اگر انسان بخواهد خود را از نقایص و مشکلاتی که در زندگی دامن‌گیر افراد و بعد از آن جوامع مختلف در ابعاد سیاسی و اجتماعی و فرهنگی شده برهاند، باید خود را با نحوه‌ی ارضای نیازهای انسانی که از طرف معصومین علیهم‌السلام ارائه شده، منطبق کند و در یک کلمه امام را به این عنوان که حقّ امر و نهی درباره‌ی همه‌ی امور را دارد، بشناسد و این همان معنای مفترض الطاعه بودن امام است (واجب بودن اطاعت از امام) که اولین درجه‌ی معرفت امام است. در زمان زندگی حضرت سیدالشهدا (ع) چون دنیای آن روز به ایشان پشت کرده بود و یزید می‌خواست جامعه را با ملاک‌های نفسانی و شیطانی خودش منطبق کند و حقّ امر و نهی امام درباره‌ی نحوه‌ی سیراب کردن نیازهای انسان‌ها را از بین ببرد و خود را به جای امام بنشانند، آن حضرت قیام کرد تا به همه بفهماند میزان برای تشخیص معروف و منکر، امام است و خود حضرت همین مطلب را که برای امر به معروف و نهی از منکر قیام کرده‌اند، در بیان مبارکشان اعلام کردند.^(۱) لذا همان طور که گفتیم اگر در آن موقع مردم امام حسین (ع) را انتخاب می‌کردند، فرج و گشایشی که از بعد از پیامبر قرار بود صورت گیرد، با تأخیر صورت می‌گرفت.

با این توضیحات می‌گوییم علت تأثیرگذاری آثار زمان غیبت بر ظاهر و باطن زندگی مردم در هر دوره‌ای، بی‌معرفتی مردم به امام هر زمان بوده است. حداقل معرفت این است که انسان بداند برای رفع نیازهای روحی و جسمی باید به دستورات آن‌ها عمل کند تا مانند تغذیه شدن برگ از ساقه، با ریشه‌ی درخت مرتبط باشد و از زندگی بهره‌مند شود. عده‌ای به علت این که در برآوردن نیازهای روحی و جسمی خود به دستورات ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام عمل نکرده‌اند، هدف تیر شیاطین قرار گرفته و در نتیجه روحشان به صفات رذیله‌ای دچار شده است. هر یک از صفات رذیله در وجود انسان به ویژه شیعیان در حکم مانعی برای کسب معرفت به حق امام و مانند قرار گرفتن مانعی در تغذیه‌ی برگ از ساقه است که موجب مرگ آن نیز می‌شود. اگر انسان بتواند موانع بین خود و امام را برطرف کند، چون با شجره‌ی طیبه‌ی الهی مرتبط می‌شود، از نتایج این ارتباط که تغذیه از آب حیات و در نتیجه رشد و در نهایت از بین رفتن گرفتاری‌های دوران غیبت است، بهره‌مند می‌شود.

فصل ششم

حجت خدا حضور و غیبت

از دیرباز که بشریت در جهان خاکی پا نهاده و مسیر زندگی اجتماعی را با تشکیل روابط اجتماعی طی کرده است، برای گذر از مشکلات و رفع نیازها و دست‌یابی به راه زندگی و انتخاب نوع زیستن، معاشرت، نحوه‌ی کار و تلاش، خودسازی و ارتباط با دیگران و در یک کلام یافتن قانون زندگی و حیات، همواره دو راه را پیش رو داشته است.

راه اول آن که با تجربه کردن بسیاری از راه‌های پیش رو، راهی را بیابد و قدمی را پیش نهد. بر سر دو راهی بلکه چند راهی‌هایی که همواره در مقابل خود می‌بیند، راه آزمایش و خطا را پیش گیرد و به مسیر حرکت خود ادامه دهد. این راه با ویژگی‌های خاص خود نتایجی برای بشریت در پی داشته است که به بررسی گذرای آن می‌پردازیم:

۱- یکی از خصوصیات این نوع زیستن همواره دست‌یابی به نتایجی غلط یا دست‌یابی به حقایقی با صرف وقت زیاد آن هم در عمر کوتاه بشر است. چرا که در این روش از میان راه‌هایی فراوان تعداد محدودی را درست و راه‌های بسیاری را خطا یافته است.

۲- در بسیاری از مواقع بخصوص در امور اجتماعی از روش آزمون و خطا نتایجی حاصل گردیده که نه تنها بشر نتوانسته است از نتایج غلط و آثار ناصواب آن عبرت گیرد

و برای خود و دیگران تجربه اندوزی کند، بلکه خود و جامعه را گریبانگیر مشکلاتی کرد. که سال‌ها و بلکه قرن‌ها، نسل‌های مختلف بشر با آن دست و پنجه نرم کرده‌اند.

۳ - آن چه امروز بشریت را به جنگ و خون‌ریزی، استعمار و استثمار، بهره‌کشی و... کشانده است و عده‌ای چون حیوانات درنده با چنگ و دندان‌های آهنین و با طمع بهره‌کشی به جان بشریت افتاده‌اند، نتیجه‌ی این راه و روش است.

راه دوم آن که عالم و جهان هستی را که انسان جزء کوچکی از آن است، در یک مجموعه‌ی هم‌گرا و هدف دار بدانیم که خالق و مدبر آن برای جزء جزء آن اهدافی تعیین کرده و برای رسیدن به هر یک از آن اهداف راه و رسمی و راهنمایی منصوب فرموده و وجود حجت‌ها به عنوان الگوها و نمونه‌ها در سراسر این عالم پهناور و در طول تاریخ عالم هستی وجود داشته و خواهد داشت. در این نگرش هیچ‌گاه انسان رها نبوده و در امور زندگانی فردی و اجتماعی به خود واگذار نشده است.

راهنمایانی که خود در این نظام هستی به عنوان الگوهای نمونه و حجت‌های الهی راه کمال خود را می‌پیمایند و در زندگی فردی و اجتماعی برترگوی سبقت را در فکر و عمل از دیگران می‌ربایند. همواره هدایت‌گر و روشن‌کننده‌ی راه بشرند. با این اوصاف پیمودن این راه برای بشریت خالی از شک و تردید خواهد بود و نتایج خسارت‌باری در پی نخواهد داشت.

انسان‌هایی که در طول تاریخ این مسیر را پیموده‌اند، چنان توفیقاتی به دست آورده‌اند که زبان زد خاص و عام و دوست و دشمن بوده‌اند.

رمز اصلی موفقیت در این راه اعتماد به این نگرش به عالم و مدیر و خالق و آفریدگار آن و تحمل کردن به راه و روشی است که این حجت‌ها عملاً به بشر آموخته‌اند و با بررسی گذرایی در تاریخ امت‌ها، انبیا و حجت‌های الهی به وضوح می‌یابیم که انقلاب‌های حقیقی و تحولات انسانی که در عصر انبیا صورت گرفته، نتیجه‌ی ایمان به همین دو حقیقت است.

اما آن چه در این روزگاران غیبت آخرین حجت خدا حضرت ولی عصر (عج) باید به آن توجه داشت آن است که دوران غیبت این امام با زمان ائمه‌ی معصومین از نظر ارتباط با

مردم تفاوت چندانی ندارد هر چند امام (عج) از نظرها پنهان‌اند و همانند خورشید پشت ابر مردم از بهره‌وری مستقیم از آن بزرگوار محرومند، اما باید باور داشت که حیات و گرمای زندگی این عالم اکنون از همان خورشید ولایت پشت ابرهای تیره‌ی غیبت است و ارتباط با آن بزرگوار از راه دل و حقیقت بسیار نزدیک است.

همان‌گونه که پدر بزرگوارش در پاسخ آن مرد عرب بادیه نشین که از دوری امام گلایه می‌کرد فرمود «حَرَكَتِ شَفَّتَيْنِ» تو لبانت را به حرکت درآور و با ما سخن بگو که ما آن را می‌شنویم و به آن پاسخ می‌دهیم.

پس اکنون شما هم قلم و کاغذ را بردارید و با امام خود از روی ایمان به همین اعتقاد سخن بگویید و سعی کنید در این ارتباط بتوانید امام خود را بهتر بشناسید و در پیمان‌هایی که در خودسازی و تغییر در روش‌ها و گرایش‌های خود دارید، پایدار و ثابت قدم باشید تا بتوانید گوشه‌هایی از اصلاح و سازندگی و بازسازی دل‌های مرده و گریزان از حق و حقیقت را در پناه امام (عج) بیابید.

اکنون به گوشه‌ای از این نوشته‌ها توجه کنید و اگر شما نیز نگاشتید و در خلوتگاه ایمان و اعتقاد خود با امام خویش سخن گفتید و خواستید دیگران از آن بهره‌مند شوند به نشانی ناشر ارسال کنید. باشد تا بتوانیم در مجموعه‌ای دیگر عرضه کنیم.

نماز امام

اظهار نیاز به درگاه بی نیاز، زیباترین روح بندگی و پرستش است. نیایش بر در دولت سرای دوست، پالایشی است از هر چه غیر اوست. راز و نیاز را اسراری است که کمترین سرّ آن محبت است و محبت، اولین حلقه‌ی معرفت است که فرموده‌اند:

«هَلْ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ؟» آیا دین چیزی جز محبت است؟

گستره‌ی وادی نیایش درهایی دارد که هر یک را بخواهی، می‌توانی با شاه کلید «یاالله» دق الباب کنی. آن گاه می‌بینی باز می‌شود و تو می‌توانی از مواهب لایتناهی این وادی به حدّ وسعت بهره جویی!

اما مگر آن شاه کلید را به همه می‌دهند؟ مگر نحوه‌ی کوبیدن در را به همه یاد می‌دهند؟ نیایش را هم که خود باب معرفت است، باید همچون معرفت عطا کنند و الاّ به جای عبادت و بندگی معبود، فخر و تکبر عابد را در پی خواهد داشت.

بهترین حالت بندگی را «رکوع» که نشان خضوع و فقر عابد است، دانسته‌اند و برترین حالت بندگی را «سجود» که نشان خشوع و ذلت عابد است. و گفته‌اند:

رکوع و سجود، جای بیان حوایج و طلب جواب است.

و هرچه شعاع دایره‌ی وجود انسان وسیع‌تر باشد، خضوع و خشوع شدیدتر است و هر اندازه که عاطفه و احساس، محبت و دوستی، مظلومیت و معصومیت و هجران و درد بیشتر باشد، رکوع و سجود خاشعانه‌تر و خاضعانه‌تر است.

جان عالمیان به فدای آن وجودی که نه تنها هستی متعلق به اوست، بلکه متعلق به امر اوست.

«بُؤْجُودِهِ تَبَيَّتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ...»

مگر با آن همه سعی و جودی، می‌توان خضوع و خشوع را در رکوع و سجودش فهمید. آن گاه که به نماز می‌ایستد، ملائک را که احساس برتری در عبادت دارند، شرمنده

می‌کند و ذکر رکوعش و تسبیح سجودش، هستی را قوام می‌بخشد، روزی را ضمانت می‌کند، هدایت را به امضا می‌رساند، زندگی را راهوار می‌کند و... اما این همه، صرف تعبیر است و توصیف. کسی یارای فهم و وصف نیایش او را در رکوع و سجودش ندارد، جز اجناد بزرگوارش که همچون خود او در این اقیانوس غوطه‌ورند و برای بیان و صفش تنها به سلام بر حالت نمازش، ذکرش، قنوتش، قرائتش، رکوعش، سجودش، قیامش و قعودش اکتفا کرده‌اند.

«السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْعُدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْرَأُ وَ تُسَبِّحُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصَلِّي وَ تَقُتُّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَرْكَعُ وَ تَسْجُدُ...»

زمانی که زبان را به نیایش «او» جلّ جلاله باز می‌کند، لحظه‌ای است که دعا مستجاب است و مستجاب الدعوه برای شیعیان بی‌چاره‌ی درمانده‌ی ماتم زده در شام غیبتش، دعا می‌کند. از خود سرمایه می‌گذارد و بی‌بها، پیمانه می‌دهد که:

«بارالها! شیعیان ما از شعاع خورشید ما گرما گرفته‌اند، با پرتو آفتاب ما دیده گشوده‌اند و از باقی طینت ما سرشته شده‌اند. در شب ظلمانی دنوبی مرتکب شده‌اند و به اتکای نور ما و امید برآمدن پگاه ما امید به شفاعت دارند.»

«معبودا! عصیانشان را اگر میان تو و آنهاست، دیدگان بخشش بر هم گذار؛ و گر میان مردمان و آنهاست، از آنچه نیکی در کفه‌ی ماست، راضی‌شان فرما. مقصود آنان را در فردوس قرار ده و به آتش دوزخ، دشمن شادشان می‌سند.»

باران رحمت

باران می‌بارید و بارشش طراوت و تازگی را به ارمغان می‌آورد. همه جا را می‌شست و هوا را تازه می‌کرد. گویی هوا نیز از شدت طراوت برق افتاده بود. درختان و پرندگان از این همه بخشش و موهبت، سرشار از شادی بودند. بخششی که بدون اندکی تبعیض بر همگان می‌بارید و همه را جانی تازه می‌بخشید.

به یاد محبت عزیزى افتادم که هیچ‌گاه ما را از یاد نبرده و از ما غافل نبوده و نیست، به یاد باران محبت او که همه گیر و همیشگی بوده است. با این همه، چرا آن را از یاد برده بودیم؟ آیا ذره ذره‌ی وجودمان، عشق او را در نمی‌یافتند؟ آیا در این محبت دایم، کسی بود که از قلم افتاده باشد و از یاد رفته باشد؟

راستی محبتی که بی‌دریغ نثارمان می‌شد، چه پاسخی می‌گرفت؟ بله، ما با اعمالی که قلب عزیزش را می‌فشرد و ما را از او دور می‌کرد، مانعی بودیم برای جلوگیری از بارش آن بر خودمان.

گاه گاهی که چند قطره‌ای به درون مرده‌مان می‌بارید، جان می‌گرفتیم و زنده می‌شدیم. در آن هنگام مرواریدی در وجودمان شکل می‌گرفت که یادگاری از محبت آن عزیز و نشانه‌ای از آن همه لطف و کرم بود.

حال این مروارید گران‌قیمت را که به سختی به چنگ آورده‌ایم، در کدامین نهان‌خانه‌ی وجود پنهان کنیم تا از شرّ دزدان و غارتگران در امان بماند؟ آیا می‌شود آن را بی‌هیچ حفاظی در هر کجا رها کرد؟

ما از آن به قیمت جان پاس خواهیم داشت و آن را در پنهانی‌ترین و مطمئن‌ترین زوایای وجود خویش ذخیره خواهیم کرد. آن گوهر، تنها هدیه‌ی گران‌بهایی است که سزاوار است در «دل» خویش از آن پاس داریم.

خدایا! توانایمان ده که بتوانیم قلبی بزرگ داشته باشیم تا در خور چنین گنجینه‌ی گران‌قدری باشد. دلی که بادهای حوادث آن را نلرزاند و از سختی‌ها نهراسد و مشکلات آن را از پا در نیآورد، بلکه تمام این‌ها عاملی باشند برای وسعت و گسترش بیشتر آن.

نام محبوب

با صدای بلند صلوات از خواب پریدم. تا چند لحظه مات و مبهوت به اطراف خود چشم دوختم. تازه یادم آمد که از دو شب پیش خوب نخوابیده بودم و از شدت خستگی حدود نیم کباعتی بود که خوابم برده بود. پتویی را که از شدت سرما دور خود پیچیده بودم کنار زدم اما پاهایم سرد شده بود زیرا از صندلی آویزان بود و در این نیم ساعت که به خواب رفته بودم خارج از پتو مانده بود.

نگاهی به صندلی بغل دست خود کردم و نگاهی به پشت سر و جلو. هنوز بیشتر دوستان و همسفرانم از خستگی راه خوابیده بودند و صدای صلوات، آن‌ها را بیدار نکرده بود. یکی از آن‌ها پتوی خود را کف مینی بوس پهن کرده و خوابیده بود. دیگری تمام چهار صندلی آخر را اشغال کرده و دراز کشیده بود و بقیه، پاها را در سینه جمع کرده و خوابیده بودند. در همین حال چراغ‌های مینی بوس روشن شد و باز صدای صلوات از دو سه نفر که جلو نشسته بودند شنیده شد. انگار با روشن شدن چراغ‌ها و صدای صلوات می‌خواستند ما را بیدار کنند و بفهمانند که به مقصد رسیده‌ایم.

سوز بادی که از درز پنجره به صورتم می‌خورد مرا کاملاً بیدار کرده بود. پرده قرمز رنگ را کنار زدم و در تاریکی شب چشمم به چراغ‌های فراوانی در فاصله‌ی نه چندان دور افتاد. فهمیدم که چند دقیقه‌ای دیگر خواهیم رسید. آقای راننده صلوات سوم را هم طلب کرد و این بار افراد بیشتری صلوات فرستادند. بیشتر آن‌ها از خواب بیدار شده بودند و بقیه را هم بیدار می‌کردند.

اشتیاق عجیبی در دل همه افتاده بود و هرکس که از خواب بیدار می‌شد، سریعاً پتویش را جمع و خود را آماده می‌کرد. بعضی موهایشان را شانه می‌کردند و بعضی در حال تعویض لباس‌ها بودند. بوی عطر نشان می‌داد که یک نفر خود را معطر کرده است. شور و نشاط دیگری در همه افتاده بود و هرکس به نوبه‌ی خود تلاش می‌کرد که زودتر خود را آماده کند. سرعت مینی بوس کم شد و احساس کردم که به سمت چپ مسیر خود را عوض

کرد. من نیز که سمت چپ نشسته بودم، دیگر بار چشمم را به بیرون دوختم. چراغ‌ها نزدیک‌تر شده بودند تا آن جا که می‌توانستم آن‌ها را تک تک بشمارم.

هر چه نزدیک‌تر می‌شدیم چشمانمان خیره‌تر و صدای صلوات بلندتر شنیده می‌شد. یکی می‌گفت: رفقا امشب از همه التماس دعا دارم. دیگری می‌گفت: من را هم فراموش نکنید. آن یکی می‌گفت: یادتان باشد برای آن‌هایی هم که دوست داشتند بیایند ولی موفق نشدند، دعا کنید. راننده با صدای بلند فریاد زد: دو ساعت دیگر همگی کنار مینی‌بوس باشند که کسی جا نماند.

بالاخره پس از دقایقی مینی‌بوس از حرکت ایستاد و رفقا برای پیاده شدن از هم سبقت می‌گرفتند. من که زیپ کاپشن خود را کاملاً بالا کشیده بودم از مینی‌بوس پیاده شدم و پس از چند قدمی که راه رفتم چشمم به تابلوی بسیار بزرگی افتاد که با چراغ‌های زرد رنگ نورانی شده بود. در جای خود ایستادم و محو تماشای آن شدم. نام محبوب دل‌ها روی آن نوشته شده بود. با دیدن آن انگار تمام خستگی راه از بدنم بیرون رفت و نیروی جدیدی جایگزین آن‌ها شد. دیگر سرما را حس نمی‌کردم. چند دقیقه‌ای از خود بی‌خود شدم. کجا هستم؟ از کجا آمده‌ام؟ خیلی راه طی کرده‌ام اما مثل این که دوباره به خانه بازگشته‌ام. آرامش و گرما و سکوت خانه را دوباره حس کردم اما این جا خانه، بزرگ شده بود، به پهنای عالم. نورهایی که از آن تابلوی زیبا می‌تراوید، انگار به اعماق قلبم نفوذ می‌کرد و پس از تصاحب آن دوباره به جای اولیه‌ی خود بر می‌گشت و مرا هم با خود می‌برد. آری جمله‌ای را که روی آن تابلو نوشته شده بود، بارها و بارها به زبان آورده بودم و از انوار صاحب آن نام فیض‌ها برده بودم؛

«یا ابا صالح المهدی ادرکنی»

کلامی با یاد او...

یا صاحب الزمان!

با کدام سلام، سلامت کنم که تو خود وجودی پر از سلامی،
با کدام احساس تو را یاد کنم که تو خود لطیف ترین احساسی،
با کدامین کلام، سختی فراق را ابراز کنم که خود گویای تلخ ترین فراقی،
با کدام اشک تو را یاد کنم که خود غرق در اشک و آهی،
چگونه محبت خود را به تو اظهار کنم که تو خود منبع محبتی،
از کدام کرم تو درخواست کنم که تو معدن جود و سخاوتی،
با کدام گل تو را شبیه کنم که تو خود زیباترین گلی،
با که و با چه تو را قرینه کنم که تو همان یار بی همتایی،

یا صاحب العصر و الزمان!

چه بسیار کتاب‌ها که درباره‌ی تو نوشته شده،
چه بسیار شعرها که در وصف تو سروده شده،
چه بسیار تابلوها که با نام زیبای تو به دیده‌ها می‌آید،
بس مجالسی که با نام و یاد تو به پا می‌شود.

چه افراد پاکی که با یاد تو زیستند و در حسرت دیدار تو جان به جان آفرین تسلیم کردند، چه عزیزان شهید و چه شهیدان عزیز که در لحظات آخر عمرشان با ترنم نام زیبای تو به شهادت رسیدند.

مولا جان!

یاد سبز و روح بخش تو را در سبزی درختان و سبزه‌زاران نظاره‌گریم که می‌خواهند مانند تو باشند. سبز باشند و سبز بمانند.

خورشید هم چنان نور و گرما می‌دهد تا نور و گرمای وجود تو را بر عالم هستی یاد آور باشد. گاه پشت ابر می‌رود، گاه نیز بیرون می‌آید تا عالمیان این را باور بدانند که:

آری، خورشید هیچ‌گاه پشت ابر نمی‌ماند و بالاخره بیرون خواهد آمد.
اگر هر روز را برای او غروبی غمناک است اما روز بعد طلوعی زیبا، روشنایی بخش و
گرمابخش دارد.

خود را به عالمیان می‌نمایاند تا به همه بگوید:
امیدوار باشید که بالاخره روزی هم خورشید عالمتاب «مهدی» از مکه طلوع خواهد
کرد.

به هر چیز هستی که می‌نگریم، به موجودات، به جمادات و نباتات، به آب و دریا، به
دشت و صحرا، همه یادآور وجود تواند.

به آب می‌نگریم و یاد تو را به خاطر می‌آوریم، زیرا که تو نیز حیات بخشی.
موج‌های خروشان دریاها ما را به یاد امواج بلاهای دوران غیبت می‌اندازد.
نگریستن به کوه‌ها، صلابت و استواری در برابر وقایع این دوران را به ما می‌آموزد.
صحرای خشک و بی‌آب و علف نیز حکایت از زمین مرده و دل‌های مرده‌ی قبل از
ظهورت دارد.

گریه‌ی آسمان به هنگام ترنم باران، اشک ریختن در فراق را به یاد ما می‌آورد.
آواز شبانه‌روزی پرندگان بهاری ما را به دعای مداوم برای ظهور تو دعوت می‌کند.
و لطافت گل‌ها ما را به یاد روح لطیف و مهربان تو می‌اندازد، و عطر آن‌ها شمیم عطر
بهشتی تو را بر مشام ما می‌نوازد.

و در کنار این‌ها، فرمانبرداری جمادات و نباتات در هست شدن و بودن و مطیع زیستن به
ما درس بندگی و اطاعت می‌دهد، تا فرمان خدایت و خدایمان را سر بنهیم که به ایمان، عمل
صالح و صبر امرمان کرد.

و ما در این مسیر امیدواریم، امیدواریم که اگر ما بد بندگانی هستیم، پروردگارمان بهترین
رب است، و شفیعانمان نیز بهترین شفیعان، چون شما و اجداد بزرگوارتان علیکم و
علیهم السلام.

بنابراین کسی که بهترین‌ها را دارد، امید دارد و غم ندارد.

... و اینک که می‌نگرم، خود نیز با یاد شما صفحاتی را سیاه کرده‌ام که این‌ها نیز تکرار مکررات و حکایت قصه‌ها و غصه‌های پیشین است و همه الفاظ و مفاهیمی است که از زبان قلم جاری شده و بر صفحه‌ی دل کاغذ حک می‌شود.

اما کدام بیان می‌تواند وصف تو را گوید؟ و کدام زبان می‌تواند قصه‌ی تو را بازگو کند و چگونه قلمی توان نوشتن راز غصه‌دار تو را دارد؟

و نام هم چنان نانوشته باقی مانده و یاد تو هنوز یاد نشده...

آن چنان که حق توست، آن چنان که سزاوار توست.

نشاط صبح جمعه‌ها

از وقتی که یادم می‌آید، جمعه‌هایم دلگیر بوده است. آن وقت‌ها که کوچک بودیم، عصر پنج‌شنبه‌هایمان با امید و آرزو می‌گذشت و شب هنگام، خشنود از رسیدن جمعه سر بر بالین می‌گذاشتیم و صبح جمعه را با شور و نشاط عجیبی شروع می‌کردیم.

اما عمر خورشید جمعه که با غروب به پایان می‌رسید، غمی بزرگ بر دل‌هامان می‌نشست و جمعه‌ای دیگر بدون طلوع خورشید وجود می‌گذشت. همیشه فکر می‌کردیم حال و هوای مدرسه است که چنین می‌کند، ولی نه، تابستان‌ها هم این طور بود. پس نباید حال و هوای مدرسه باشد.

اکنون دیگر جمعه و شنبه نداریم. هر طلوع آفتاب برایمان امید می‌آورد و هر غروب، دلتنگی از نیامدنش. از وقتی که شنیدیم «توقع امر صاحبک لیلک و نهارک»، دیگر شب‌هایمان با دعا و نیایش برای ظهور می‌گذرد و روزهایمان با امید و آرزو که شاید این روز همان روز عزیز باشد.

از آن گاه که در گوش‌مان زمزمه‌ی انتظار خوانده شد، هر روزمان روز جمعه و هر شب‌مان شب جمعه است. مگر شب‌های شنبه‌مان که همان دلتنگی و ناامیدی را به همراه دارد ولی باز با خود می‌گوییم: «شاید جمعه‌ای دیگر بیابد.»

با امید دیدن آن جمعه

سوز بیان

بنمای رخ که خلقی، واله شوند و حیران
بگشای لب که فریاد، از مرد و زن برآید
راستی ای عزیز!

«أَتْرَانَا نَحْفُ بِكَ وَ أَنْتَ نَأْمُ الْمَلَاءِ وَقَدْ مَلَأْتَ الْأَرْضَ عَدْلًا»

آن روزی که پروانه وار گرد شمع وجودت درآیم و تو بر ما پیشوایی کنی و حال آن که
گستره‌ی زمین را پهنه‌ی داد و دادگری کرده باشی.

«وَ نَحْنُ نَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»

و ما زبان به ستایش خداوندی بگشاییم و او را بر این نعمت بزرگ سپاس گزار شویم. و
اکنون در پشت دروازه‌ی نور، زمزمه کنان به ترنم:

«اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ وَ أَوْسِعْ مَنَهَجَهُ وَ اسْلُكْ بِنَا مَحَجَّتَهُ»

با دلی سوزان و اشکی ریزان به گفت و گو با تو می‌نشینم که:

سلام بر تو ای باز مانده از تبار پیامبران، سلام بر تو ای جان جهان و ای گنج نهران! سلام بر
تو که که بر کناره‌ی خوان گسترده‌ی نعمت نشسته‌ایم و سلام بر تو که بر کرانه‌ی وادی غیبت
مانده‌ایم. درود شیفتگان دلسوخته‌ات را پذیرا باش.

ای تو که بهار روح بخش دل‌هایی و ای تو که به صفا و روشنی مهر و ماهی!

ای عزیز! دردهامان را خود فرو بردیم و قصه‌ی دل‌های پر غصه را با کسی نگفتیم تا
یاران آزاده‌ات آزرده و دشمنان نابکارت دلشاد نشوند. زهرخند منکرانت را به جان
خریدیم و دم فرو بستیم. به هر تلاش و رنجی که بود، پرچم یاری‌ات را بر فراز داشتیم. با
دیده به راهیان مشتاق هم آهنگ شدیم. نوای کاروانیان سرگشته‌ی کویت را به گوش جان
شنیدیم و مشتاقانه بدان سو روی نهادیم. هم پای آنان شدیم و اینک ما سوت‌دلانی هستیم که
منزل‌ها پشت سر نهاده و آماده و چشم انتظار «بر دروازه‌ی نور» ایستاده‌ایم. بشنو نوایی که
به استقبال این شیفته شتافته و می‌گوید:

هم سرو در برآرد هم نارون برآید
بر خیز تا چمن را از قامت و میانت

شور و حماسه و فریاد و ناله و آه به هم آمیخته است، زمزمه‌ها خروش کوبنده می‌شود و همه از سویدای دل فریاد بر می‌آورند که:
«باز آی که آماده‌ی فرمان تو هستیم»
تا در گوشم قصه‌ی تو،

در چشمم چهره‌ی تو،

در سینه‌ی من آتش تو پنهان شد،

در لب‌هامان سوز بیان،

در قلبم شور نهان،

در دیده‌ی من اشک روان جاری شد.

غریب و طرید

سخن از غربت و تنهایی شما چه سخت و دشوار است و قلم را یارای آن نیست که این حقیقت تلخ را بنگارد. آخر مگر می‌توان باور کرد کسی که تمامی کاینات، آسمان‌ها و زمین و زمان به خاطر او برپاست، او که اگر نبود زمین اهلس را فرو می‌برد، او که تمامی موجودات به یمن او روزی می‌خورند و بر سر خوان او نشسته‌اند ناشناخته و غریب بماند. مگر ممکن است آن که موعود همه‌ی انبیا و اولیای الهی است و همه چشم انتظار آمدنش هستند، به دست فراموشی سپرده شود. مگر می‌شود منتقم خون خدا همچون خود او غریب و مظلوم باشد؟ ای کاش ابر تیره‌ی غیبت کنار می‌رفت و خورشید وجودتان آشکار می‌شد و خود بر غربت خویش پایان می‌دادید و دیگر کسی شما را غریب و تنها نمی‌خواند. ای کاش دوستان و شیعیان در غربت شما اشک ماتم نمی‌ریختند، ای کاش ندبه و ناله‌ی آن‌ها در روزهای جمعه به پایان می‌رسید و دیگر کسی با اشک چشم نمی‌نالید که:

«أَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوِي»

ای کاش ناله‌ی «عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَرَى الْخُلُقَ وَ لَا تَرِي» را دیگر سر در نمی‌دادیم، ای کاش صبح جمعه‌ای می‌آمد و ندای «أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ» شما بلند می‌شد و همه‌ی دنیا را فرا می‌گرفت که همین پایان غربت و تنهایی شما می‌شد. اما برای غربت شما همین بس که بعضی از شیعیان از این غربت شما غافل‌اند و تازه باید برای آن‌ها ثابت شود که شما نیز غریب و تنها هستید و این نشانه‌ی غریب‌الغربایی شماست. آخر این صفت را هم از جدتان حسین علیه‌السلام به ارث برده‌اید. اگر او در روز عاشورا ندای «هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يُنصُرُنِي» را سر داد و جوابی نشنید و به شهادت رسید، شما هم در طول سال‌ها بلکه قرن‌ها است که این ندای غریبانه را هزاران بار سر داده‌اید اما لیبکی نشنیده‌اید و اعمال زشت و کردار بد ما روح و روان شما را آزرده و اشک شما را جاری کرده است و این غم درون سینه‌تان، مانند این است که شما را هزاران بار به شهادت رسانده باشند. در روز عاشورا تنها یک نفر به ندای جدتان حسین علیه‌السلام لیبک گفت که آن هم حرّ بود اما در حقیقت این حرّ نبود که لیبک گفت بلکه مولایش

حسین علیه السلام بود که او را برگزید و در اول نگاهی با دل و قلبش چنان کرد که می دانید. مولا جان چه می شود شما هم نگاهی به ما کنید و ما را برای یاری و نصرت خود برگزینید و از این طریق سعادت همیشگی و ابدی ما را باعث گردید هر چند که اندک لیاقتی در خود نمی بینیم.

فصل هفتم

دعاهای مخصوص حضرت مهدی (عج)

با توجه به ثواب‌هایی که برای دعاکننده در آیات و روایات شیعه دعا جایگاه خاصی دارد و خداوند بنده‌ای را که از او درخواست کند دوست می‌دارد، بر آن شدیم که دعاهای مربوط به حضرت حجة بن الحسن العسکری (عج) با ترجمه و شرح و توضیح آن در این فصل آورده شده به امید آن که از برکت خوانندگان عزیز خداوند سبحان با نظر لطف به مؤلفین بنگرد. ان شاء الله.

۱- دعای عهد حضرت امام عصر (عج)

از امام صادق علیه‌السلام نقل است که فرمودند هرکس در چهل بامداد با این عهد به سوی پروردگار دعا کند، از یاران ما خواهد بود. و اگر قبل از ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام بمیرد، خداوند او را برای یاری آن حضرت زنده کند. و آن دعاء این است:

اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ وَ رَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ وَ رَبَّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ وَ

مُنزِلَ التَّوْرِيَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَرَبَّ الظِّلِّ وَالْمَحْرُورِ وَمُنزِلَ الْقُرْآنِ
الْعَظِيمِ وَرَبَّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقْرَبِينَ وَالْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَبِنُورِ وَجْهِكَ الْمُنِيرِ وَمُلْكِكَ الْقَدِيمِ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ
أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ بِهِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُونَ وَبِاسْمِكَ الَّذِي
يَصْلُحُ بِهِ الْأَوْلُونَ وَالْآخِرُونَ يَا حَيًّا قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ وَ يَا حَيًّا بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ وَ يَا حَيًّا
حِينَ لَا حَيَّ يَا مُحْيِي الْمَوْتَى وَ مُمِيتِ الْأَحْيَاءِ يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ اللَّهُمَّ بَلِّغْ
مَوْلَانَا الْإِمَامَ الْهَادِيَ الْمُهَدِيَّ الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ
الطَّاهِرِينَ عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا
سَهْلِهَا وَ جَبَلِهَا وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا وَ عَنِّي وَ عَنِ وَالِدِي مِنَ الصَّلَوَاتِ زِنَةَ عَرْشِ
اللَّهِ وَ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ وَ مَا أَحْصَاهُ عِلْمُهُ وَ أَحَاطَ بِهِ كِتَابُهُ اللَّهُمَّ إِنِّي أُجَدِّدُ لَهُ فِي
صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا وَ مَا عِشْتُ مِنْ أَيَّامِي عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَيْعَةً لَهُ فِي عُنُقِي
لَا أَحُولُ عَنْهَا وَ لَا أَزُولُ أَبَدًا اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ الذَّاكِرِينَ
عَنْهُ وَ الْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ وَ الْمُتَمَثِّلِينَ لِأَوَامِرِهِ وَ الْمُحَامِلِينَ عَنْهُ
وَ السَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ وَ الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ اللَّهُمَّ إِنْ حَالَ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ
الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي مُؤْتَرًّا
كَفَنِي شَاهِرًا سِنِّي مُجَرِّدًا أَقْنَاتِي مُلَبِّيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَ الْبَادِي اللَّهُمَّ
أَرِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ وَ الْغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ وَ اكْحُلْ نَاطِرِي بِنَظْرَةٍ مَنِي إِلَيْهِ وَ
عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ وَ أَوْسِعْ مَنَهْجَهُ وَ اسْلُكْ بِي مَحَجَّتَهُ وَ أَنْفِذْ أَمْرَهُ وَ
اشْدُدْ أَرْزَهُ وَ اعْمُرِ اللَّهُمَّ بِهِ بِلَادَكَ وَ أَحْيِي بِهِ عِبَادَكَ فَإِنَّكَ قُلْتَ وَ قَوْلُكَ
الْحَقُّ ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ فَأَظْهِرِ اللَّهُمَّ لَنَا

وَلِيِّكَ وَابْنِ بِنْتِ نَبِيِّكَ الْمُسَمَّى بِاسْمِ رَسُولِكَ حَتَّى لَا يَظْفَرَ بِشَيْءٍ مِنْ
 الْبَاطِلِ الْأَمْرَاقَةِ وَ يُحَقِّقَ الْحَقَّ وَ يُحَقِّقَهُ وَ اجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مَفْرَعًا لِظُلُومِ عِبَادِكَ وَ
 نَاصِرًا لِمَنْ لَا يَجِدُ لَهُ نَاصِرًا غَيْرَكَ وَ مُجَدِّدًا لِمَا عَطَّلَ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ وَ
 مُسَيِّدًا لِمَا وَرَدَ مِنْ أَعْلَامِ دِينِكَ وَ سُنَنِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ اجْعَلْهُ
 اللَّهُمَّ مَمَّنْ حَصَّنْتَهُ مِنْ بَأْسِ الْمُعْتَدِينَ اللَّهُمَّ وَ سِرِّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
 وَ آلِهِ بِرُؤْيَيْتِهِ وَ مَنْ تَبِعَهُ عَلَى دَعْوَتِهِ وَ ارْحَمِ اسْتِكَانَتَنَا بَعْدَهُ اللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ
 الْغُمَّةَ عَنِ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِحُضُورِهِ وَ عَجِّلْ لَنَا ظُهُورَهُ إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا وَ نَرِيهِ
 قَرِيبًا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ پس سه مرتبه بر ران راست خود می‌زنی و در هر
 مرتبه می‌گویی الْعَجَلُ الْعَجَلُ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ

ترجمه:

خداوندا، ای پروردگار پرتو جهان افروز، ای پروردگار کرسی بلند پایه، ای پروردگار
 دریای بی پایان و فرود آورنده‌ی تورات و انجیل و زبور، ای پروردگار سایه و گرمای
 سخت و فرود آورنده‌ی قرآن بزرگ، ای پروردگار فرشتگان مقرب و پیامبران و
 فرستادگان. خداوندا، من از تو می‌خواهم به ذات بزرگوار و به نور وجود تابنده و فرمانروایی
 دیرینه‌ات - ای زنده‌ی پاینده - از تو می‌خواهم که آسمان‌ها و زمین‌ها را بدان وجود
 بخشیدی و به نامی که اولین و آخرین عالم را بدان اصلاح کردی، ای زنده‌ی پیش از هر
 زنده و زنده‌ی پس از هر زنده، و ای زنده‌ی هنگامی که احدی زنده نبود، ای زندگی بخش
 مردگان و میراننده‌ی زندگان، ای زنده‌ای که جز تو خدایی نیست؛ خداوندا، بر سرور ما امام
 و رهبر هدایت شده و قیام کننده به فرمان تو - که درود خدا بر او و بر پدران پاکش باد - و بر
 همگی مردان و زنان مؤمن در شرق و غرب عالم و در کوه و دشت و خشکی و دریا و از
 سوی من و پدر و مادرم درود فرست، از درودهایی که معادل عرش خدا و در شمار کلمات

اوست و آن چه علمش و کتاب آفرینش او بر آن احاطه دارد خداوندا، من در این روز و در همگی روزها پیمانم را با او تجدید می‌کنم و هرگز از عهد و بیعت او که برگردن من است، باز نخواهم گشت و پیوسته بر آن پا بر جا خواهم بود. خداوندا، مرا از یاران و هواخواهان او و از کسانی که مدافع او خواهند بود قرار ده؛ آنان که اوامر او را به سرعت انجام می‌دهند و از او حمایت می‌کنند و مشتاقانه بر دلبستگی بدو پیشی می‌گیرند و در کنار او شهید می‌گردند. خداوندا، اگر میان من و او، مرگ که برای همه‌ی بندگان قرار داده‌ای، جدایی افکند، پس مرا از گورم در حالی که کفنم را برگردن افکنده و شمشیرم را از نیام برکشیده‌ام و نیزه‌ام را در دست گرفته و دعوت او را در همه جا اجابت کرده‌ام، برانگیز. خداوندا، آن چهره‌ی زیبای رشید را به من بنمای و از پرده‌ی غیب آشکار کن و دیده‌ام را روشن فرما و فرج آن حضرت را نزدیک و خروجش را آسان کن و مرا در سلک رهروان او قرار داده و فرمانش را نافذ گردان و سپاهیانش را پشتیبان باش. خداوندا، سرزمین‌های خود را به وجود او آباد گردان و بندگان را به خاطر او زنده کن، زیرا تو گفته‌ای و سخت حق است: «خشکی و دریا را فساد فرا گرفته به سبب کارهایی که مردمان کرده‌اند». پس خداوندا، ولی خود و پسر دختر پیامبرت را که همان رسول تو است بر ما آشکار کن، تا بر فساد پیروزی یابد و آن را نابود کند و حق را ثابت گرداند. پس خداوندا، او را پناهگاه بندگان ستمدیده‌ات و یاری دهنده‌ی کسی که جز تو یآوری ندارد، قرار ده و به وجود او احکام قرآن را که تعطیل شده برقرار کن و او را بر پا دارنده‌ی آن چه از نشانه‌های دینت و سنت‌های پیامبرت - که درود خدا بر او و خاندانش باد - قرار ده. خداوندا، او را از کسانی قرار ده که محفوظ داشتنی از هجوم و فتنه‌ی تجاوزگران. خداوندا، پیامبرت محمد را - که درود خدا بر او و خاندانش باد - و آن‌ها که دعوتش را پذیرفته‌اند، به دیدار او خشنود فرما و بر پریشانی ما رحمت آور. خداوندا، این غم جانکاه را با ظهور آن حضرت از دل این امت برطرف کن و به ظهورش تعجیل فرما؛ زیرا گروهی ظهور او را بعید دانند در حالی که ما آن را قریب و حتمی می‌دانیم. ای خدای مهربان و مهربان‌ترین مهربانان،

به رحمت خود دعای ما را مستجاب فرما.

شتاب فرما، شتاب فرما؛ ای مولای من، ای صاحب الزمان. (۱)

شرح و توضیح دعای عهد

نکاتی که می‌توان از دعای عهد به دست آورد عبارتند از:

- ۱ - قسمت اول دعا با بیان صفاتی از صفات الهی بینش توحیدی، انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.
- ۲ - ما با فرستادن صلوات و درود به حضرت صاحب الامر به عرش خدا و شمار کلمات و دانش خداوندی، ارادت و اخلاص و توجه خود را به وجود مقدس آن حضرت بیشتر می‌کنیم.
- ۳ - از اهدای صلوات‌ها می‌فهمیم جایگاه و شخصیت امام زمان (عج) چقدر بالا است که باید این چنین با حضرتش سخن گفت. از این رو، تواضع و فروتنی انسان را در مقابل آن وجود مقدس در این دعا مشاهده می‌کنیم.
- ۴ - پس از درک اجمالی از وجود عالی مقام آن حضرت (عج) متعهد می‌شویم که با ارادتی قلبی با ایشان پیمان ببندیم که ان شاء الله مطیع فرمانش باشیم.
- ۵ - از خداوند تبارک و تعالی می‌خواهیم که ما را از اصحاب و یاران و مدافعان و حامیان و شهیدان در رکابش قرار دهد. و در این راه و طریق سعی کنیم از دیگران سبقت بگیریم.
- ۶ - از آن جا که مرگ یک امر حتمی است و بالاخره هر یک از ما روزی آن را خواهیم چشید، اما با وجود فنا و مرگ، امید یاری آن حضرت را از دست نمی‌دهیم و از خدا می‌خواهیم که ما را پس از مرگ زنده گرداند تا در رکابش جزء اصحابش باشیم. (ان شاء الله)

۱ - ترجمه دعای عهد از مصباح المنیر مشکینی و ترجمه بقیه‌ی دعاها از مفاتیح الجنان مرحوم حاج شیخ عباس قمی با ترجمه‌ی کامل متن و حاشیه.

- ۷ - شیعه و منتظر واقعی کسی است که همیشه آمادگی رزمی و دفاعی را باید در هر عصر و زمانی داشته باشد تا به محض وقوع ظهور بتواند از امام علیهم السلام دفاع کند.
- ۸ - لحظه‌ای چهره‌ی دلربا و روشن و نورانی حضرت برای ما ترسیم می‌شود و شعله‌ی آتش دیدارش را در دل انسان شعله‌ور می‌کند.
- ۹ - منتظر واقعی کسی است که باید در خط دین و شریعت اسلامی ثابت قدم بماند و لحظه‌ای از صراط مستقیم نلغزد و اگر برایش به لحاظ هواها و نفسانیات لغزشی پیش آمد، از خدا یاری طلبد و اراده‌ی بازگشت کند.
- ۱۰ - در این دعا تصویری از زمان بعد از ظهور نشان داده می‌شود و آن این که پس از ظهور شهرها آباد می‌شود، انسان‌ها از دلمردگی و کسلی و اضطراب‌های روحی و روانی نجات می‌یابند و حق به دست آن حضرت در جوامع بشری تحقق عملی به خود می‌گیرد. انسان‌های ستم‌دیده احساس بی‌پناهی نمی‌کنند و پناه و ملجاء خود را که وجود نازنین امام عصر (عج) است می‌یابند. احکام الهی که به علت جهالت‌ها و بی‌کفایتی‌ها و نبود زمینه‌ی مناسب به اجرا در نیامده، به دست آن حجت الهی جامه‌ی عمل می‌پوشد و جهان از بی‌قانونی و بی‌عدالتی نجات می‌یابد. روش غلط بشری که دارای نواقص بی‌شماری است منسوخ و راه و روش انبیای الهی جایگزین می‌شود.
- ۱۱ - با خواندن این دعا روحیه‌ی انتظار را در ما تقویت می‌شود و امید به آینده‌ای روشن، امید به زندگی را در ما روز افزون می‌کند.

۲ - زیارت امام زمان بعد از نماز صبح

زیارتی است که هر روز بعد از نماز صبح مولای ما صاحب الزمان علیه السلام را می‌توان با آن زیارت کرد و آن زیارت این است:

اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَايَ صَاحِبَ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ
وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا وَ سَهْلِهَا وَ جَبَلِهَا

حَيِّهِمْ وَ مَيِّتِهِمْ وَ عَنْ وَالِدَيَّْ وَ وُلْدِي وَ عَنِّي مِنَ الصَّلَوَاتِ وَ التَّحِيَّاتِ زِنَةً
عَرْشِ اللَّهِ وَ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ وَ مُنْتَهَى رِضَاهُ وَ عَدَدَ مَا أَحْصَاهُ كِتَابُهُ وَ أَحَاطَ بِهِ
عِلْمُهُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُّدُ لَهُ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَ فِي كُلِّ يَوْمٍ عَهْدًا أَوْ عَقْدًا وَ بَيْعَةً فِي
رَقَبَتِي اللَّهُمَّ كَمَا شَرَّفْتَنِي بِهَذَا التَّشْرِيفِ وَ فَضَّلْتَنِي بِهَذِهِ الْفَضِيلَةِ وَ خَصَّصْتَنِي
بِهَذِهِ النُّعْمَةِ فَصَلِّ عَلَى مَوْلَايَ وَ سَيِّدِي صَاحِبِ الزَّمَانِ وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ
وَ أَشْيَاعِهِ وَ الذَّآبِينَ عَنْهُ وَ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُشْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ طَائِعًا غَيْرَ مُكْرَهٍ
فِي الصَّفِّ الَّذِي نَعَتَّ أَهْلَهُ فِي كِتَابِكَ فَقُلْتَ صَفًّا؛ كَانَهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ عَلَى
طَاعَتِكَ وَ طَاعَةِ رَسُولِكَ وَ إِلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ اللَّهُمَّ هَذِهِ بَيْعَةٌ لَهُ فِي عُنُقِي
إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

ترجمه:

خدایا، برسان به مولایم صاحب الزمان صلوات الله علیه از جمیع مؤمنین و مؤمنات در
مشرق و مغرب زمین و صحراها و دریاها و دشتها و کوهها از زنده و مرده‌ی آنان و از
والدین و فرزندان من و از طرف خودم درودها و تحیات‌هایی به وزن عرش خدا و شمارهی
کلماتش و نهایت رضامندی و به عدد آن چه در کتاب آفرینش او به شمار آمده و فراگرفته
علمش. خدایا، من تجدید می‌کنم برایش در این روز و در هر روز عهد و عقد و بیعتی بر
کردن خود. خدایا، چنانچه شرافتمندم کردی به این شرافت و فضیلتی دادی به این فضیلت و
مخصوصم کردی به این نعمت پس رحمت فرست بر مولایم و سیدم صاحب الزمان و مرا از
انصارش گردان و همراهانش و دفاع‌کنندگان از او و قرار ده مرا از شهیدان در پیش رویش از
روی میل و دلخواه بدون اکراه در صفی که ستوده‌ای اهل آن را در کتاب خود و فرمودی
صفی چون بنیاد درهم پیوسته‌گویی به مانند سد آهن ایستاده‌اند به طاعت رسول تو و
خاندانش علیهم السلام خدایا این بیعت او در گردن من است تا روز قیامت.

توضیح زیارت صبحگاهی حضرت صاحب الامر (عج)

این زیارت که خوب است هر روز صبح بعد از نماز صبح آن را بخوانیم، با خواندن این زیارت کوتاه هم ارادت خود را به آن حضرت ابراز می‌کنیم و هم روحیه‌ی انتظار را در خود زنده نگه می‌داریم و هم تجدید عهد و پیمانی است که ما را در تزکیه‌ی نفس یاری می‌کند و این که همیشه مواظب خود باشیم و با مراقبه خود را از خطر لغزش‌ها محفوظ بداریم.

روحیه‌ی جهاد و شهادت‌طلبی را در ما زنده نگه می‌دارد و این که از خدا بخواهیم ما را در صف یاران و اصحاب آن حضرت قرار دهد. و همچنین سعی کنیم با اطاعت فرامین و اوامر الهی خود را بسازیم تا لیاقت یاری‌اش را پیدا کنیم.

۳- دعای فرج حضرت حجة (عج)

کفعمی در بلدالأمین فرمود این دعای حضرت صاحب الامر علیه السلام است که تعلیم فرمود آن را به شخصی که محبوس بود، پس خلاص شد.

إِلٰهِ عَظْمِ الْبَلَاءِ وَ بَرِحِ الْخَفَاءِ وَ انْكَشَفِ الْغَطَاءِ وَ انْقَطَعَ الرَّجَاءُ وَ ضَاقَتِ
الْأَرْضُ وَ مُنِعَتِ السَّمَاءُ وَ أَنْتَ الْمُسْتَعَانُ وَ إِلَيْكَ الْمَشْتَكِي وَ عَلَيْكَ الْمَعْوَلُ
فِي الشَّدَّةِ وَ الرَّخَاءِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أُولِي الْأَمْرِ الَّذِينَ فَرَضْتَ
عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ وَ عَرَفْتَنَا بِذَلِكَ مَنَزِلَتَهُمْ فَفَرِّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ فَرَجًا عَاجِلًا قَرِيبًا
كَلِمَحِ الْبَصْرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ اكْفِيَانِي فَإِنَّكُمَا كَافِيَانِ
وَ انصُرَانِي فَإِنَّكُمَا نَاصِرَانِ يَا مَوْلَانَا يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ الْغَوْثَ الْغَوْثَ الْغَوْثَ
أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي السَّاعَةَ السَّاعَةَ السَّاعَةَ الْعَجَلَ الْعَجَلَ الْعَجَلَ يَا
أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ.

ترجمه:

خدایا، بزرگ شد گرفتاری و راز پنهان ظاهر شد برداشته شد پرده و بریده شد امید و تنگ شد پهنای زمین و دریغ کرد آسمان و تو کمک بخشی و شکایت پذیر و بر توست اعتماد در سخت و هموار. بار خدایا، رحمت فرست بر محمد و آل محمد و صاحبان آنها پس گشایش ده بر ما اطاعت آنها را و شناساندی بدین مقام آنها را پس گشایش ده بر ما به حق گشایش نزدیکی چون چشم به هم زدن یا نزدیک تر ای محمد ای علی ای علی ای محمد کفایت کنید مرا زیرا شما کافی هستید و یاری ام کنید زیرا شما یاوران منید. ای مولای ما ای صاحب الزمان به فریاد رس به فریاد رس. مرا دریاب مرا دریاب مرا دریاب هم اکنون هم اکنون هم اکنون با شتاب با شتاب با شتاب ای ارحم الراحمین به حق محمد و آل پاکش.

شرح دعای الهی عظم البلاء و برح الخفا (فرج)

با تأمل در دعای فوق این را در می یابیم که در عرصه‌ی زندگی چون با مشکلات و پیچ و خم‌هایی برخورد می‌کنیم برای حل آنها باید به یک قدرت که واسطه‌ی بین ما و خداوند است متوسل شویم تا با وساطت آن بتوانیم نیروی لازم را برای حل مشکلات پیدا کنیم و بر آنها چیره و پیروز شویم.

دعای اللهم ارزقنا توفیق الطاعة

و نیز کفعمی در «مصباح» فرمود، این دعای حضرت مهدی صلوات الله علیه است:

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ وَ بَعْدَ الْمَعْصِيَةِ وَ صِدْقَ النَّبِيِّ وَ عِرْفَانَ الْحُرْمَةِ وَ اَكْرَمَنَا بِالْهُدَى وَ الْاِسْتِقَامَةَ وَ سَدِّدْ اَلْسِنَتَنَا بِالصَّوَابِ وَ الْحِكْمَةَ وَ اَمَلْ اَقْلُوبَنَا بِالْعِلْمِ وَ الْمَعْرِفَةِ وَ طَهِّرْ بَطُونَنَا مِنَ الْحَرَامِ وَ الشُّبْهَةِ وَ اكْفُفْ اَيْدِيَنَا عَنِ الظُّلْمِ وَ السَّرِقَةِ وَ اغْضُضْ اَبْصَارَنَا عَنِ الْفُجُورِ وَ الْخِيَانَةِ وَ اَسَدِّدْ اَسْمَاعَنَا عَنِ اللَّغْوِ وَ الْغَيْبَةِ وَ تَفَضَّلْ عَلَيَّ عَلَمَانِيَا بِالزُّهْدِ وَ النَّصِيحَةِ وَ عَلَيَّ الْمُتَعَلِّمِينَ بِالْجُهْدِ

وَالرَّغْبَةَ وَ عَلَى الْمُسْتَمِعِينَ بِالِاتِّبَاعِ وَالْمَوْعِظَةَ وَ عَلَى مَرْضَى الْمُسْلِمِينَ
بِالشِّفَاءِ وَالرَّاحَةَ وَ عَلَى مَوْتَاهُمْ بِالرَّأْفَةِ وَالرَّحْمَةَ وَ عَلَى مَشَائِخِنَا بِالْوَقَارِ
وَالسَّكِينَةَ وَ عَلَى الشُّبَابِ بِالْإِنَابَةِ وَالتَّوْبَةِ وَ عَلَى النِّسَاءِ بِالْحَيَاءِ وَالْعِفَّةِ وَ
عَلَى الْأَغْنِيَاءِ بِالتَّوَاضِعِ وَالسَّعَةِ وَ عَلَى الْفُقَرَاءِ بِالصَّبْرِ وَ الْقَنَاعَةِ وَ عَلَى الْعُزَاةِ
بِالنَّصْرِ وَ الْعَلْبَةِ وَ عَلَى الْأَسْرَاءِ بِالْمَخْلَاصِ وَ الرَّاحَةَ وَ عَلَى الْأَمْرَاءِ بِالْعَدْلِ وَ
الشَّفَقَةِ وَ عَلَى الرَّعِيَّةِ بِالْإِنْصَافِ وَ حُسْنِ السَّيْرِ وَ بَارِكْ لِلْحُجَّاجِ وَ الزُّوَّارِ
فِي الزَّادِ وَ النَّفَقَةِ وَ اقْضِ مَا أَوْجَبْتَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْحَجِّ وَ الْعُمْرَةِ بِفَضْلِكَ وَ
رَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

ترجمه:

بارالها، روزی ما کن توفیق اطاعت و دوری از گناه و صدق و صفا در نیت و شناختن آن
چه حرمتش لازم است و گرامی دار ما را با هدایت شدن و استقامت و استوار کن زبان های ما
را به درست گویی و حکمت و لبریز کن دل های ما را از دانش و معرفت و پاک کن اندرون
ما را از غذای حرام و شبهه ناک و باز دار دست های ما را از ستم و دزدی و بپوشان چشمان
ما را از هرزگی و خیانت و ببند گوش های ما را از شنیدن سخنان بیهوده و غیبت و تفضل فرما
بر علمای ما به پارسایی و خیرخواهی کردن و بر دانش آموزان به کوشش و شوق بر
شنوندگان به پیروی کردن و پند گرفتن و بر بیماران به بهبود یافتن و آسودگی و بر مردگان
آن ها به عطف و مهربانی کردن و بر پیران ما وقار و سنگینی و بر جوانان به بازگشت و توبه
و بر زنان به شرم و عفت و بر توانگران به فروتنی و بخشش و بر مستمندان به شکیبایی و
قناعت و بر پیکار کنندگان به یاری و پیروزی و بر اسیران به رهایی یافتن و آسودگی و بر
زامداران به عدالت داشتن و دلسوزی بر ملت به انصاف و خوش رفتاری و برکت ده برای
حاجیان و زائران در توشه و خرجی و به انجام رسان آن چه را بر ایشان واجب کردی از
اعمال حج و عمره با فضل و رحمت خودت ای مهربان ترین مهربانان.

شرح دعای اللهم ارزقنا توفیق الطاعة

با خواندن این دعا درس‌های زیر را می‌آموزیم:

- ۱ - همیشه سعی می‌کنیم در طاعت خدا باشیم.
- ۲ - از معاصی و گناهان پرهیز و دوری می‌کنیم.
- ۳ - سعی می‌کنیم نیات خود را در کارها پاک و خالصانه برای رضای خدا قرار دهیم. و از ریا، شرک و... دوری کنیم.
- ۴ - در شناخت حرمت‌های الهی کوشا باشیم.
- ۵ - در راه صراط مستقیم از خدا هدایت جوییم و در این راه استقامت ورزیم.
- ۶ - زبان خود را برای بیان راستی و سخنان حکمت‌آمیز باز کنیم.
- ۷ - قلوب خود را به چراغ دانش و معرفت الهی روشن نگاه داریم.
- ۸ - شکم‌های خود را از خوراکی‌های حرام و شبهه‌ناک به دور داریم.
- ۹ - در حفظ اعضا و جوارح مان آن‌چنان بکوشیم که دست‌های مان را از خیانت و چشم‌های مان را از نگاه حرام و گوش‌هایمان را از شنیدن سخنان لغو و بیهوده و غیبت محفوظ نگاه داریم.
- ۱۰ - علمای امت باید با زهد به دنیا و مطامع آن پشت پا بزنند و نصیحت امت را به عنوان یک خیرخواه و وظیفه‌ی خود بدانند.
- ۱۱ - دانش پژوهان و دانش‌آموزان باید در فراگرفتن علوم و دانش جهد و کوشش را پیشه‌ی خود کنند.
- ۱۲ - مخاطبین و مستمعین در مجالس و خطابه‌ی علما شرکت کنند و از سخنان آن بهره‌گیرند.
- ۱۳ - مردان و زنان پیر و کهنسال باید وقار و متانت را پیشه‌ی زندگی خود کنند و از اعمال سخیف و سبک که شخصیت آن‌ها را تهدید می‌کند پرهیزند.
- ۱۴ - جوانان با انجام گناهانی نباید مأیوس باشند و بدانند که در توبه همیشه باز است و با توبه خویش را به خدا نزدیک کنند.

- ۱۵ - زنان مسلمان باید حیا و عفت را سرلوحه‌ی زندگی خود قرار دهند.
- ۱۶ - انسان‌های غنی باید تواضع و فروتنی را سرمشق خود قرار دهند و از بخشش و انفاق در راه خدا کوتاهی نکنند.
- ۱۷ - فقیران باید عزت نفس خود را از بین نبرند، بلکه با صبر و شکیبایی و قناعت با آن مدارا کنند و با سعی و تلاش مشکلات خود را بکاهند.
- ۱۸ - حاکمان حکومت اسلامی باید اساس کار خود را اقامه‌ی عدل و بسط و گسترش عدالت در جامعه قرار دهند.
- ۱۹ - در حکومت اسلامی وظیفه‌ی رعیت وفاداری و خوش رفتاری با حاکمان حکومت اسلامی است.
- ۲۰ - دوستداران آن حضرت باید حج و عمره را در برنامه‌های خود قرار دهند که از امور مهم اسلام است.

۴- زیارت روز جمعه

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي يَهْتَدِي بِهِ الْمُهْتَدُونَ وَيُفْرَجُ بِهِ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ
السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُهَذَّبُ الْخَائِفُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَلِيُّ النَّاصِحُ السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا سَفِينَةَ النَّجَاةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ الْحَيَاةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ صَلَّى
اللَّهُ عَلَيْكَ وَ عَلَى آلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ عَجَّلَ اللَّهُ
لَكَ مَا وَعَدَكَ مِنَ النَّصْرِ وَ ظُهُورِ الْأَمْرِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ أَنَا
مَوْلَاكَ عَارِفٌ بِأَوْلِيكَ وَ أُخْرِيكَ أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِكَ وَ بِآلِ بَيْتِكَ
وَ أَنْتَظِرُ ظُهُورَكَ وَ ظُهُورَ الْحَقِّ عَلَى يَدَيْكَ وَ أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ يُجْعَلَ لِي مِنَ الْمُتَظَرِّبِينَ لَكَ وَ التَّابِعِينَ وَ النَّاصِرِينَ لَكَ عَلَى

أَعْدَائِكَ وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْكَ فِي جُمْلَةِ أَوْلِيَائِكَ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ
الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَ عَلَى آلِ بَيْتِكَ هَذَا يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَ هُوَ يَوْمُكَ
الْمُتَوَقَّعِ فِيهِ ظُهُورُكَ وَالْفَرَجُ فِيهِ لِلْمُؤْمِنِينَ عَلَى يَدَيْكَ وَ قَتْلُ الْكَافِرِينَ
بِسَيْفِكَ وَ أَنَا يَا مَوْلَايَ فِيهِ ضَيْفُكَ وَ جَارُكَ وَ أَنْتَ يَا مَوْلَايَ كَرِيمٌ مِنْ
أَوْلَادِ الْكِرَامِ وَ مَأْمُورٌ بِالضِّيَافَةِ وَ الْأَجَارَةِ فَأَضِيفْنِي وَ أَجِرْنِي صَلَوَاتُ اللَّهِ
عَلَيْكَ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّاهِرِينَ .

ترجمه:

سلام بر تو ای حجت خدا در روی زمین. سلام بر تو ای دیده‌ی خدا در بندگان او. سلام
بر تو ای نور خدا که هدایت شوند به آن هدایت یافتگان و گشایش بر مؤمنان. سلام بر تو ای
پاکیزه‌ی ترسان. سلام بر تو ای ولی نصیحت کننده. سلام بر تو ای کشتی نجات. سلام بر تو
ای چشمه‌ی حیات. سلام بر تو و رحمت خدا بر تو و بر خاندان پاک و پاکیزه‌ات. سلام بر تو
بشتابد خدا بر تو آن چه را که وعده کرده تو را از نصرت و ظهور امر امامت. سلام بر تو ای
آقای من، من دوستدار توام آشنایم به ابتدا و انتهای شما. نزدیکی می‌جویم به سوی خدای
تعالی از طریق تو و آل بیت تو و انتظار ظهور تو را دارم و آشکار شدن حق به دست توست
و از خدا می‌خواهیم رحمت فرستد بر محمد و آل محمد و این که قرار دهد مرا از منتظرین
تو و پیروان و یاران تو و علیه دشمنانت و شهیدان در پیشت و از جمله‌ی دوستانت ای آقای
من ای صاحب الزمان رحمت‌های خدا بر تو و بر آل بیت. تو این روز جمعه است و آن روز
تو است که در آن ظهورت و فرجت انتظار می‌رود برای مؤمنین به دست تو و کشتن کافران
به شمشیرت و من ای مولایم در آن مهمان تو و پناهنده‌ی توام و تو ای آقایم کریم و
کریم‌زاده‌ای و مأموری به پذیرایی و نگه‌داری. پس مهمانم کن و پناهم ده. رحمت‌های
خدا بر تو و بر اهل بیت تو که پاکیزه‌اند.

شرح و توضیح زیارت روز جمعه

دعایی که از ائمه‌ی معصومین (ع) رسیده است، علاوه بر این که وسیله‌ی ارتباط با خدا و سخن گفتن با او هستند، درس‌هایی هم به ما می‌دهند.

درس‌هایی که می‌توان از دعای روز جمعه گرفت عبارتند از:

- ۱ - تنها حجت خدا روی زمین وجود مقدس حضرت ولی عصر (عج) است.
- ۲ - امام زمان (عج) کسی است که به عنوان عَيْنَ اللَّهِ ناظر و شاهد بر اعمال انسان‌ها و مؤمنین است. شهادت و نظارت اهل بیت و هر امام زمانی در هر عصر و زمانی از موضوعاتی است که قرآن مجید هم به آنان اذعان دارد. بر اساس آیات قرآنی در روز حساب شاهدان و گواهانی بر اعمال و کرده‌های انسان‌ها در پیشگاه خداوندی شهادت می‌دهند که یکی از آن‌ها امامان و پیامبران هستند. «پیامبران و شاهدان آورده شوند و میان مردم به حق حکم شود و به هیچ کس ابدأ ستم روا داشته نشود»^(۱) در زیارت جامعه‌ی کبیر هم به این موضوع اشاره شده است. آن جا که ما خطاب به معصومین (علیهم‌السلام) می‌گوییم و شُهَدَاءَ عَلِي خَلْقِهِ (گواهان بر خلقش).

نتیجه‌ای که از این عبارت می‌گیریم این است که باید مواظب اعمال خود باشیم و در محضر آن حضرت اعمالی انجام ندهیم که در قیامت شرمنده باشیم.

- ۳ - امام زمان (عج) مانند نوری است که خداوند برای هدایت خلق او را در پرده‌ی غیبت حفظ فرموده و هر کس به او توسل جوید، حضرت او را هدایت می‌کند. او را از سختی‌ها و مشکلات مادی و معنوی نجاتش می‌دهد.

- ۴ - امام زمان (عج) شخصیتی است پاک و خائف از خدا و کسانی که بخواهند در خط حضرتش باشند باید این صفات را در خویش ایجاد کنند.

- ۵ - امام زمان (عج) دوست خیرخواهی است که مانند و نظیری ندارد.

- ۶ - امام زمان (عج) چشمه‌ی حیاتی است که اگر کسی به ایشان رو آورد و از چشمه‌ی

معرفت ایشان سیراب شود، به آب حیات دست می‌یابد و حیات جاودانه پیدا می‌کند که با مرگ ظاهری هم از بین نخواهد رفت.

۷- ظهور حضرتش امری حتمی است.

۸- اظهار ارادت به ساحت قدسی آن حضرت و این که ما وابسته‌ی به او هستیم.

۹- شرط نزدیک شدن به خدا توسل جستن به امام زمان (عج) است.

۱۰- حق در عالم بشریت تنها به دست آن یگانه‌ی عدالت گستر احقاق می‌شود.

۱۱- ما باید همیشه از خدا این را بخواهیم که ما را از منتظران و پیروان و یاران آن

حضرت قرار دهد و در راه رسیدن به این منظور با تلاش و جهد و یسرگی منتظران را در خویش ایجاد کنیم.

۱۲- روز جمعه مخصوص آن حضرت است و ما در این روز میهمان ایشان هستیم.

پس باید سعی کنیم با ادب بیشتر حرمت میزبان را نگه داریم تا او هم از ما به خوبی پذیرایی کند.

۵- دعا در غیبت امام زمان (عج)

به سند معتبر مروی است که شیخ ابو عمر و نائب اول امام عصر صلوات الله علیه این دعا را املاء فرمود به ابوعلی محمد بن همام و امر فرمود او را که آن را بخواند و سید بن طاوس در جمال الاسبوع بعد از ذکر دعاهای وارده بعد از نماز عصر جمعه و صلوات کبیره این دعا را ذکر فرموده اگر برای تو عذری باشد از جمیع آن چه ذکر کردیم پس حذر کن از آن که مهمل گذاری خواندن این دعا را پس به درستی که ما شناختیم این را از فضل خداوند جلّ جلاله که مخصوص فرموده ما را به آن پس اعتماد کن به آن و آن دعا این است:

اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنَّمَا تُعَرِّفُنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ اللَّهُمَّ
عَرَّفَنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنَّمَا تُعَرِّفُنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي
حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنَّمَا تُعَرِّفُنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي اللَّهُمَّ لَا تُمِثْنِي مِثَّةَ

جاهليَّةً وَ لَا تُزِعْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي اللَّهُمَّ فَكَمَا هَدَيْتَنِي لِوِلَايَةِ مَنْ فَرَضْتَ
 عَلَيَّ طَاعَتَهُ مِنْ وِلَايَةِ وُلَاةِ أَمْرِكَ بَعْدَ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ حَتَّى
 وَ الْيَتِّ وُلَاةِ أَمْرِكَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ عَلِيًّا
 وَ مُحَمَّدًا وَ جَعْفَرًا وَ مُوسَى وَ عَلِيًّا وَ مُحَمَّدًا وَ عَلِيًّا وَ الْحَسَنَ وَ الْحُجَّةَ الْقَائِمَ
 الْمَهْدِيَّ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ اللَّهُمَّ فَثَبِّتْنِي عَلَى دِينِكَ وَ سَتَعْمَلْنِي
 بِطَاعَتِكَ وَ لِيَنَّ قَلْبِي لِوَلِيِّ أَمْرِكَ وَ عَافِنِي مِمَّا امْتَحَنْتَ بِهِ خَلْقَكَ وَ ثَبِّتْنِي عَلَى
 طَاعَةِ وَلِيِّ أَمْرِكَ الَّذِي سَتَرْتَهُ عَنْ خَلْقِكَ وَ بَادَنْتَ غَابَ عَنْ بَرِيَّتِكَ وَ
 أَمْرَكَ يَنْتَظِرُ وَ أَنْتَ الْعَالِمُ غَيْرُ الْمَعْلَمِ بِالْوَقْتِ الَّذِي فِيهِ صَلَاحُ أَمْرٍ وَ لِيَّكَ فِي
 الْأُذُنِ لَهُ بِإِظْهَارِ أَمْرِهِ وَ كَشْفِ سِتْرِهِ فَصَبَّرْنِي عَلَى ذَلِكَ حَتَّى لَا أَحِبَّ تَعْجِيلَ
 مَا أَخْرَتْ وَ لَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلَتْ وَ لَا كَشْفَ مَا سَتَرْتَ وَ لَا أَلْبَحْثَ عَمَّا كَتَمْتَ وَ
 لَا أَنْزَاعَكَ فِي تَدْبِيرِكَ وَ لَا أَقُولَ لِمَ وَ كَيْفَ وَ مَا بَالُ وَلِيِّ الْأَمْرِ لَا يَظْهَرُ وَ
 قَدِ امْتَلَأَتِ الْأَرْضُ مِنَ الْجَوْرِ وَ أُفَوِّضُ أُمُورِي كُلَّهَا إِلَيْكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
 أَنْ تُرِينِي وِلِيَّ أَمْرِكَ ظَاهِرًا نَافِذَ الْأَمْرِ مَعَ عِلْمِي بِأَنَّ لَكَ السُّلْطَانَ وَ الْقُدْرَةَ
 وَ الْبُرْهَانَ وَ الْحُجَّةَ وَ الْمَشِيَّةَ وَ الْحَوْلَ وَ الْقُوَّةَ فَافْعَلْ ذَلِكَ بِي وَ بِجَمِيعِ
 الْمُؤْمِنِينَ حَتَّى نَنْظُرَ إِلَى وَلِيِّ أَمْرِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ ظَاهِرِ الْمَقَالَةِ وَاضِحِ
 الدَّلَالَةِ هَادِيًا مِنَ الضَّلَالَةِ شَافِيًا مِنَ الْجَهَالَةِ ائْبِرْ يَا رَبِّ مُشَاهَدَتَهُ وَ ثَبِّتْ
 قَوَاعِدَهُ وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ تَقَرُّ عَيْنُهُ بِرُؤْيَيْتِهِ وَ أَقْمِنَا بِخِدْمَتِهِ وَ تَوَقَّفْنَا عَلَى مِلَّتِهِ
 وَ احْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ اللَّهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ مَا خَلَقْتَ وَ ذَرَاتٍ وَ بَرَاتٍ
 وَ أَنْشَاتٍ وَ صَوْرَتٍ وَ احْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ
 شِمَالِهِ وَ مِنْ فَوْقِهِ وَ مِنْ تَحْتِهِ بِحِفْظِكَ الَّذِي لَا يَضِيعُ مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ وَ احْفَظْ

فِيهِ رَسُولِكَ وَوَصِيِّ رَسُولِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ اللَّهُمَّ وَمُدِّي فِي عُمُرِهِ وَزِدْ
 فِي أَجَلِهِ وَاعِنَهُ عَلَى مَا وَرَيْتَهُ وَاسْتَرْعَيْتَهُ وَزِدْ فِي كَرَامَتِكَ لَهُ فَإِنَّهُ الْهَادِي
 الْمُهْدِي وَالْقَائِمُ الْمُهْتَدِي وَالطَّاهِرُ النَّقِيُّ الزَّكِيُّ النَّقِيُّ الرَّضِيُّ الْمَرْضِيُّ الصَّابِرُ
 الشَّكُورُ الْمُجْتَمِدُ اللَّهُمَّ وَلَا تَسْلُبْنَا الْيَقِينَ لِطَوْلِ الْأَمَدِ فِي غَيْبَتِهِ وَانْقِطَاعِ خَبَرِهِ
 عَنَّا وَلَا تُنْسِنَا ذِكْرَهُ وَانْتِظَارَهُ وَالْإِيمَانَ بِهِ وَقُوَّةَ الْيَقِينِ فِي ظُهُورِهِ وَالدُّعَاءَ
 لَهُ وَالصَّلَاةَ عَلَيْهِ حَتَّى لَا يُقْنَطْنَا طَوْلُ غَيْبَتِهِ مِنْ قِيَامِهِ وَيَكُونَ يَاقِينُنَا فِي
 ذَلِكَ كَيَقِينُنَا فِي قِيَامِ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ مَا جَاءَ بِهِ مِنْ وَحْيِكَ
 وَ تَزْيِيلِكَ فَقَوِّ قُلُوبَنَا عَلَى الْإِيمَانِ بِهِ حَتَّى تَسْلُكَ بِنَا عَلَى يَدَيْهِ مِنْهَاجَ الْهُدَى
 وَالْمُحَجَّةَ الْعُظْمَى وَالطَّرِيقَةَ الْوَسْطَى وَقَوِّنَا عَلَى طَاعَتِهِ وَتَبَتُّنَا عَلَى مُتَابَعَتِهِ
 وَاجْعَلْنَا فِي حِزْبِهِ وَاعْوَانِهِ وَأَنْصَارِهِ وَالرَّاضِينَ بِفِعْلِهِ وَلَا تَسْلُبْنَا ذَلِكَ فِي
 حَيَاتِنَا وَلَا عِنْدَ وَفَاتِنَا حَتَّى تَتَوَفَّانَا وَنَحْنُ عَلَى ذَلِكَ لِشَاكِينَ وَ لَا نَاكِثِينَ وَ
 لَا مُرْتَابِينَ وَ لَا مُكَذِّبِينَ اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ أَيْدُهُ بِالنَّصْرِ وَانصُرْنَا صِرِيهَ وَ
 اخْذُلْ خَاذِلِيهَ وَ دَمْدِمْ عَلَى مَنْ نَصَبَ لَهُ وَ كَذَّبَ بِهِ وَ أَظْهَرَ بِهِ الْحَقَّ وَ أَمَّتْ بِهِ
 الْجَوْرَ وَ اسْتَنْقَذْ بِهِ عِبَادَكَ الْمُؤْمِنِينَ مِنَ الذُّلِّ وَ انْعَشْ بِهِ الْبِلَادَ وَ اقْتُلْ بِهِ
 جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ وَ اقْصِمْ بِهِ رُؤُسَ الضَّلَالَةِ وَ ذَلِّلْ بِهِ الْجَبَّارِينَ وَ الْكَافِرِينَ وَ أَبْرِ
 بِهِ الْمُنَافِقِينَ وَ النَّاكِثِينَ وَ جَمِيعَ الْمُخَالِفِينَ وَ الْمَلْحِدِينَ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ
 مَغَارِبِهَا وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا وَ سَهْلِهَا وَ جَبَلِهَا حَتَّى لَا تَدَعَ مِنْهُمْ دِيَاراً وَ لَا تُبْقِ
 هُمْ أَثَاراً طَهَّرْ مِنْهُمْ بِلَادَكَ وَ اشْفِ مِنْهُمْ صُدُورَ عِيَادِكَ وَ حَدِّدْ بِهِ مَا امْتَحَى
 مِنْ دِينِكَ وَ أَصْلِحْ بِهِ مَا بُدِّلَ مِنْ حُكْمِكَ وَ غَيِّرْ مِنْ سُنَّتِكَ حَتَّى يَعُودَ
 دِينُكَ بِهِ وَ عَلَى يَدَيْهِ غَضًّا جَدِيداً صَاحِحاً لَا عِوَجَ فِيهِ وَ لَا بِدْعَةَ مَعَهُ حَتَّى

تُطْفِئُ بِعَدْلِهِ نيرانَ الكافرينَ فإنه عَبْدُكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ
وَأَرْتَضِيْتَهُ لِنَصْرِ دِينِكَ وَاصْطَفَيْتَهُ بِعِلْمِكَ وَعَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ وَبَرَّاتَهُ
مِنَ الْعُيُوبِ أَطْلَعْتَهُ عَلَى الْغُيُوبِ وَانْعَمْتَ عَلَيْهِ وَطَهَّرْتَهُ مِنَ الرَّجْسِ وَنَقَّيْتَهُ
مِنَ الدَّنَسِ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ الْأَئِمَّةِ الطَّاهِرِينَ وَ عَلَى شَيْعَتِهِ
الْمُنْتَجِبِينَ وَ بَلِّغْهُمْ مِنْ أَمَانِهِمْ مَا يَأْمُلُونَ وَ اجْعَلْ ذَلِكَ مِنَّا خَالِصاً مِنْ كُلِّ
شَكٍّ وَ شُبْهَةٍ وَ رِيَاءٍ وَ سُمْعَةٍ حَتَّى لَا نُرِيدَ بِهِ غَيْرَكَ وَ لَا نَطْلُبَ بِهِ إِلَّا وَجْهَكَ
اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقْدَ نَبِيِّنَا وَ غَيْبَةَ إِمَامِنَا وَ شِدَّةَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا وَ وَقُوعَ
الْفِتَنِ بِنَا وَ تَظَاهَرَ الْأَعْدَاءِ عَلَيْنَا وَ كَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَ قِلَّةَ عَدَدِنَا اللَّهُمَّ فَافْرُجْ
ذَلِكَ عَنَّا بِفَتْحِ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ وَ نَصْرِ مِنْكَ تُعِزُّهُ وَ إِمَامٍ عَدْلٍ تُظَهِّرُهُ إِلَهَ الْحَقِّ
أَمِينَ اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ أَنْ تَأْذَنَ لَوْلِيِّكَ فِي إِظْهَارِ عَدْلِكَ فِي عِبَادِكَ وَ قَتْلِ
أَعْدَائِكَ فِي بِلَادِكَ حَتَّى لَا تَدَعَ لِلْجَوْرِ يَا رَبِّ دِعَامَةً إِلَّا قَصَمْتَهَا وَ لَا بَقِيَّةً
إِلَّا أَفْنَيْتَهَا وَ لَا قُوَّةً إِلَّا أَوْهَنْتَهَا وَ لَا رُكْنًا إِلَّا هَدَمْتَهُ وَ لَا حَدًّا فَلْتَهُ وَ لَا سِلَاحًا
إِلَّا آكَلْتَهُ وَ لَا رَايَةً إِلَّا نَكَّسْتَهَا وَ لَا شُجَاعًا إِلَّا قَتَلْتَهُ وَ لَا جَيْشًا إِلَّا خَذَلْتَهُ
وَ أَرْمِهِمْ يَا رَبِّ بِحَجَرِكَ الدَّامِغِ وَ اضْرِبْهُمْ بِسَيْفِكَ الْقَاطِعِ وَ بَأْسِكَ الَّذِي
لَا تَرُدُّهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ وَ عَذِّبْ أَعْدَائِكَ وَ أَعْدَاءَ وَلِيِّكَ وَ أَعْدَاءَ
رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِيَدِ وَلِيِّكَ وَ أَيْدِي عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ اللَّهُمَّ
اكَفِ وَلِيِّكَ وَ حُجَّتَكَ فِي أَرْضِكَ هَوْلَ عَدُوِّهِ وَ كَيْدَ مَنْ أَرَادَهُ وَ أَمَكْرَ مَنْ
مَكَرَ بِهِ وَ اجْعَلْ دَائِرَةَ سُوءٍ أَعْلَى مِنْ أَرَادَ بِهِ سُوءًا وَ اقْطَعْ عَنْهُ مَادَّتَهُمْ وَ
أَرْعِبْ لَهُ قُلُوبَهُمْ وَ زَلِّزْ أَقْدَامَهُمْ وَ خُذْهُمْ جَهْرَةً وَ بَغْتَةً وَ شَدِّدْ عَلَيْهِمْ
عَذَابَكَ وَ أَخْزِهِمْ فِي عِبَادِكَ وَ الْعَنَّهُمْ فِي بِلَادِكَ وَ أَسْكِنِهِمْ أَسْفَلَ نَارِكَ وَ

أَحِطُ بِهِمْ أَشَدَّ عَذَابِكَ وَأَصْلِحِهِمْ نَاراً وَ أَحْسُ قُبُورَ مَوْتَاهُمْ نَاراً وَأَصْلِحِهِمْ
 حَرَّ نَارِكَ فَإِنَّهُمْ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ وَأَضَلُّوا عِبَادَكَ وَ
 أَخْرَبُوا بِلَادَكَ اللَّهُمَّ وَ أَحْيِ بِيُولِيكَ الْقُرْآنَ وَ أَرِنَا نُورَهُ سَرْمَداً لَا لَيْلَ فِيهِ وَ
 أَحْيِ بِهِنَّ الْقُلُوبَ الْمُتَيِّتَةَ وَ اشْفِ بِهِنَّ الصُّدُورَ الْوُغْرَةَ وَ اجْمَعْ بِهِنَّ الْأَهْوَاءَ الْمُخْتَلِفَةَ
 عَلَى الْحَقِّ وَ أَقِمْ بِهِنَّ الْحُدُودَ الْمُعْطَلَةَ وَ الْأَحْكَامَ الْمُهْمَلَةَ حَتَّى لَا يَبْقَى حَقٌّ إِلَّا ظَهَرَ
 وَ لَا عَدْلٌ إِلَّا زَهَرَ وَ اجْعَلْنَا يَا رَبِّ مِنْ أَعْوَانِهِ وَ مَقْوِيَهُ سُلْطَانِهِ وَ الْمُؤْتَمِرِينَ
 لِأَمْرِهِ وَ الرَّاظِينَ بِفِعْلِهِ وَ الْمُسْلِمِينَ لِأَحْكَامِهِ وَ مِمَّنْ لَا حَاجَةَ بِهِنَّ إِلَى التَّقِيَّةِ مِنْ
 خَلْقِكَ وَ أَنْتَ يَا رَبِّ الَّذِي تَكْشِفُ الضُّرَّ وَ تُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاكَ وَ
 تُنْجِي مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ فَ اكْشِفِ الضُّرَّ عَنِّي وَ لِيَّكَ وَ اجْعَلْهُ خَلِيفَةً فِي
 أَرْضِكَ كَمَا ضَمِنْتَ لَهُ اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلَنِي مِنْ خُصَمَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ
 لَا تَجْعَلَنِي مِنْ أَعْدَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ لَا تَجْعَلَنِي مِنْ أَهْلِ الْحَنْقِ
 وَ الْغَيْظِ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فَإِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ذَلِكَ فَاعِذْنِي وَ
 اسْتَجِرْ بِكَ فَاجِرْنِي اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنِي بِهِمْ فَائِزاً
 عِنْدَكَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ .

ترجمه:

خدایا، بشناسان به من خودت را زیرا اگر تو را نشناسم رسولت را نخواهم شناخت. ای
 خدا، رسولت را به من بشناسان وگرنه حاجتت را نخواهم شناخت. خدایا، حاجتت را به من
 بشناسان وگرنه از دین خود گمراه خواهم شد. ای خدا، مرا به مرگ جاهلیت نمیران (که تو را
 نشناسم و بمیرم) و از قلبم پس از آن که مرا هدایت کردی، ظلمت گمراهی را دور دار.
 پروردگارا، چنان که مرا به ولایت و دوستی آن کسانی که طاعتشان را بر من واجب و لازم

کردی هدایت فرمودی یعنی آنان که از جانب تو بعد از رسالت صلوات الله علیه و آله صاحب خلافت اند تا آن که من به هدایت تو دوستدار و الیان امر تو شدم که آن والیان امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) و حضرت حسن امام مجتبی (ع) و حضرت امام حسین (ع) و حضرت امام علی بن الحسین (ع) و حضرت امام محمد بن علی (ع) و حضرت امام جعفر بن محمد (ع) و حضرت امام موسی بن جعفر (ع) و حضرت امام علی بن موسی الرضا (ع) و حضرت امام محمد تقی (ع) و حضرت امام علی نقی (ع) و حضرت امام حسن عسکری (ع) و حضرت امام حجت امام قائم مهدی (عج) صلواتک علیهم اجمعین اند. پس ای خدا، مرا بر این دین خود ثابت قدم گردان و به کار اطاعت مشغول دار و قلبم را برای (ایمان و اوامر) ولی امرت مطیع کن و عاقبت و حسن عاقبت در آن چه خلقت را به امتحان آن آزمودی مرا به کرم عطا فرما و به طاعت ولی امرت ثابت قدم بدار آن ولی امری که از چشم خلق پنهان داشته‌ای و به اذن تو غایب از مردم گردیده و در ظهور و قیامش منتظر فرمان توست و تو ای خدا به ذات خود بی‌تعلّم دانایی که چه هنگامی مصلحت در اذن به ظهور امر سلطنت الهیهی اوست و پرده از جمال او برداشتن چه وقت صلاح عالم است پس ای خدا مرا صبر و شکیبایی ده در امر غیبت آن حضرت که آن چه را تو تأخیرش خواهی من تعجیل آن نخواهم و آن چه تو تعجیل آن خواهی من تأخیرش نطلبم و آن چه تو مستور می‌داری کشف آن نخواهم و آن چه امر به کتمان و پنهان داشتن فرمودی بحث در آن نکنم (و لب فرو بندم) و در تدبیر امور عالم با تو (که عالم و قادر به کل مصالح عالمی) تنازع نکنم و هرگز (در قضا و قدرّت چون و چرا نکنم و نگویم چه شده است که ولی امر امام غایب ظاهر نمی‌شود در صورتی که هم اکنون زمین پر از جور (و فساد) گردیده است و (من بنده‌ی جاهل عاجز این چون و چراها روا ندانم بلکه) تمام امورم را به حضرتت تفویض می‌کنم. پروردگارا، از تو درخواست می‌کنم که جمال ولی امرت امام زمان را به من ظاهر و آشکار بنمایانی در حالی که امر و فرمانش در جهان نافذ باشد با علم و معرفتم به این که تمام سلطنت و قدرت و برهان کامل و حجّت بالغه مشیت نافذه و توانایی و قوّت (بی‌نهایت) خاصّ توست (و هر قدرت و سلطنت با عطای توست و ظلّ سلطنت و قدرت ازلی است) ای خدا

این لطف را (که امام غایب ما را ظاهر فرمایی و آن سلطنت عدل را در جهان آشکار کنی) در حق من و جمیع اهل ایمان روادار تا ما جمال مبارک ولی امر تو صلوات الله علیه را بچشم ببینیم و با سخن آشکار و دلالت واضح ما را از راه ضلالت و گمراهی به طریق هدایت (و معرفت) آورد و ارکان سلطنتش را ثابت بدار و ما را از آنان که چشم روشن (و شاد خاطر) به شهود جمالش شوند قرار ده (نه از آنان که از دیدنش هراسان و ترسان و گریزانند) و ما را به خدمت حضرتش پایدار کن و بر آیین آن بزرگوار بمیران و در زمره‌ی او و شیعیانش در قیامت مشحور گردان. پروردگارا، تو آن امام غایب را از شر جمیع آن چه خلق کردی و به حرکت آوردی و بیافریدی و ایجاد کردی و برنگاشتی در پناه خود محفوظ دار و از هر شرّ که در مقابل رویش پشت سر او و از سمت راست و چپ و از بالا و پایین بر وجود مبارکش رو آورد از همه محفوظش بدار به حفظ خود که هر کس در حفظ و پناه توست هرگز آسیبی به او نرسد و هم به وجود او آیین و شرع رسالت و وصی رسالت که تحیت حق بر او و آل او باد حفظ فرمایی. پروردگارا، تو عمر آن حضرت را طولانی کن و بر مدّت زندگانی‌اش بیفزای و بر ولایت و سلطنتی که به او عطا کرده‌ای او را یاری فرما و بر لطف و کرامتت به او بیفزای که اوست هادی خلق و مهدی موعود عالم و قیام کننده برای رهبری ملت‌ها و اوست آن گوهر پاک با تقوای کامل پاکیزه صفات و منزّه از هر نقص و صاحب مقام رضا و خشنودی خدا، صابر (در بلا و مصائب) سپاس گزار ایزد متعال مجاهد در راه خدا (و تحصیل رضای حق) پروردگارا یقین ما را به واسطه‌ی وجود مبارکش به واسطه‌ی طول مدّت غیبتش و انقطاع خبرش از ما سبب مگردان و ذکر آن حضرت را و انتظار ظهورش و ایمان به وجودش و یقین کامل به ظهورش را هرگز از یاد ما مبر و دعای به آن بزرگوار و درود و تحیتش را هرگز فراموش ما مگردان تا این که طولانی شدن غیبتش ما را از قیام او ناامید نکند و بلکه یقین ما به حضرتش و قیام دولتش مثل ما به قیام رسول تو (حضرت محمد صلی الله علیه و آله) و آن چه بر او از وحی و تنزیل کتاب آسمانی تو آمد چنین یقینی هم به وجود امام غایب ثابت و کامل باشد پس تو ای خدا دل‌های ما را در ایمان به او قوّت یقین عطا فرما تا آن که ما را به واسطه‌ی وجود او به سر منزل هدایت سلوک دهی

و به شاهراه حقیقت و بهترین طریقت رسانی و ای خدا ما را به طاعتش قوی بدار و بر متابعتش ثابت قدم گردان و ما را از حزب او و از یار و یاوران آن حضرت و راضی و خشنودی به فعل آن بزرگوار قرار ده و این موهبت را از ما در حیات دنیا و هنگام وفات سلب مگردان تا آن که در حالی که ما را قبض روح کنی بر این ایمان و یقین باقی باشیم که هیچ شک و ریب و سستی عقیدت در ما راه نیابد و ابداً از تکذیب کنندگان او نباشیم. ای خدا، فرج آن حضرت را زود مقرر فرما و او را به نصرت خود یاری کن و یارانش را هم یاری فرما و مخالفانش را مخدول و ذلیل کن و آنان را که به دشمنی او برخیزند و تکذیب او کنند همه را هلاک کن و دین حق و حقیقت را به وجود او آشکار فرما و رسم جور و ظلم را به دست قدرتش نابود کن و بندگان با ایمانت را در دولتش از ذلت و خواری نجات ده و شهر و دیار عالم را به وجودش آباد (و پر نعمت و امن و امان) فرما و سرکشان کفر و ضلالت را به شمشیر قهرش به قتل رسان و پشت رؤسای گمراهان عالم را درهم شکن و جبّاران و کافران را به حکومتش ذلیل کن و منافقان و عهد شکنان و تمام مخالفان و ملحدان بی دین را که در مشرق و مغرب عالم اند و در بر و بحر و کوه و صحرا همه را هلاک و نابود کن تا دیگر دیناری از آن نابکاران و اثری از آن خدانشناسان در جهان باقی نگذاری. شهر و بلاد خود را از وجود ناپاک آنان پاک کن و دل‌های پرغم و اندوه بندگان را به هلاکت آنان شادمان فرما و آن چه که از دین تو محو گردیده در دولت حضرتش از نو تجدید کن و آن چه از احکام و سنتت (که اهل بدعت و نفاق و تغییر و) تبدیل دادند همه را اصلاح فرما تا آن که دین تو ای خدا به وجود او و به دست سلطنت الهیهی او به مقام خود از نو باز گردد و تمام و کامل از روی یقین بدون بدعت و کج روی میان بندگان عمل شود. تا آن که به حکومت عدل او آتش (فتنه و فساد) کافران خاموش شود که البته آن امام غایب و قائم آل محمد (ص) یگانه شخصی است که تو اش خاص و خالص برای خود گردانیده‌ای. برای یاری و نیت او را پسند و منتخب کردی و به علم ازلی خود برگزیدی و از هر گناه او را معصوم و منزّه و از هر نقص و عیب مبرا کرده‌ای و او را بر اسرار علم غیب مطلع و آگاه فرمودی و در حقش انعام فرمودی و او را از هر ناپاکی شرک و ریا پاک و از هر پلیدی جهل و عصیان

مبّر اکری. پروردگارا پس درود فرست بر او و بر پدراناش که همه امامان پاک گوهرند و هم بر شیعیان برگزیده‌ی او درود و رحمت فرست و آنها را به هر امید و آرزویی دارند کاملاً نایل فرما و این دعا (و عرض ارادت ما را به آن حضرت و شیعیان پاکش) خالص از هر شک شائبه و ریا و خودنمایی قرار ده تا در آن غیر تو را اراده نکنیم و جز رضا و خشنودی ذات تو را نطلبیم. بارالها، به درگاه تو شکایت می‌کنم از فقدان پیغمبر اکرم (ص) و غیبت امام زمان ما و سختی فتنه‌ی دور زمان بر ما شیعیان و وقوع فتن و فساد پشتیبانی نیروی دشمنان علیه ما و بسیاری دشمن و کمی عده‌ی ما. بارالها، تو به فتح و گشایشی از جانب خود از این غم و اندوه‌ها فرج عاجل به ما عطا فرما و به یاری با عزّت و ظهور امام و پیشوای عادل (امام عصر) از جانب خود ما را به کرم نصرت بخش. ای خدای به حق، این دعا را اجابت فرما. بارالها، ما از تو درخواست می‌کنیم که اذن و اجازه فرمایی در ظهور ولیّ خود برای اظهار سلطنت عدل در بین بندگانت و قتل دشمنان در شهر و بلاد مملکت تا آن جا که دیگر پایگاه و نیرویی بر اهل ظلم و جور نگذاری جز آن که تمام را درهم بشکنی و بقیه‌ای از بیدادگران عالم نماند جز آن که نابود گردانی و قدرتی نباشد جز آن که ضعیف و ناتوان کنی و هر حدّت و صولت اهل جور را محو و بی‌اثر و هر سلاح و نیروی آنها را فاسد و عاطل فرما و پرچم‌های آنان را سرنگون کن و تمام ابطالشان را به قتل رسان و لشکرهایشان همه را مخدول و مغلوب کن و ای خدا به سنگ (قهر و عذاب) مهلکت آنها را سنگساران مذلت فرما و به شمشیر برای انتقامت و بأس و عقابی که از قوم نابکار ابداً بر نگردانی. آنان را به هلاکت رسان و دشمنان خود دشمنان ولیّ خود (امام غایب قائم) و دشمنان رسولت صلوات الله علیه و آله همه را به دست ولیّ قائم خود و به دست بندگان با ایمانت معذب کن. بارالها، تو ولیّ خود و حجتت بر خلق زمین را از هول و ترس دشمنش کفایت فرما و از مکر و حيله‌ی آنان که با او قصد مکر و خیانت دارند محفوظ دار و هر که با او مکر کند تو او را به کیفر رسان و حوادث بد را بر بدخواهانش مقرر فرما و از وجود مبارکش ماده و ریشه‌ی فساد آنها را نابود کن و دل‌هایشان را از او ترسان و هراسان و قدم‌هایشان را معذب فرما و در میان بندگانت آن دشمنان را خوار و ذلیل کن و در شهر و دیار عالم بر آنها لعنت

فرست و در اسفل السّافلین جهنّم جای ده و اشدّ عذابت را بر آن‌ها محیط فرما و به آتش سخت انتقام فرست و قبور مردگانشان را از آتش سوزان بپاکن و خود آن‌ها را به آتش سوزان قهرت و اصل ساز که آن‌ها مردمی هستند که نماز را (که یاد خداست) ضایع گذاشتند و پیرو شهوت نفس خود شدند و بندگان را گمراه و شهر و دیارت را ویران کردند. پروردگارا، قرآن (اشرف کتب آسمانی خود) را به وجود ولیّ خود (امام زمان علیه السّلام) باز زنده فرما و نور جمالش را به ما بنما. آن نوری که سرمدی است و هرگز ظلمت گرد او نگردد و دل‌های مرده‌ی خلق را به لطف آن بزرگوار زنده کن و دل‌های اندوهناک را شفا مرحمت فرما. هواهای نفسانی متفرق و آرای مختلف را به وجود مبارکش بر حق مجتمع گردان و حدود الهی را که به کلی تعطیل شده و احکام شرع محمّدی را که همه متروک شده باز در دوران سلطنت آن حضرت همه را اجرا فرما تا به وجود مبارکش هر حقّ و حقیقتی آشکار و هر عدل و دادی روشن شود و ای خدا ما را هم از یاران او و نیروی سلطنتش و فرمانبران حکمش قرار ده و از آنان که خشنود از فعلش هستند و تسلیم فرمان‌هایش و از آن بندگان که به تقیه نیازمند نیستند (بلکه آزاد در اجرای حکم حق) از آنان مقرر فرما و ای خدا ای پروردگار ما تویی که هر زیان و غم و حسرت و ظلم و جور را (از بندگان) برطرف می‌کنی و دعای هر بنده‌ی مضطرّ را اجابت می‌فرمایی و از رنج و بلای سخت نجات می‌دهی پس ای خدا تو از ولیّ خود امام غایب هر ضرّ (و بیم آزار دشمن) را برطرف کن و او را آشکار در زمین بر همه‌ی خلقت خلیفه‌ی خود قرار داده چنان که بر این کار خود تضمین فرموده‌ای. ای خدا، مرا از اهل نزاع و مجادله‌ی با آل محمّد و از دشمنان آل محمّد (ص) و از اهل کینه و خشم با آل محمّد علیهم السّلام قرار مده که به تو پناه می‌برم از این صفت شقاوت. مرا در پناه خود گیر و به درگاه کرم تو پناهنده می‌شوم مرا پناه ده پروردگارا درود فرست بر محمّد و آل محمّد (ص) و به وجود آن‌ها مرا نزد خود در دنیا و آخرت سعادت‌مند و فیروز فرما و از مقربان درگاهت قرار ده و ای خدای پروردگار عالم این دعا را از من به کرم (بی‌انتهایت) مستجاب کن.

شرح و توضیح مختصر دعا در غیبت امام زمان (عج)

یکی از دعاهایی که به خواندن آن زیاد سفارش کرده‌اند دعای غیبت حضرت صاحب الامر (عج) است که به سند معتبر مروی است که شیخ ابو عمر و نایب اول امام عصر صلوات الله علیه این دعا را املا فرمود به ابوعلی محمد بن همام و امر فرمود که آن را بخواند. شایان توجه خوانندگان عزیز است که این دعا را نایب اول امام عصر (عج) املاء فرمودند و واضح است که نایب امام (ع) بدون اجاره و اطلاع حضرت کاری انجام نمی‌دهند و اما درس‌هایی که می‌توانیم از این دعا بگیریم به اختصار در زیر به آن اشاره می‌کنیم.

- ۱ - شناخت خدا و معرفت پیدا کردن به صفات او و در یک کلام موحد شدن، از ویژگی‌های دوستداران آن حضرت است.
- ۲ - انسان پس از شناخت خدا ملزم است که به شناخت نبی و پس از آن امام هر زمان و امام زمان (عج) در این زمان اقدام کند. چرا که شرط کمال یابی طی این طریق است.
- ۳ - انسان اگر توفیق نیابد و از شناخت‌های فوق یعنی خداشناسی - پیامبرشناسی و امام‌شناسی بی‌بهره شود، در گمراهی و ضلالت خواهد افتاد.
- ۴ - انسانی که بدون این شناخت‌ها بمیرد، مرگش مرگ جاهلیت است.
- ۵ - شیعه واقعی کسی است که به ولایت ائمه‌ی معصومین علیهم السلام و نایبان عام و خاص آن‌ها گردن نهد و اطاعتشان را بر خود واجب شمارد. و اطاعت یعنی اجرای واجبات و مستحبات و دوری گزیدن از حرام‌ها و مکروه‌ها.
- ۶ - شرط پایداری و ثبات در دین همین شناخت‌هاست.
- ۷ - شیعه‌ی واقعی کسی است که به محض رویارویی با ناملائمات شکوه و گله‌ای نمی‌کند و با صبر خود را در صف منتظران حضرت قرار می‌دهد.
- ۸ - شیعه‌ی واقعی و دوستدار آن حضرت (عج) کسی است که تمام امور خود را به خدا وامی‌گذارد. توکلش به تمامی به خداست و در آن شک و تردیدی به دل راه نمی‌دهد.
- ۹ - شیعه‌ی واقعی کسی است که واقعاً تشنه‌ی دیدار حضرت صاحب الزمان (عج) است

و برای رسیدن به این منظور چشم و گوش و زبان خود را از گناهان محفوظ می‌دارد.

۱۰ - شیعه‌ی واقعی کسی است که تماماً به یاد سرورش و مولایش صاحب الزمان (عج) است و همیشه برای آن حضرت در همه حال دعا می‌کند و سلامت آن وجود را از خدا می‌خواهد.

۱۱ - شیعه‌ی واقعی کسی است که طولانی شدن غیبت در ایمانش خللی وارد نمی‌کند.

۱۲ - در عالم یک حزب وجود دارد و آن حزب و گروهی است که در خدمت حضرت صاحب الامر است، از این رو شیعه‌ی واقعی کسی است که از خدا می‌خواهد تا او را در حزب حضرت قرار دهد و این حزب چیزی نیست جز حزب الله که در قرآن به آن اشاره شده. حزب الله هم الغالبون.

۱۳ - شیعه‌ی واقعی کسی است که راضی به رضایت مولایش باشد.

۱۴ - شیعه‌ی واقعی کسی است که شبه‌ی شکاکان دلش را نمی‌لرزاند و به شک نمی‌افتد.

۱۵ - شیعه‌ی واقعی کسی است که برای مطامع قلیل دنیا نه پیمان خود را با حضرت می‌شکند و نه تن به دروغ و افترا می‌دهد.

۱۶ - بعد از ظهور آن حضرت شهرها آباد و سرکشان نابود می‌شوند، سرکرده و رهبر گمراهان یعنی شیطان از بین می‌رود. منافقان، پیمان‌شکنان و جمیع ملحدان و شبه‌افکنان به دست آن حضرت نابود می‌شوند و هیچ آثاری از آن‌ها باقی نمی‌ماند.

بشریت رنج کشیده‌ی در طول تاریخ، نفس راحتی خواهد کشید و صلح و امنیت حقیقی حاکم خواهد شد.

سنت‌های راستین انبیا و اولیا که در کتب آسمانی به ویژه قرآن آمده و همه به عنوان تحجرگرایی کنار گذاشته شده‌اند، احیا می‌شوند و به صحنه‌ی عمل می‌آیند.

۱۷ - گروهی که نماز را مسخره می‌کنند، و در پی شهوات خود رفته‌اند و از طریق الهی دور و گمراه شده‌اند، همه‌ی آن‌ها مجازات خواهند شد.

۱۸ - تمام احکام و حدود الهی که به سبب فراهم نبودن زمینه‌ی اجرا و یا به واسطه‌ی قصور تعطیل مانده است، به اجرا در می‌آید.

۶- زیارت امین الله

این زیارت را جابر از امام محمد باقر (ع) روایت کرده که امام زین العابدین به زیارت امام امیرالمؤمنین آمد، نزد قبر آن حضرت گریست و فرمود:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ حُجَّتَهُ عَلَى عِبَادِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
 أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَشْهَدُ أَنَّكَ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَ عَمِلْتَ بِكِتَابِهِ وَ
 اتَّبَعْتَ سُنَنَ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّى دَعَاكَ اللَّهُ إِلَى جِوَارِهِ فَقَبَضَكَ
 إِلَيْهِ بِاخْتِيَارِهِ وَ الزَّمَّ أَعْدَاءَكَ الْمُحْجَّةَ مَعَ مَا لَكَ مِنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَةِ عَلَى جَمِيعِ
 خَلْقِهِ اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي مُطْمَئِنَّةً بِقَدْرِكَ رَاضِيَةً بِقَضَائِكَ مَوْلَعَةً بِذِكْرِكَ وَ
 دُعَائِكَ مُحِبَّةً لِصَفْوَةِ أَوْلِيَائِكَ مَحْبُوبَةً فِي أَرْضِكَ وَ سَمَائِكَ صَابِرَةً عَلَى
 نُزُولِ بَلَائِكَ شَاكِرَةً لِفَوَاضِلِ نِعْمَائِكَ ذَاكِرَةً لِسَوَابِغِ الْآيَاتِ مُشْتَاقَةً إِلَى
 فَرَحَةِ لِقَائِكَ مُتَزَوِّدَةً التَّقْوَى لِيَوْمِ جَزَائِكَ مُسْتَنَّةً بِسُنَنِ أَوْلِيَائِكَ مُفَارِقَةً
 لِأَخْلَاقِ أَعْدَائِكَ مَشْغُولَةً عَنِ الدُّنْيَا بِحَمْدِكَ وَ تَثْنَائِكَ وَ آنگاه پهلوی روی
 مبارک خود را روی قبر نهاد و گفت: اللَّهُمَّ إِنَّ قُلُوبَ الْمُحِبِّينَ إِلَيْكَ وَ إِلَهُهُ وَ سُبُلَ
 الرَّاغِبِينَ إِلَيْكَ شَارِعَةٌ وَ أَعْلَامُ الْقَاصِدِينَ إِلَيْكَ وَ أَضْحَةٌ وَ أَفْئِدَةُ الْعَارِفِينَ
 مِنْكَ فَازِعَةٌ وَ أَصْوَاتُ الدَّاعِينَ إِلَيْكَ صَاعِدَةٌ وَ أَبْوَابُ الْإِجَابَةِ لَهُمْ مُفْتَحَةٌ
 وَ دَعْوَةٌ مَنْ نَاجَاكَ مُسْتَجَابَةٌ وَ تَوْبَةٌ مَنْ أَنَابَ إِلَيْكَ مَقْبُولَةٌ وَ عِبْرَةٌ مَنْ
 بَكَى مِنْ خَوْفِكَ مَرْحُومَةٌ وَ الْإِغَاثَةُ لِمَنْ اسْتَعَاثَ بِكَ مَوْجُودَةٌ وَ الْإِعَانَةُ لِمَنْ
 اسْتَعَانَ بِكَ مَبْدُودَةٌ وَ عِدَاتِكَ الْعِبَادِكَ مُنْجِزَةٌ وَ زَلَّلَ مِنْ اسْتِقَالِكَ مُقَالَةً
 وَ أَعْمَالَ الْعَامِلِينَ لَدَيْكَ مَحْفُوظَةٌ وَ أَرْزَاقَكَ إِلَى الْخَلَائِقِ مِنْ لَدُنْكَ نَازِلَةٌ وَ
 عَوَائِدَ الْمَزِيدِ إِلَيْهِمْ وَاصِلَةٌ وَ ذُنُوبَ الْمُسْتَغْفِرِينَ مَغْفُورَةٌ وَ حَوَائِجَ خَلْقِكَ

عِنْدَكَ مَقْضِيَّةٌ وَ جَوَائِزَ السَّائِئِينَ عِنْدَكَ مُوَفَّرَةً وَ عَوَائِدَ الْمَزِيدِ مَتَوَاتِرَةً وَ
 مَوَائِدَ الْمُسْتَطْعِمِينَ مُعَدَّةً وَ مَنَاهِلَ الظَّمَاءِ مُتْرَعَةً اَللّٰهُمَّ فَاسْتَجِبْ دُعَائِي
 وَاقْبَلْ ثَنَائِي وَاجْمَعْ بَيْنِي وَ بَيْنَ اَوْلِيَائِي بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ
 وَ الْحُسَيْنِ اِنَّكَ وَلِيُّ نَعْمَائِي وَ مُنْتَهَى مُنَايَ وَ غَايَةُ رَجَائِي فِي مُنْقَلَبِي وَ مَثْوَايَ
 وَ دَرَادِمِهِ بَكَو اَنْتَ اِلهِي وَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ اِغْفِرْ لِاَوْلِيَائِنَا وَ كُفِّ عَنَّا اَعْدَاءِنَا
 وَ اشْغَلْهُمْ عَنَّا اَذَانًا وَ اظْهِرْ كَلِمَةَ الْحَقِّ وَ اجْعَلْهَا الْعُلْيَا وَ اَدْحِضْ كَلِمَةَ الْبَاطِلِ
 وَ اجْعَلْهَا السُّفْلَى اِنَّكَ عَلِيٌّ كَلِّشِيَّ قَدِيرٌ.

ترجمه:

سلام بر تو ای امیرالمؤمنین در زمین و حجت خدای بر بندگانش. سلام بر تو ای
 امیرالمؤمنین گواهی می‌دهم که تو در راه خدا جهاد کردی و حق خدا را در دین جهاد به جا
 آوردی و دستورات کتاب خدا را عمل کردی و سنت‌های رسولش را پیروی کردی و در
 پایان عمر که خدا به جوار رحمت خود دعوت فرمود و به اراده‌ی خود روح را قبض
 کرد و به شهادت و رحلت تو بر دشمنانت حجت را الزام کرد به آن که در وجودت
 حجت‌های بالغه‌ی الهیه بر همه خلق تمام بود. خدایا تو جان مرا مطمئن به قدر و راضی به
 قضای خویش فرما و مشتاق به ذکر و دعای خود کن و دوستدار خاصان اولیایت محبوب
 در اهل زمین و آسمان خود قرار ده و با صبر و شکیبایی هنگام نزول بلای خود و شکرگزار
 مزید نعمت‌های ظاهر و متذکر نعمت‌های باطن خود فرما و مشتاق ابتهاج لقای خود کن و
 مرا به تهیه‌ی زاد تقوی برای روز جزا و به طریقه‌ی اولیا و خاصان بدار و از طریقه دشمنان
 خویش دور کن و مرا به جای اشتغال به کار دنیا به حمد و ثنای خود مشغول دار. خدایا،
 دل‌های خاشعان و خدا ترسان در تو واله و حیران است و راه‌های مشتاقانت به جانب تو باز
 است و نشانه‌های آنان که قاصد کوی تواند نشانه‌های روشن است و قلوب عارفان از شهود
 جلالت هراسان و صدای دعای بندگان اهل دعا به درگاہت بلند و درهای اجابت به روی

آن‌ها باز است و دعای هر که رازت گوید مستجاب است و توبه‌ی هر که به تو باز گردد پذیرفته است و اشک هر که از ترس گرید رحمت شود و دادرسی برای آنان که از تو دادرسی جویند موجود است و کمک برای کسی که از تو کمک جوید مبذول است و عده‌هایت برای بندگانت وفا شود و لغزش‌های هر که گذشت جوید عفو شود و کارهای عارفان نزدت محفوظ و روزی خلاق از درگاهت نازل شود و بهره‌های فزون به آن‌ها برسد و گناهان آمرزش جویان آمرزیده است و حوایج خلقت نزد تو برآورده و جایزه‌ی خواستاران نزدت وافر است و بهره‌های فزون پیاپی و خوان‌های خوراک خواهان آماده است و چشمه‌ها بهر تشنه‌ها لبریز خدایا دعایم را مستجاب کن و پذیر ستایشم را و جمع کن میان من و میان دوستانم به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین زیرا تو ولی نعمت‌ها و نهایت آرزوها و غایت امید من و جنبشگاه و اقامتگاه تو معبود و سید و مولای منی بی‌امرزد دوستان ما را و دفع کن از ما دشمنان ما را و بازشان دار از آزار ما و پدیدار کن سخن حق را و آن را برتر قرار ده و زیر پا کن کلمه‌ی باطل را و قرارش بده پایین‌تر زیرا تو بر هر چیز توانایی.

شرح و توضیح زیارت امین الله

این زیارت را جابر از امام محمد باقر (ع) روایت کرده که امام سجاد (ع) وقتی به زیارت امام علی ابن ابیطالب (ع) می‌رفتند نزد ایشان می‌گریستند و این زیارت را می‌خواندند. از این زیارت درس‌های زیر را می‌توان آموخت.

۱- امام علی (ع) و ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام اُمَنای الهی‌اند در بین خلق و مردم در تمام زوایای زندگی باید به ایشان پناه ببرند.

۲- ائمه‌ی معصومین حجت‌های خدا بر خلق‌اند، لذا مردم موظف‌اند بر اوامر ایشان گردن بگذارند.

۳- امام علی (ع) ابر مردی است که بعد از رسول خدا در راه خدا به تمامی جهاد و به کتاب خدا عمل و از پیامبر خدا پیروی کرده است.

۴ - باید به دعا و اهمیت و نقش آن در زندگی توجه کرد و از خدا توفیق در به دست آوردن نفس مطمئنه را خواست.

۵ - از خدا بخواهیم که محبت دوستانش و اولیایش را در دل ما قرار دهد.

۶ - در مقابل مشکلات و سختی‌ها بردبار باشیم و از خدا بخواهیم که صبر بر بلا را به ما عطا فرماید.

۷ - همیشه شاکر نعمات الهی باشیم و از یادآوری نعمت‌ها و الطاف خدا بر خود غافل نشویم.

۸ - تنها توصیه‌ای که در سفر آخرت به کار می‌آید، تقوای الهی است و پیروی کردن از اولیا و ائمه‌ی معصومین است و دوری کردن از دشمنان خدا و پیامبر و پیروی نکردن از آنهاست.

۹ - همیشه درهای اجابت خداوندی به سوی بندگان باز است و آنها نباید به علت کثرت گناهان از توبه کردن و بازگشت به سوی خدا مأیوس شوند.

۱۰ - رحمت خداوند بر کسانی که از سر اخلاص به درگاهش روی آورند و ندبه سر دهند و باگریه حاجت‌های خود را اعلام کنند، جاری است.

۱۱ - انسان در زندگی به جز در خانه‌ی خدا نباید به سوی دیگران برود و درخواست حاجت کند چرا که تنها خداوند است که از سر کرم و لطف بی‌کرانش پاسخ‌گوی بندگان خویش است «البته لازم به ذکر است اگر ما متوسل به انبیا و معصومین و امام‌زادگان می‌شویم آنها را واسطه‌ی استجابت دعا قرار می‌دهیم و از ارواح آنها استمداد می‌طلبیم تا برای ما دعا کنند ولی در نهایت تمام مقصد ذات مقدس حضرت احدیت است.»

۱۲ - خداوند و (اولیایش) تنها وفادار به عهد خود هستند و ما باید به پیروی از آنها به عهد و پیمان‌هایی که می‌بندیم وفادار باشیم.

عهد به صورت کلی به سه دسته تقسیم می‌شود:

۱ - عهد و پیمان با خدا و رسول.

۲ - عهد و پیمان با خلق خدا.

۳- عهد و پیمان با خویشتن خویش.

۱۳- هیچ عملی چه خوب چه بد از نظر الهی به دور نیست و همه در پیشگاه خداوند محفوظ است.

۱۴- بندگان الهی نباید دغدغهی روزی و رزقشان را داشته باشند. چرا که رزق و روزی هر کس تعیین شده است (تلاش و کوشش در تحصیل آن در حد طبیعی لازم است).

۱۵- خداوند به کسانی که رسم بندگی را خوب بدانند و در این راه قدم صادقانه بردارند و در همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها خدا را فراموش نکنند، جایزه‌های فراوانی عطا می‌کند (هم در دنیا و هم در آخرت)

۱۶- بهترین دوستان ما برای رسیدن به کمالات عالیه و طی طریق الهی ائمه‌ی معصومین علیهم السلام هستند. و ما باید با پیروی کردن از آن‌ها خود را در مسیر حق و حقیقت قرار دهیم تا به مقصد (رضایت الهی) برسیم و از خاصان درگاه او شویم. ان شاء الله.

۷- ذکر صلوات بر حضرت صاحب الزمان (عج)

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ صَلِّ عَلَى وَلِيِّ الْحَسَنِ وَ وَصِيِّهِ وَ وَارِثِهِ
الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ وَ الْغَائِبِ فِي خَلْقِكَ وَ الْمُتَنظِّرِ لِإِذْنِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَ قَرِّبْ
بُعْدَهُ وَ أَنْجِزْ وَ عِدَّهُ أَوْفِ عَهْدَهُ وَ اكْشِفْ عَنْ بَاسِهِ حِجَابَ الْغَيْبَةِ وَ أَظْهِرْ
بِظُهُورِهِ صَحَائِفَ الْمِحْنَةِ وَ قَدِّمِ أَمَامَهُ الرُّعْبَ وَ ثَبِّتْ بِهِ الْقَلْبَ وَ أَقِمْ بِهِ
الْحَرْبَ وَ أَيْدِئِهِ بِجُنْدٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مَسْوْمِينَ وَ سَلِّطُهُ عَلَى أَعْدَاءِ دِينِكَ أَجْمَعِينَ
وَ أَلْهِمَّهُ أَنْ لَا يَدَعَ مِنْهُمْ رُكْنًا إِلَّا هَدَّهٗ وَ لَا هَامًا إِلَّا قَدَّهٗ وَ لَا كَيْدًا إِلَّا رَدَّهٗ وَ لَا
فَاسِقًا إِلَّا حَدَّهٗ وَ لَا فِرْعَوْنَ إِلَّا أَهْلَكَهٗ وَ لَا عِلْمًا إِلَّا نَكَّسَهُ وَ لَا سُلْطَانًا إِلَّا كَسَبَهُ
وَ لَا رُمْحًا إِلَّا قَصَفَهُ وَ لَا مِطْرَدًا إِلَّا خَرَقَهُ وَ لَا جُنْدًا إِلَّا فَرَّقَهُ وَ لَا مِثْبَرًا إِلَّا
أَخْرَقَهُ وَ لَا سَيْفًا إِلَّا كَسَرَهُ وَ لَا صَنْمًا إِلَّا رَضَّهٗ وَ لَا أَدَمًا إِلَّا أَرَاقَهُ وَ لَا جَوْرًا إِلَّا

أَبَادَهُ وَلَا حِصْنَآ إِلَّا هَدَمَهُ وَلَا أَبَابًا إِلَّا رَدَمَهُ وَلَا قَصْرًا إِلَّا خَرَّبَهُ وَلَا مَسْكَنًا إِلَّا
فَتَّشَهُ وَلَا سَهْلًا إِلَّا أَوْطَئَهُ وَلَا جَبَلًا إِلَّا صَعَدَهُ وَلَا كَنْزًا إِلَّا أَخْرَجَهُ بِرَحْمَتِكَ
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

ترجمه:

خدایا، رحمت فرست بر محمد و خاندانش و رحمت فرست بر ولی حسن و وصیش و وارثاش که قائم به امر تو و غایب از خلق تو و منتظر اجازهی توست. خدایا، رحمت فرست بر او و نزدیک کن دوریاش و عمل کن به وعدهاش و وفا کن به عهدش و بر طرف کن از سختیاش پردهی نهانیاش را و در نورد به ظهورش اوراق محنت و پیش دار جلوش هراس بر دشمن و ثابت دار بدو دل را و برپا کن بدو جهاد را و تأییدش کن به لشکری از فرشتگان نشان دار و چیره اش کن بر دشمنان دینت همه و الهامش کن که وانگدارد از آنها ستونی جز نرمش کند و نه فرقی جز آن که بشکاند و نه توطئه ای جز آن که رد کند و نه فاستی جز که حدش زند و نه فرعونی جز که نابودش کند و نه پرده ای جز که بدروش و نه پرچمی جز آن که نگویش کند و نه تسلطی جز که به دست خود گیرد و نه نیزه ای جز که درهم شکند و نه نیزه دستی جز آن که بدروش و نه لشکری جز آن که پراکنده کند و نه منبری جز آن که در هم ریزد و نه تیغی جز آن که بشکند و نه بتی جز آن که نرمش کند و نه خونی جز آن که بریزد و نه جوری جز آن که برباد دهد و نه دژی جز آن که ویران کند و نه دری جز آن که در بندد و نه کاخی جز آن که ویران کند و نه مسکنی جز آن که باز رسد و نه همواری جز آن که زیر گام گیرد و نه کوهی جز آن که بالا رود و نه گنجی جز آن که برآورد. به رحمتت یا ارحم الراحمین.

شرح و توضیح صلوات بر حضرت صاحب الامر (ع)

در این صلوات پس از درود بر خاندان حضرت رسول (ص) و درود و سلام بر حضرت صاحب الزمان (عج) از خداوند می خواهیم که فرج ایشان را نزدیک فرماید و به برکت

وجود آن حضرت مشکلات را حل کند و رنج و محنت را به قدوم مبارکش از میان بردارد. از خدا می خواهیم که او را با یاری خاصه اش یاری فرماید و دشمنانش را مغلوب وی کند و در ادامه ی این صلوات به دسته ای از اموری که بعد از ظهور انجام می دهند اشاره می شود که به اختصار در زیر به آن اشاره می کنیم.

- ۱ - ستون ها و بناهایی را که دشمنان دین بنا نهاده اند، ویران می کند.
- ۲ - تمام توطئه ی مکاران و مخالفان دین اسلام نقش بر آب می شود.
- ۳ - انسان های فاسق به میزان عملشان حدود الهی بر آن ها جاری می شود.
- ۴ - گردنکشان و طاغوتیان هلاک می شوند.
- ۵ - هر پرچم کفری که در جهان در اهتزاز است، سرنگون می شود و تنها پرچم حق و اسلام برافراشته می ماند.
- ۶ - همه سلاح های عالم در مقابل سپاه حضرت از کار خواهند افتاد.
- ۷ - همه ی لشکر کفر و الحاد و ضد دین مبین اسلام جام تلخ شکست را سر خواهند کشید.
- ۸ - همه ی منبرها و تریبون های کفر یا نفاق که در خدمت منافقین و ملحدین ضد اسلام اند، سوزانده می شوند.
- ۹ - هیچ قدرتی توان مقاومت در ظهورش نخواهد داشت.
- ۱۰ - همه ی درهای فتنه و فساد بسته می شوند.
- ۱۱ - منابع به نفع مستحقین استخراج می شود.

۸- حرز امام زمان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا مَالِكَ الرَّقَابِ وَ يَا هَازِمَ الْأَحْزَابِ يَا مُفْتِحَ
الْأَبْوَابِ يَا مُسَبِّبَ الْأَسْبَابِ سَبَّبْنَا سَبَبًا لَا نَسْتَطِيعُ لَهُ طَلَبًا بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا
اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ.

ترجمه:

به نام خداوند بخشنده و مهربان. ای مالک رقاب و ای گریزاننده‌ی احزاب و گشاینده‌ی درها. ای سبب ساز برای ما فراهم کن سببی که نتوانیم آن را جست به حق لا اله الا الله و محمد رسول الله و آتش همه را.

طریقه‌ی نوشتن نامه برای حضرت صاحب الزمان (عج)

در تحفة الزائر است که از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هرگاه تو را حاجتی به سوی خدای تعالی باشد یا از امری خائف و ترسان باشی در کاغذی بنویس؛

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِأَحَبِّ الْأَسْمَاءِ إِلَيْكَ وَ
أَعْظَمِهَا لَدَيْكَ وَ أَتَقَرَّبُ وَ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِمَنْ أَوْجَبَتْ حَقَّهُ عَلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَ
عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرَ
بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنَ
بْنِ عَلِيٍّ وَ الْحُجَّةَ الْمُنْتَظَرِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ أَكْفِنِي كَذَا وَ كَذَا

یعنی حاجت خود را ذکر کنی پس رقعہ را پیچ و در بندقه‌ی از گل بگذار و در میان آب جاری یا چاهی بینداز که حق تعالی به زودی فرج کرامت فرماید.

به نام خداوند بخشنده و مهربان. خدایا من روی به سوی تو دارم محبوب‌ترین نام‌هایت نزد خودت و بزرگ‌ترین آن‌ها پیشت و تقرب و توسل جویم به درگاہت به کسی که واجب کردی حقش را بر خود به محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و علی بن الحسن و محمدر بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و حجّت منتظر صلوات خدا بر ایشان همه کفایت کن مرا چنین و چنان.

بیعت یاران حضرت مهدی (عج) چیست؟

امیر مؤمنان (ع) در ضمن حدیثی طولانی در وصف بیعت یاران حضرت مهدی (عج)

چنین می فرمایند:

... با او بیعت می کنند که هرگز:	حریر و خز نپوشند،
دزدی نکنند،	در برابر سیم و زر، سر فرود نیاورند،
زنا نکنند،	راه را بر کسی نبندند،
مسلمانی را دشنام ندهند،	راه را ناامن نکنند،
خون کسی را به ناحق نریزند،	گرد همجنس بازی نگردند،
به آبروی کسی لطمه نزنند،	خوراکی را ائبار نکنند،
به خانه‌ی کسی هجوم نبرند،	به کم قناعت کنند،
کسی را به ناحق نزنند،	طرفدار پاکی باشند،
طلا، نقره، گندم و جو ذخیره نکنند،	از پلیدی گریزان باشند،
مال یتیم را نخورند،	به نیکی فرمان دهند،
درباره‌ی چیزی که یقین ندارند، گواهی ندهند،	از زشتی‌ها باز دارند،
مسجدی را خراب نکنند، ^(۱)	جامه‌های خشن بپوشند،
مشروب (مست کننده) نخورند،	خاک را متکای (بالش) خود قرار دهند
	در راه خدا حقّ جهاد را ادا کنند، و... ^(۲)

۱ - طبق آیه ۱۱۴ سوره بقره معنای خراب کردن مسجد چیست؟ این نیست که انسان با بیل و کلنگ به جان مساجد و (مجالس مذهبی و اعیاد و میلادها و سوگواریهای معصومین که در ارشاد و هدایت جامعه مؤثر است) را از رونق بیندازد و توجه مردم را به سوی دیگری معطوف دارد مشمول آیه‌ی ۱۱۴ بقره می شود بنابراین حضور در آنها و توجه به محافل و مجالس مذهبی یک نوع عمران بلکه مهمترین عمران و آبادی شمرده شده و تمام کسانی که می کوشند مردم را با وسائیل فساد سرگرم سازند و از نام خدا غافل کنند و از مساجد بازدارند طبق این آیه ظالمترین و ستمکارترین مردم خواهند بود عزیزان بزرگوار و گرانقدری که می خواهند در این باره بیشتر کسب اطلاع نمایند ذیل آیه فوق در جلد یک تفسیر نمونه صفحه‌ی ۲۹۱ تا ۲۹۴ مراجعه فرمایند.

۲ - کمال هستی در عصر ظهور ۲۴.

دعای خاتمه کتاب

بارالها! روزهای عمر هر چه باشد به سرعت می‌گذرد. تنها سرای آخرت جاویدان است ما را از غفلت بیدار کن و حسن عاقبت و نجات در آخرت را مرحمت کن.

بار پروردگارا! تو منت نهادی و نور ایمان را در اعماق قلوب ما جا دادی آن را تا آخرین لحظه‌ی عمر ثابت بدار و بر آن بیفزای. تو از اعماق قلب ما آگاهی، عیوب ما را به خوبی می‌دانی آن‌ها را از بندگانت پوشان و به کرمات اصلاح فرما.

خداوندا! به ما توفیق عنایت کن که ویژگی‌های اخلاقی یاران راستین پیامبر (ص) را در خود زنده کنیم. ویژگی‌هایی که در اصحاب خالص او و امامان نور به ویژه مهدی عزیز وجود دارد و در قرآن آمده به ویژه در سوره‌های محمد (ص) و حجرات نیز آمده است.

بارالها! شدت در برابر دشمنان، محبت در برابر دوستان، تسلیم در برابر فرمان تو، توجه به عنایات خاص تو و امام عصر (عج) و تلاش و کوشش برای بارور کردن جامعه‌ی اسلامی و پیشرفت و گسترش آن را به ما عنایت فرما.

بار پروردگارا! از تو فتح مبینی می‌خواهیم که جامعه‌ی اسلامی ما در سایه‌ی آن به حرکت درآید و در این عصر و زمان که نیاز به معنویت از هر وقت دیگر بیشتر است، تعلیمات این آیین حیات‌بخش را به جهان عرضه کنیم و هر روز قلوب تازه‌ای را در تسخیر اسلام در آوریم و کشور تازه‌ای از کشور دل‌ها را فتح کنیم. ان شاء الله

آمین یا رب العالمین

اللهم و فقنا لما تحبُّ و ترضی

و السلام علی من اتبع الهدی

نظر علی کوشکی - محمد باقر سبحانی

ابوالحسن جباری

منابع و مأخذ کتاب

ردیف	نام کتاب	نام مؤلف	انتشارات
۱	قرآن کریم		
۲	تفسیر المیزان	حاج سید محمد حسین طباطبایی	مؤسسه دارالعلم قم
۳	تفسیر نمونه	جمعی از نویسندگان زیر نظر استاد ناصر مکارم شیرازی	دارالکتب الاسلامیه قم
۴	تفسیر جامع	حاج سید ابراهیم بروجرمی واله الله العظمی مکارم شیرازی	انتشارات کتابخانه قم صدر تهران
۵	کتاب امام مهدی	محمد کاظم قزوینی	دفتر نشر الهادی قم
۶	مصباح المنیر مشکینی	حضرت آیة الله میرزا علی	نشر الهادی ۱۳۷۰
۷	وقت معلوم	محمد حسن گنجی فرد	نگین
۸	بحار الانوار ج ۱۳	علامه مجلسی	دارالکتب الاسلامیه طهران
۹	مجموعه زندگی چهارده معصوم	حسن عمادزاده	رار اسلامی
۹	نهج البلاغه	فبض الاسلام	نشر مکتب قرآن
۱۰	فرهنگ لغت عمید	حسن عمید	سازمان چاپ و انتشارات جاویدان
۱۱	توجهات ولی عصر به علما و مراجع	عبدالرحمان فرزاده	انتشارات سهور مشهد
۱۲	بررسی طول عمر	محسن علوی پیام	نصر قم
۱۳	مهدی منتظر در نهج البلاغه	مهدی فقیه ایمانی	کتابخانه امیرالمؤمنین اصفهان
۱۴	کرامات حضرت مهدی		مسجد مقدس جمکران قم
۱۵	ولایت و زعامت	مصطفی آیة اللهی	مصطفوی شیراز
۱۶	مسائل کلی امامت	ابراهیم امینی	دارالتبلیغ اسلامی قم
۱۷	ذهنیت مستشرقین و اصالت مهدویت	حسین منتظر	انتشارات پرتو
۱۸	کرامات المهدی	واحد تحقیقات	مسجد مقدس جمکران
۱۹	مبانی تعلیم و تربیت اسلامی	محسن شکوهی یکتا	مراکز تربیت معلم

کتابهایی که توسط انتشارات نوید به قلم مولفین کتاب چاپ شده

ردیف	نام کتاب	موضوع کتاب	قیمت پشت جلد
۱	اباصالح المهدی (عج) *** جلد اول چاپ دوم جلد دوم چاپ اول	درباره طول عمر و زندگی امام عصر (عج) و ملاقات با ایشان و نشانه‌های ظهور و سخنان ایشان	
۲	امام حسین (ع) *** جلد اول چاپ دوم جلد دوم	زندگی امام حسین (ع) علل قیام، تفسیر قیام، مدیریت از دیدگاه حسین (ع)، یزید کیست، سخنان امام حسین (ع)	
۳	هدایت و تقلید در تشیع * چاپ دوم	حقانیت علی (ع) و اسلام، شیعه کیست گامهای شیطان	۸۰۰ تومان
۴	هدایت المتقین * چاپ سوم	فراگیری قرآن نماز ثوابهای نمازهای یومیه، و شب جمعه، جماعت در برزخ دنیا، قیامت معاد ازدواج، حرمت تراشیدن ریش و حرمت طلا برای مردان	۱۶۰۰ تومان
۵	بهشت سرزمین آرزوها * چاپ اول	عقل، عمل صالح، صبر، شفاعت	
۶	عبادت و تکامل انسان * چاپ اول	اصول عبادت (راستی - طهارت - عقل - علم) صفات ویژه بندگان خدا، شناخت حق و باطل، دعا	۱۰۰۰ تومان
۷	راهنمای سعادت * چاپ دوم	اسباب سعادت و بدبختی، تقوی، محبت واقعی، دین و محبت، پاداش حب و بغض فی الله، عوامل نابودی، ثواب اعمال	۴۰۰ تومان
۸	رمضان * چاپ اول	درباره روزه نظر دانشمندان شرق و غرب، دعای مخصوص رمضان و افطار	۴۰۰ تومان
۹	رستگاران * چاپ دوم	درباره تقوی، پرهیزکاری و اینکه دنیا و آخرت از هم جدا نیست، شعائر الهی، تقوی کلید بهشت، چرا قیامت را منکرند؟	۱۵۰ تومان ج دوم ۴۵۰ تومان

۱ - کتابهایی که با ۳ ستاره مشخص شده تألیف محمد باقر سبحانی، نظر علی کوشکی و ابوالحسن

جباری و آنهایی که یک ستاره دارند مؤلف آنها ابوالحسن جباری است

۲ - متقاضیان عزیز به صورت عمده می‌توانند جهت دریافت کتب فوق به نشانی دروازه اصفهان به طرف پُل علی ابن حمزه دست چپ (گاراژ دوم) گاراژ سید جعفری مرکز پخش انتشارات نوید شیراز به شماره تلفن: ۲۲۲۲۵۴۳ مراجعه نمایند.

۳ - جهت دریافت کتاب متقاضیان می‌بایست مبلغ پرداختی را به حساب ۱۳۹ بانک صادرات شعبه ۲۲ بهمن بنام انتشارات نوید شیراز واریز و فیش آن را به مسئول پخش کتاب تحویل دهند.

۴ - ضمناً هزینه حمل و نقل برای جاهای مختلف به عهده خریداران است.